

فی وسط النهار یفین نمودند. لکن پس از فتوحات متواتره واپون و شکستهای متتارته ما که چون آفتاب عالتاب در تمام ربع مسکون ظاهر و آشکار گردید خصوصاً بعد از جنگ (نیوربتشین) عوض رجز خوانی و حماسهای سابقه شروع بداد و بیداد و ناله و فریاد کرده نونک خامه خود را که نیز تر از تیغ بران و تیر پراست بطرف دوات بر گردانیده بکلمات نامنجان آغاز حمله بدولت کرده که چرا باید استمداد مقابله با خصم قوی بجهت را کاه و حقه ندیده باشد.

هر چند ما از فصل خزان سال (۱۹۰۳) تا بحال مشغول و سرگرم از دیاد قوای حریه خود در اقصای شرق هستیم ولی بجهت دوری راه و بعد مسافت در این مدت متمادی نتوانستیم قوای خود را با دشمنی که تا حال که ماه ستمبر است بالغ بر نیم ملیون قشون کامل السلاح در میدان جنگ حاضر کرده برابری نایم زیرا که عده قشون دشمن الحال در منچوریا سیصد و پنجاه و پنجاه هزار است و در (کوانتون - ۷۸۰۰۰) در کوریا (۲۰۰۰۰) در راه (کوانتون - ۶۰۰۰۰) جمله (۵۲۳۰۰۰) قشون جنگجوی مستعد با یکهزار و هفتصد توپ قلعه کوب لشکر شکر جدید الاختراع میباشد. اما مجموع قشون ما در همین ماه ستمبر با لشکر (ولادپوستک) و قشونی که در (بندر آرتر) محصورند از (۴۰۰۰۰۰) بیشتر نیست و همه بجهت متجاوز از یکصد هزار کتر از لشکر دشمن هستند همیشه بهمین قسم تفاوت مابین لشکر ما و خصم بوده مگر هرصهت یکجا که از ۲۳ اپریل گذشته تا ۲۳ مئی باشد زیرا که لشکریان حترول (کروپاتکن) در همان تاریخ از (۱۵۰۰۰۰) الی (۱۷۰۰۰۰) بود و لشکر دشمن از (۱۴۰۰۰۰) بیشتر نبود ولی واپونیان از آن وقت شروع کردند با زیاد لشکر اکنون هم بالغ بر یکصد هزار از ما افزونند و مارشل (اویاما) در نقشه که بجهت جنگ صکشیده کامیابی کامل حاصل نموده چنانچه بچیک قشون خود را محاصره بندر آرتر گذاشته چهار حصی دیگر را از برای حمله بر جنرال کروپاتکن همراه دارد و پیوسته در اندیشه فتح و قبضه بر جزیره (سخالین) و جزیره های (کوشکا) است

دیده آماده شویم از برای جنگ طولانی و خرنریزی بی پایانی که در صفحات تزار بخ دنیا مندل و مانند داشته باشد فتح و فیروزی قشون ما در فرار از (لیاویانگ) با خسارتهای فوق العاده واپون ما را محرك میشود و ما میدارد که بر خلاف سابق از این به بعد حمله و پیشقدمی از جانب ما باشد. اگرچه هنوز وقتیکه دل خود را بآن خوش نایم یعنی غلبه کامل بر خصم حاصل کنم نرسیده. چه هنوز دشمن در نهایت استمداد است و نمیتوان کار او را سهل و آسان انگاشت و باید در مقابله و مقابله با خصم نقصانهای بیش از اندازه را متحمل شده تحمل کرد تا سرها از تنها جدا شود و حویهای خون مانند سیل جاری گردد و اموال فراوان بی حساب تلف شود ولی عاقبت شک و شبه نیست که فتح و غلبه نصیب ما خواهد بود

### ترجمه از روزنامه روسکیا

#### فیدومستی

اخبار (روسکیا فیدومستی) مینویسد - بزرگترین وسیله خرابی عالم تمدن و اسابت اخباراتی است که وظیفه آنها آگاهی مات و ارشاد بطرف بهبودی و فلاح و راستی و نجات است از طریق حق و راستی و مسلك صدق و درستق منحرف شده سی و کوشش در اخلاص و گراهی و اغوا و گول زدن مات بایند) چنانچه اخبارات ما در ابتدای محاربه اقصای شرق با نهایت حسرت و بی اعتنائی نام واپون را ذکر کرده دولت و مات را بسختیانی مغز دروغین لافطال قریب داده در وادی جهالت و نادانی سرگردان کرده تمامی آنها بکوزبان مینوشند که عقریب لشکریان شجاع ما قشون واپون را شکست داده بدون معارض و مانع بمملکت ایشان در آمده سرداران شیر دل مرد انگن ما در شهر (توکیو) پای تخت واپون موسم خزان سنه (۱۹۰۴) مصالحه نامیجه و عهد نامه بحسب دلخواه خود خواهند بست - و امثال این سخنان مهمل بهبودی و افکار سخیفه بی مأخذ را که مایه بربادی و خذلان و ضرور دولت و مات است پیوسته شایع میکردند تا آنکه بر ملت روسیه بخوی مشتهبه شد که عدم قوت و اقتدار واپون را در ایستاده کی و مقابله با لشکرهای شجاع جوار خود کالشمس

فرور و نخوت و جهل و نادانی نگریم و در حقیقت بعد از آنکه صیت بزرگی و قدرت و سلطنت ما تمام عالم را فرا گرفته بود تنگ و مارجمالت و داغ بینیرتی برجین مان نشست که مستوجب هر قسم صدمه و ملامت هستیم

و امروزه تمام افکار و خیالات دوات روس بلکه جمیع اهل عالم متوجه اتصادی شرق است چرا که قشون و جہازات جنگی ما همه ساعت منتظر مہایب گوناگون و صدمات و لطافات پیش از حد و حصرند امروز تمام اهل عالم حیران و متفکرند از این فرقه زرد رخسار تنگ چشم دهن گشاد کوتاه قد که در بیابان و کوههای منچوریا مثل مور و مانخ منتشر شده و با آنکه جماعتی کثیر از آنها در جنگهای روسیه تبار و فانی گردیده باز هم خیره خیره لاشهای برادران و خویشان خود را که بضرر شمشیرهای بران ما به خاک هلاک افتاده در زیر قدم سپرده مثل دیوانگان و بی هوشان که قوه میزه ندارند و جاتا بیدج نمیشمارند روی پا آورده اند

در اینجا ناچاریم شمه از حملات و برشهای قوم مغول و تاتار را در ازمنه سابقه بر روسیه بنمایم که مانند اشکر مور و مانخ از وسط آسیا با کمال مهارت و عم بقشون جنگ و استعداد تکامل و شجاعت فطری و شہامت ذاتی که از بدوان خود بمیراث داشتند چون سیل بملک ما سرازیر شده و بالغ بر دو بیست سال تملک و تصرف کردند چنانچه آخر آنها را از ممالک خود بنهایت ذات اخراج کردیم و ممالکت را از قبضه تصرفشان بیرون آوردیم همچنان قشون ژاپون را که در خیال خود حکمرانی و سلطنت تمام آسیا را بر خود غمر کرده و ورد زبان ساخته اند که ( آسیا مال آسایشانست ) خواهیم شکست داده ممالکشان را تصرف کرده در بند اسیری و رقبت گرفتار نموده علمهای قنوجانشانرا نگویند خواهیم ساخت

هر چند تا بحال نیز خیال سیاسیون درباره ژاپونیان محتلف است و هیچکس از حقیقت قوت و استعداد آنها مطلع نیست و نمیتواند حکم قطعی بنماید و همه بحدس و تخمین سخن میرانند چنانکه بعضی را رای بر آنست که هنگام ضرورت قادر بر حاضر ساختن یک میلیون

اینوقت قشون و توپهای ژاپون که برای حمله بر مکن آماده و در میدان جنگ حاضر است برقرار ذیل میباشد قشون زیر حکم جنرال کروکی (۱۵۰) هزار با (۳۷۲) توپ - قشون تحت فرمان جنرال اوکو (۱۲۵) هزار با (۳۶۲) توپ - قشون تابع امر جنرال ندزو (۸۹) هزار با (۳۲۰) توپ جمله (۳۶۵) هزار قشون و (۱۰۵۴) توپ الآن مستعد و آماده حمله بر مکن و جنرال کرویاتکن هستند و اگر اردوی چهارم خود را که در راه بطریق دخیره میباشد بالغ بر (۶۰۰۰۰) است بر آن بنزایند از (۴۰۰۰۰۰) زیاد تر میشود با این قشون جرار که بحسب عدد هم از قشون جنرال کرویاتکن که الحال (۲۳۰۰۰۰) میباشد یک ربع زیادتر است هر گاه در نواحی مکن بمقابله و مقاتله پردازند چنان جنگ سختی روی دهد که کسی مانند آنرا یاد نداشته باشد چرا که مجموع لشکر متخاصمین متحارین زیاد بر (۲۳۰۰۰۰) خواهد بود از بدیهات است که جنرال (کرویاتکن) بدون جنگ و جدال متنا به از (مکن) حرکت نخواهد کرد و تا تلفات قشون و خسارتهای مالی و جنی او را مجبور و ناچار نکند دست از (مکن) بر نداشته بخواب نخواهد نمود و این اوقات مشغول بتشید و استحکام قلاع و حصون (تین تنگ) اند که مقابست داری اهمیت مرکزی و واقع و در میان کوههای مرتفعه و جبال شامخه که بمنزله قلاع و حصون طبیعی میباشند درباره بندر (آرتھر) آسوده باد بود چرا که مثل کوههای آهین مستحکم و بای برجاست ژاپونیان بسبب خسارتهای جانی و مالی که از یرش برایشان وارد آمده دست از حمله و یرش برداشته بمحاصره پرداخته اند

درباره جنگ و خانقہ آن و طول زمان محاربه هیچکس نمیتواند سخن بگوید - چه آراء سیاسیون مختلف است بکن بعضی تا یکسال دیگر خانقہ خواهد شد بعض دیگر را اعتقاد بر آنست که از دو سال دیگر کتر طول نخواهد کشید ولی همگی اتفاق دارند بر اینکه طاقت فتح و ظفر ملرا خواهد بود

از خطایا و خطبها که کار ما را خیلی عقب انداخته آنست که قبل از جنگ هیچ اعتنا و التفاتی بآن نکرديم و اندازه استعداد و قوت خصم را از زیادتی

## شماره (۱۱) • رمضان (۱۳۷۲) - سال دوازدهم - ۱۴ نومبر (۱۹۰۴) صفحه (۱۷)

کشور مسلح با قورخانه و سیورسات کافی در میدان جنگ میباشد  
 لکن این مطلب عالی از مبالغه و افراق نیست و با اعتقاد ما استمداد فراهم نمودن زیاد از (۶۰۰۰۰۰) قشون با لوازم کافی و سیورسات واقیه ندارد و ما میتوانیم بیشتر از آن قشون مسلح در میدان مقاتله و محاربه حاضر نمایم لکن نه باین سرعت بلکه بمرور ایام و مدت دراز و در هر صورت غیر از خداوند متعال که عالم السر والحقبات و قح و ظفر بسته باراده ازلیه اوست کسرا نمیرسد که در باره طاقبت جنگ عالیه پیشین گوئی نماید

### تقریظ

نامه نامی هنایش خرد نگارش کلک گهر سلك  
 شاعر شیرین مقال و سروده طبع شور انگیز سخنگوی  
 نازك حبال سراینده داستان راستان - و زنده کننده  
 آثار باستان نگارنده خوش بیان و گوینده شیرین زبان  
 سخن شناس سخن سنج سخن پرور سخن دان که  
 داد سخن سرائی داده و راه سخن گوئی و جهان  
 کشاده و اساس سخن رانی دوگیتی نهاده بگانه (موبه)  
 خردمند دانشور و فرزانه دانای دانشمند هنر پرور  
 بابل خوشنوی کلستان علم و دانائی و هزار داستان  
 شیرین داستان بوستان فضل و یکتائی سزاوار فیوضات  
 خلقی و جلی شیخ عبدالعلی بیدگلی که سخن  
 سرایان باری زبان را پیری آموزگار و جوهریان  
 دکان هرغان را گوهری آبدار نظم عیبش نظام اولو  
 منظوم را گسته و نثر دلفریبش آواک متوزده را  
 برشته فصاحت بسته باداره رسید مایه هزار گونه  
 امیدواری گردید که هنوز در زمین ایران گویند کافی  
 که قوه ناطقه مدد از ایشان برد هستند و ممکن است  
 باندک توجه دانشمندان لغت باستان و زبان نساکن  
 در همه ایران شایع و دایر گردد از باك پزدان امید  
 داریم که دانشوران خردمند را در حاك باك وطن  
 گرمی ما زیاد فرماید

### تقریظ

الحمد لله الذي نظم نظام العلماء لانتظام مناهج الدين  
 و علم اعلام الفقهاء لتعليم معالم الشرع للمتمين و اسس  
 اسس الاسول بولاية النبي و آله الطاهرين صلوات  
 الله و سلامه عليهم اجمعين و مهد مهاده الفروع بالبرايه  
 من اعدائهم الظالمين

کتاب مستطاب ( مجالس الحسينيه ) تأليف مؤلف  
 عالم فاضل قبه جليل فقه عماد الاسلام و ملاذالانام  
 نایب الاطم عليه السلام و مبین مسائل الحلال و الحرام آقای  
 نظام العلماء مجتهد تبریز ادام الله ايام اقامه و اعزاه

از مقالات جرائد مزبوره و سایر اخبارات روسیه  
 چنین مستفاد میشود که خیالات روسیان درباره  
 ژاپون تغییر کلی کرده بحوی که پس از رسوائی و  
 شکستهای بی دردی و خسارهای گوناگون از تحریرات  
 و تقریرات مهورانه سابقه خود نادم و پشیمان گشته  
 بزبانهای مختلف عذر خطاهای گذشته خود را  
 میخواهند - و نیز هیبت و سطوت ژاپون بحوی در  
 دلهایشان جایگزیده که جرئت اینکه بگویند خاتمه  
 جنگ بدخواه ما خواهد شد ندارند و بلیت و لعل  
 روز میگذارند گاهی دل خود را آن خورسند مینمایند  
 که چنانچه سابق بر این پس از دویت سال تسلط تاآر  
 و مغول بر ممالک روسیه - روسیان متفق شده مملکت  
 خود را بقوت اتحاد از قبضه اقتدارشان بیرون کردند  
 حال نیز ممالک منچوریا را که ژاپون از قبضه روس  
 خارج و بتصرف خود آورده مجدداً خواهند گرفت و  
 نام ژاپون را از صفحه هسق محو خواهند ساخت

### یکی از رجال با دانش میگوید

لکن (هیبت بین ذالك حرط القناد) مغولانیک روسیه  
 توانستند از بلاد خود خارج کنند و ملکشان را از  
 چنگشان بیرون آرند جماعتی بودند وحشی بی عقل و  
 دانش - طاری از سیاست و تمدن و کیاست با دلهای  
 ملو از فساد و خود پسندی و نفسانیت و آرام  
 طلب راحت دوست شهوت پرست بر عکس ژاپونیان  
 که لذت وطن دوستی و قومیت و مزه برادری و  
 نوعیت را چشیده و شهد اتفانق و اتحاد و شیرینی  
 حاک گیری و کشور ستانی و ترقی دولت و ملت در

## شماره (۱۱) ۵ رمضان (۱۳۲۲) - سال چهارم - شماره (۱۱) - شماره (۱۱)

این درجه پانسیون ممکن نیست و از همه جهت عالی  
دو بست منات اوایای اطفال با اداره مدرسه باید پروراند  
و مقصود اصلی از تشکیل این پیکت شبانه روزی این  
است که این همه اطفال بزرگان مملکت ایران که در بلاد  
روسیه و فرنگ پانسیون مدارس ملل - بی فرستاده  
می شوند و آداب مذهبی اسلامی و طادات و لسان ملی  
و غیرت و حب وطن خودشان را در آن مدارس  
گذاشته در عوض لا ابالگری و لامذهبی و کراهبت از  
وطن تحصیل میکنند باین مدرسه اسلامی که تمام  
اجزای آن از مسلمین و مسلمات و آداب اسلامیت  
و وطنیت را بهتر از خود ایران تعلیم میدهند فرستند  
و علاوه بر این در مخارج و دوری راه حقد تفاوت دارد  
اولاً موجب ترویج شعائرته و ترقی اسلام است و  
ثانیاً اطفال بهتر از مدارس روسی و فرنگ تربیت می یابند  
و دین و مذهب خودشان را کم نمی کنند

امید است که حضرات آقایان عظام که میل فرستادن  
اطفال خود شان را دارند درین نکات تأمل فرموده  
و جگر گوشگان خود را با وجود مدرسه نوروز بمرکز  
مفوشه دیگران فرستند

### شوشتر

در این ایام از برکت روزه خوانی و عزاداری  
و تعزیه حضرت سیدالشهداء علیه آلاف التحية والثناء  
بکلی ناخوشی منحوسه و با از شوشتر مرتفع شده و مردم  
فراری با وطن خود معاودت نموده و شکر حضرت  
باری جات عظمت را میبایند و چون جناب مستطاب  
شریعتمدار آقای آقا شیخ مرتضی سامه الله نجل ارجند  
حضرت حجة الاسلام آقای آقا شیخ محمد علی دامت  
افاسته العالیه بجهت رفع ناخوشی از شوشتر نذر واجب  
نموده بودند که بمکه معظمه زاده الله شرقاً و نظماً  
و زیارت مرقد مطهر حضرت پیغمبر صلی الله علیه  
و آله مشرف شوند لهذا پس از اطمینان کامل ۲۰  
شهر رجب (۱۳۲۲) از طریق هندوستان حرکت  
فرمودند چون مردم این نواح سبب با این خانواده  
جلیله خاصه جناب معظم العالیه ارادت نامه دارند مسافرت  
ایشان بر اهالی اثر کلی نموده شب و روز مشغول  
دعاگوئی هستند

جناب مستطاب آقای اعظم السلطنة حکمران عربستان و

السامیه که آخرت را بهترین توشه و معاد را نیکو  
ترین وسیله وزاد و برکات و علم و فضل و وسعت  
نظر و دقت فکر و محقق و تدقیق مؤلف بزرگوار  
اقوی دلیل است با اداره رسیده سینل و جلای قلب  
از زنگ کدورت گردید

الحق سزاوار است بناسخ المقاتل مسمی کردد  
زیرا که بسی تازه و خوب و اسلوب نیکو و مرغوب  
تألیف فرموده و با قلت حجم و کمی عبارت حاوی  
است بر بسیاری از فضایل و مناقب و رزایا و مصایب  
حضرت مقدس سرور اب تشنه گان جهان و سید جوانان  
بهشت جاودان و جگر گوشه خاتم پیغمبران و نور  
دیدة شاه مردان مولانا و مولی الکونین سیدنا المظلوم  
ابی عبدالله الحسین ارواح العالمین لثواب مرقد الشریفة  
القداء و تا کتون کتابی باین خوبی و مرغوبی که  
مشعون باشد با حدیث مستند صحیح و اخبار موثقه  
صریح در احوال آن بزرگوار بنظر نرسیده خدایش  
اجر جزیل و ثواب جمیل دمساد و جمیع مؤمنین را  
توفیق انتفاع از آن مبارک کتاب عطا فرماید تا جائیکه  
ما اطلاع داریم مؤلف بزرگوار را در علوم مختلفه و  
فنون متنوعه بالغ بر سی مجلد تألیف و تصنیف است  
که هر یک در مقام خود ممتاز و بی عدیل است

### مدرسه نوروز

روزدوشنبه ۲۳ شهر رجب المرجب (پانسیون) یعنی  
مکتب شبانه روزی مدرسه نوروز ولاد قفقاز که  
مخصوص اطفال اسلامی و ایرانی است و تمام اجزای  
آن مسلمان تربیت شده مدارس عالیه روسیه است تشکیل  
یافته مراسم دعاگوئی ذات با برحکات اعلی حضرت  
قدس هابون شاهنشاه اسلامیان پناه خلد الله ملک  
و سلطان بعمل آمد

تمام لوازم این مکتب شبانه روزی از خوراک  
و منزل و معلمین و پرستار از نسوان تربیت شده  
اسلامی و لوازم زمستان و ادوات تحصیل با حسن  
وجه بهتر از مدارس روسیه مهیا و حاضر است  
فلاً شش نفر از اطفال مسلمان وارد این پانسیون  
شده و با نهایت آسودگی مشغول تحصیل هستند -  
بعلاوه مواظبت و توجه بی نهایتی که درباره اطفال  
می شود به حدی کم خرج است که در ممالک روسیه

بختیاری این اوقات از مرکز ایالت که دارالملکوتین شوشتر  
 میباشد قصد حرکت به دژ فولی دارند و ظاهراً پس از  
 ورود فوج که همین دو سه روزه است تشریف فرما  
 خواهند شد. اهالی از حسن سلوک جناب معظم‌الیه  
 خوشنود و متشکرند و غالباً در امور ملکی بدنس نفیس  
 رسیدگی میفرمایند و هرستان در کمال انتظام است و  
 بسبب انساد بعضی مفسدین فائین حضرات سادات  
 بویه کثرتاً اهل‌الهم و خانواده سادات گوشه کلانتران  
 شوشتر فی‌الجمله تقاری واقع شده بود تا تدبیر ایالت در  
 کمال خوبی اصلاح یافت و طرفین کمال تشکر و امتنان  
 را حاصل نمودند و آسوده معقول دعاگو حضرت  
 ظل‌اللهی خداوند بزرگ هستند چنانچه مفتضی شد سبب تقار  
 و تفصیل اصلاح آنها را نیز ذکر خواهیم نمود

جناب مستطاب حکیم فرزانه و ادیب حردمند  
 بگانه واقف بمواقف عصر آقا میرزا آقا تاجر اصفهانی  
 المتخلص به ( مجاهد ) که همواره در راه ترقی دین و  
 دولت مجاهدات ایفای نموده و در همراهی بمعارف  
 هیچگونه دقیقه را فروگذار نکرده است عنوان  
 تقریظ مانند که دارای مراتب عالی و مسائل عامه  
 سیاسی است خطاب مدیر جریده فریده ( چهره نما )  
 منطقه اسکندریه نگاشته چون حاوی منافع عمومی  
 میباشد دیلاً نگارش می شود

حق بگو در آشکارا و نهان

تا کند حقت مدد در هر زمان

نکته شکر نعمت عین کفر است

مدیر محترم (چهره نما) را متذکر میدارد شماره ۳  
 و ۴ روزنامه مبارکه که حاصل زحمات و همت عالی شما  
 بود رسید ولی افسوس که هنوز دزدان راه زن راه  
 کاروان معارف میزنند - و رفقا با وجود چیدن ثمرات  
 بد از نادانی خودشان خیلی حوشحال هستند - اگرچه  
 قدرت قاره این روزها در کار کرده گشایش است و نو  
 عروس هنر در خیال چهره نهایی - ولی باز رقیبان در  
 گره کور زدن و راه دور پیش با گذاشتن اصراری  
 دارند ( از آن طرف که تویی راه کاروان باز است )  
 تذکره سالی رسید از من و ورود روزنامه بداخله ایران  
 خوشی برسید حکایت شکایت شکسته بودید خوش

گفت حکیم معنوی ما

آن یکی عاشق به پیش یار خود  
 میسرود از خدمت و از کار خود

رفیق جان هنوز اول منزلت است که در طریق عشق  
 پیش آمده دیوانه نشده سنگ نخورده و پرايه نشده  
 لویس و بیگانه از شما ابراز خردت نکرده اند خصمات  
 ندیده از تجمراتها عقب نمانده جهال نسبت لا  
 مذهبی بشما نداده اند حرف لا ابالی مشرقی در حقتان  
 نگفته اند اول هنگامه شباب شهادت چهره خودتان  
 را آب و تاب بدهید

( ای مرغ - بحر عشق دیوانه بیامور )

ثبات قدم را از رفیق کاشانی حوهران یاد بگیرید  
 این مسئله محقق است که هوای اصفهان از جهت  
 حیادت بر هوای کاشان ترجیح دارد و همیشه اطفال  
 این مملکت از زمان باستان بر کهول بقول در متانت  
 فکر وثبات قدم برتری داشته‌اند - تاریخ دنیا شاهد من  
 و شهادت هزارها خاطره در اینرا هست فردا خواهید  
 دید که صدای تکبر در حق شخص حبل‌المتین بلند  
 خواهد شد زیرا (پهلوان چینی) یکی اردوست رحبل‌المتین  
 و فام کرده که صد هزار تومان برای اینتار کنار  
 گذاشته ام و شما هم که پیشوایان ما را بشناسید آه وقت  
 حبل‌المتین چه میکند روزنامه نگاری را ترك میکند  
 خیر صبر میکند - مردم ایران چه میکنند روزنامه او  
 را نمیخوانند چرا میخوانند هیچ‌لرومی ندارد صاحب  
 روزنامه مسلمان باشد چون صاحب امتیاز روزنامه  
 (تمس لندن) و (عاقب پاریس) و (بویوریای روس)  
 مسلمان نیست و ما هر سه را میخوانیم او را هم میخوانیم  
 نه ما از میدان خواندن در میرویم و نه حبل‌المتین از  
 میدان نوشتن و آنگهی روزنامه شما چرا بی‌امضا بوده  
 است که اسباب شك و شبهه بشود چون يك روزنامه  
 همین قسم که میتواند از منافع يك قوم صحبت بدارد  
 ممکن است که در مضار آنان هم حرفی نگوید من اهل  
 تعارف نیستم تا بحال کسی از من تعریف یا تکذیب  
 کسی را در روزنامه ندیده است در صورتیکه تمام  
 دوستان من میدانستند که من امین‌الدوله پرستم امداد در  
 روزنامه‌جات تعریفی از ایشان بامضای خودم نوشتم ولی  
 هیچ‌کس قدر وجودش را میشناختم و غایبان نزد ارادت با

حضرتش میباشم - ولی بدون هیچ مدافعه در مقام حقیقت گویی میگویم

این ظهور آیهی که فلا از حضرت است والا عین الدوله مشاهده میشود هیچ انتظار نمی بردم گناه نیست اینظهور نیست خلاف طبیعت است - تا منند صدارت بوجود انجود بزورگوار که غیر تاریخی ایرانست آراسته است هیچ جای شکایت از عدم پیشرفت مقاصد نباید مکتوب - و در هر بلیه باید بخود آنوجود مبارک التوجه نمود خواه در حال مهر یا هنگامه قهر همچو آن طفل پیش والده وقت قهرش دستم در او زده او نداند که جز او دیار هست هم ازو هشیارو هم از او ست مست

معلوم است در مقابل این اعتماد ارباب اطلاع شخص صدارت ایقان هم سعی هستند مگر کار را بجای برسانند مگر در صفحات تاریخ به (بهارک) ایران معروف شوند میدانم حالا خیلی ها از رفقای داخله که هم خوابه قوه جاهله هستند نیش خواهند کعبه و نوش خواهند گفت ولی باید گوش نداد فکر زندگانی لازم است آفتاب سر دیوار است کار شب هم بسیار باوری به اندر زهای دوستانه و درد دلهای ناشناخته مشغول شدیم و کاغذ مفصل شد و رشته صحبت از مقام مقصود گسیخت - در وصول تذکره شما خواستم باستان حضرت صدارت که بی تعارف میتوان گفت که يك صفحه جدیدی از برای پیشرفت و سعادت هیئت ملیه ایران بشرف وجود شان تاریخ دنیا باز کرده است در گله باز کم و با شکایت دمساز شوم که ای صدر جهان و پادشاه خوبان آخر نبود که ما وجود تورا غرض سعادت گفتیم و سلخ جهالت در غره تاریکی چرا - و در بدری تاریکی از چه رو - در فروردینهای که دیگران را سبزه بساط است و برگ شکوفه قنط - ما چرا باید جوکهن سالان باغ درمه برگ ویزان از وزش بادهای محنت انگیز زردروی و پریشان باشیم - غدغن فرطاید بسنگ جفا بعد از این حال بلبل نشکند و راه نسیم سعری در دامان گل نه بندند آخر هزار سال که خزان نمی شود ای آفریننده اردوی و تبر - ما هم آدمیم باید بوی گل بشنوم و از

نهایت دلفریب ببلک گوش خود ملن را به تشبیه گفت دولت مند کنیم - عمر این آرزو کوتاه بود و اختراعات همراه گفتی که تبر آه با رفیقان دل آگاه قبل از وقت کار خود را کرده بودند - بست طهران خط یکی او دوستداران معارف و آورد سواد دستخط مبارک حضرت اسد والا عین الدوله را ملفوف داشت مگر با آزادی چهره نما در مراتب مراسم چهره نایی فرموده بودند (باقی دارد)

قابل توجه وقایع نگارانی محترم

اعضای اداره با منهای ادب از وقایع نگاران محترم خود امور ذیل را متصدند

- (۱) وقایعی که برای درج در اخبار نوشته می شود صاف و روشن باشد مقصود خوش خطی نیست بلکه درم پیچیده و مشکل خوان نباشد
- (۲) تا جایکه ممکن است با مجاز و اختصار پردازند چه حکایت يك مویز و صد قلندر است چه بسیار شده مگر طوالت سخن مورت ترك نگارش وقایع شده است
- (۳) اخبارات صحیحه را مگر مینگارند به تملق شخصی و امراض ذاتی مثنوب نباشد و از عنوان بسیار و القاب بی شمار مری باشد چه ایرانیان اخبار ناشناس آنچه در اخبار ملاحظه نمایند از مدیر میدانند
- (۴) عنوانی که برای درج اخبار فرستاده شود در ورقه جداگانه باشد نه در خطوط شخصی بدین واسطه نیز بسیاری از وقایع و اخبارات صحیحه تا نوشته مانده و میماند چه انتخاب از عناوین خطوط هشوار و وقت زیاد میخواهد
- (۵) اشخاصیکه امضایشان معروف اداره نیست هرگاه بنوسط یکی از معروفین اداره معرفی نشوند امید بدرج عناوینیکه میفرستند نداشته باشند مگر عنوانی باشد که بجای بر نخورد و مفید نام باشد

سفارت دولت علیه ایران در آمریکا

وقایع نگار جلال الدین از طهران می نویسد که چون جناب منعم الدوله مأمور سفارت آمریکا شد وزارت جلیله امور خارجه لازم دانست شخص کاروان کار آزموده را بمقام و عهده ایقان مأمور دارد که پیر و خیالات

( ۲۴ شعبان - ۶ نومبر )

§ کیسبونیک برای تحقیق حرکت جہازات بالتیک دریای شمالی منظور شده مطابق قواعد و فصول عهدنامہ ( ہیگ ) میباشد . یعنی از فصل نهم تا چهاردهم آن و حالات مفصلہ آن معلوم خواهد شد . ہیئت کیسبون در پاریس جمع خواهد شد و شاید در ہرماہ پانزدہ روز فیصلہ امور را نموده حکم صادر نماید . احکام کیسیون نافذ دولتی روس و انگلیس در قبول فیصلہ آن مجبور خواهند بود . و تحقیقات بطریق رسمی و عا کہ خواهد شد نہ دوستانہ و صلح خواهانہ

§ در پترسبرگ شہرت داده اند کہ قبل از حرکت امیرالبحر ( روزویست و یسکی ) ہرماہ خبر یافت کہ کشتیهای موشک ژاپون در دریای اروپا موجود است و نیز استماع نموده کہ دولت ژاپون بسیاری از کشتیهای طایفی گبران ( ہمرگ - هل - سوہمین - و گریشچانیا ) را خریداری نموده - و از این رو ادارہ بحری روس از دولت آلمان و انگلیس و دنمارک خواہش کرد کہ دستہ جہازات بالتیک را در راہ حفاظت نمایند . امیرالبحر ( روزویست و یسکی ) شب بیست و یکم از جہاز ققائہ خود کہ بقاصدہ ۳۰ میل تلگراف بی سیمی یافتہ . امیرالبحر موصوف این تلگراف را حل بر فریب و دغای ژاپونیان نمود . و در همان حین یک روشنائی از طرف دریا بجانب دستہ جہازات بالتیک افتاد و در نظر امیرالبحر موصوف محموم گردید کہ این روشنائی را برای تحقیق حال آنان دو کشتیهای موشک ژاپون انداختہ اند

§ بموجب تلگراف رسمی ( توکیو ) ژاپونیان بتاريخ ۲۰ اکتوبر بر بندر آرتر حملہ نموده قلاع شمالی او را قبضہ سکر دماند - منجمدہ آن ( ارلندشان ) میباشد کہ در آنجا پنج ہرادہ توپ روس را غنیمت گرفته بر لنگرگاہ جہازات از ہانجا شلیک کردہ پنج کشتی روس را غرق نموده لنگرگاہرا آتش زدند § جہاز گزرمہ ( یاروسلب ) ذقال و آب برای دستہ جہازات بالتیک گرفتہ از بوظاز ( داردنیز ) عبور نموده است

§ امیرالبحر ( رچ و مسٹراسبل ) توائل انگلیس از جانب مجلس تجارت ( هل ) مدارک قصاص طاعنی گبران را آغاز

حفظ نمودہ شدہ زحمت چندسالہ ایشان بایگان نمود . ازین رو جناب ممتازالملک را کہ از رجال کار آگاہ درست کار مجرب و واقف بمواقف عصر است منتخب فرمودند خدمات و درست کاری جناب ممتازالملک در جنرل قونسکری تالیس آشکارا و مبرهن گردید . امید است کہ در این مأموریت جوہر لیاقت خودشانرا زاید علی سابق بمنصہ ظہور رسانند و پیش ازین مورد مسامح و مستوجب عطف و ولیمت کل خلدادہ ملکہ واقع گردند

اعضای ادارہ جبل المتین نظر بسابقہ اطلاعی کہ از خدمات و درستکاری و راست خیالی جناب ممتازالملک دارند تبریک گفتہ توفیقات ایشان را در خدمات ملیہ و دولیہ از خداوند خواہان و ترقیائشان را خواستگار اند

جناب ممتازالوزارہ کہ از جوانان تربیت یافته بادانش این عصر ترقی حصر و کہین برادر جناب ممتازالسلطنہ سفیر ( ہولاند ) کہ مستغنی از توصیف و تعریف میباشد بہ نیابت سفارت سنیہ ( ہولاند ) منتخب و چند روز - ت حرکت بہ نقطہ مأموریت خود نمودند

نکرات

( ۲۶ شعبان - ۵ نومبر )

§ دستہ جہازات جنگی بالتیک از تانچیر بجانب دریای بالتیک روانہ گردید

§ پنج جہاز زرہ پوش و پنج کشتی گرمہ و دو جہاز ققائہ و یک جہاز بیمارخانہ و دیگری کہ حل ذقال داشت از دستہ جہازات بالتیک وارد دریای ( اتلانتیک ) گردید

§ غمخ ( روتر ) از ( مکدن ) خبر میدہد کہ لشکریان روس و ژاپون بانداۃ یکدیگر نزدیک شدہ اند و کاسہ و جایگاہی برای مشق آنان نماندہ و غالباً بر یکدیگر شب خون میزنند - چنان تصور میشود کہ ژاپونیان منتظر نتیجہ حملہ کہ در تاریخ ۲۰ بر بندر آرتر نموده میباشد - پس از آنیکہ از نتیجہ آن آگاہ شد بلشکریان جنرل ( کروبانکن ) حملہ خواہند نمود - یکیک زیادہی یارودی ژاپون رسیدہ - امروز اول ہوزی است کہ در مکدن برف پاریدہ است

تحقیق تازه کشتی‌های شکست را نیز تلاحظه نمودند و در ( دوگرینگ ) ماهی‌گیران استطاق شدند .  
 § کشتی ( فارموزا ) خبر میدهد که در قرب شناختی مصادم با سرنگ دریائی شده و دریای ژاپون معلوم است و سرنگ - کشتی فارموزا تعاقب شده سه جہازات موشک ژاپونی اورا تدارک نمودند - کپتان جہاز مذکور به قونسل انگلیس در بندر ( سید ) شکایت نموده است -

( ۲۸ شعبان - ۷ نومبر )

§ دولت انگلیس سه مسئله دیگر را پیش نموده که کمیون تائی باید در او بحث نماید - اول تبیین قانون حکمت - دوم مصارف کمیسیون - سوم آنکه نصیحت امر بکثرت آراء باشد نه بصحة جمیع اعضا  
 § در اسلامبول افواه است که ( میومان ویلستام ) ستیر روس که در قوانین بین‌الملول احاطه کامل دارد برای تدارکاتیکه عنقریب از جانب دول خواهد شد وکیل مقرر شده است

§ جہاز ( سویتلانہ ) واردالجریاشد - دستہ جہازات بالتیک بجانب مشرق روانہ گردیدند

§ اعلیحضرت امپراطور روس قبل از حرکت امیر البحر ( روزیویست ویسکی ) بدین عنوان اورا تلگراف نمودند ( دل من همراه شما دستہ جہازات شہاست و چشم امید جمیع ملت روسیہ بشاہا دوخته است )

§ جنرل ( سخاروف ) راپورت میدهد که روزجمہ و شبہ درقرب ( شامو ) جنگهای مختصر شده است § خبر ( روز ) از ( مکدن ) خبر میدهد که قشون روس و ژاپون از مغرب تا مشرق مکدن را احاطه نموده حق در بعضی مقامات قطعه‌های سنگ بزرگ و تپه‌های کوچک حد فاصل واقع شده و طرفین جایگاه خویش را مستحکم مینمایند - لشکریان روس نظر بقابلیت و استعداد خود قحتمندی خویش را مترصد اند - و برای گذرانیدن موسم سرما خانه‌های خشتی تعمیر مینمایند

§ جہاز گزیمہ روس در ( ویسزاج ) نزال و آذوقہ گرفته از ( دارونیز ) عبور نموده است  
 ( ۲۹ شعبان - ۸ اکتوبر )  
 § در واشنگتن تصفیہ شده که امیرالبحر ( دوتی ) از جانب دولت جمهوری اتلوزونی دژتارکات کمیسیون

تائی وکیل مقرر خواهد شد - و امیرالبحر [ فورنیر ] از جانب دولت فرانسه وکیل تحقیقات خواهد شد § دولت روس بتازگی فرمائی صادر نموده که در نہ مراکز جنگی که ( پوسبرک - مسکو - ادیسہ ) نیز شامل است افسران جنگی و دکتزان فوجی جمع شوند § یک جہاز گزیمہ در اثر کشتی ( والتیر ) روس ( ووریند ) حرکت می نماید

§ مسٹر ( لیتل تن ) در ( لینگتن ) نطق داده اظهار داشته است که اهالی نباید در معاملات صلح بدون تحقیقات کامل و بروزنتیجہ بحث نمایند - دولت انگلیس در دماوی خودبای بند و مستقیم است و امپراطور روس وعدہ سریع فرموده که ہرگاہ پس از تحقیق افسران روسی تصورمند واقع شوند سزاخواهند بخشید - و قین کامل است که دولت روس ایضاً بوعده خود خواهد نمود

§ چون مقرر شده که حصہ از جہازات بالتیک از کنال ( سوئز ) بگذرد در تدارک و محافظہ آن در دو طرف ( کنال ) نگهبان مقرر کرده اند

§ کپتان جہاز ( ریجانی ) روس که در شناختی تحت الحفظ بود فرار نموده چنان تصور می شود که سوار یکی از جہازات آلمانی شده بطرف اروپا رہسپار گردیده است

§ خبر روتر از ( چینفو ) خبر میدهد که ژاپونیان بجنرل ( استائل ) اعثا نموده با سپاہیان روسی در بندر آرتر بلاواسطہ مخارہ کرده ابواب مہربانی را بروی آنان گشوده تا پیش ازین خود را بہ مہلکہ بنداختہ بجزت تسلیم شوند

( ۳۰ شعبان - ۹ نومبر )

§ خبر روتر از توکیو خبر میدهد که یوم شبہ در بندر آرتر جنگی بسیار شدید شده اندک اندک ژاپونیان داخلہ شهر را متصرف می شوند

§ بموجب خبریکہ از ( شامو ) رسیده لشکریان روس علاوه براینکہ لوازم جنگی را کاملاً تدارک کرده تصانعات لشکری خویشرا نیز تکمیل می نمایند

§ مسٹر ( برادرلیک ) وزیر هند در ( گولدن فورٹ ) نطق داده اظهار داشته است که دولت روس بہ مصلح داشتن جہاز فر افسران خود واضی شده و چنان



# هفته چهارم - ۱۰ رمضان (۱۳۷۲) - فصل دوم - ۱۴ نومبر (۱۳۰۴) صفحه ۲۳

این چهار افسر که از مسافرت اقصای شرق باز می‌آیند  
ممکن است تصوروار باشند و هرگاه پس از تدارک  
باز هم کسی مقصر شود سزا خواهد یافت - در باره  
امور متنازع فیه که درین جنگ واقع شده امری بود  
بسیار اهم یقیناً هرگاه ملاحظه نیز مشغول جنگ بودیم  
جنین خواست و اقدام می نمودیم و جای مسرت  
است که دولت انگلیس تا این درجه در مقابله خود  
مقتضی المرام شده و دولت روس نیز با هوشیاری تام  
در معاملات دول خارجه و دولتین متخاصمین سلوک  
مینماید - و از ماه جولائی باین طرف هیچ سبازی از  
انگلیسان گرفتار نشده یقین باید نمود که این جنگ  
مخوفواره را بعضی مفاصل نیز در عقب است بدین معنی  
توجه جمیع دول بر این شده که در مسائل متنازع فیه  
طریقه غیر از جنگ باید بیاندیشد - مسئله نالی و حکمیت  
این ایام خیلی قوت گرفته است دیروز که (مستر جوت)  
سؤال نمود که آیا دولتین انگلیس و امریکا بر عهد نامه  
نالی دستخط خواهند نمود یا نه - جواب دادم که این  
امر چندان لازم به تشریح نیست بلکه خواست رئیس  
جمهوری آنازونی (مستروزیولت) را که درباره نالی  
و صلح بود مردود نخواهیم گذارد فقط در بابی اوفور  
و فکر می شود که چگونه مسائل رجوع بنالی خواهد  
شد - لرد لندون باهالی انگلستان اثر نامه بخشید  
و روزنامه مارشک پست می نویسد که نطق لرد  
لندون بسیار نسی میدهد ملت انگلیس را و گویا  
وزیر خارجه انگلستان از جانب دولت روس از ملت  
انگلیسه معذرت میخواهد و برای نگاهداری عزت قومی  
و بقای صلح از استعمال و بکار آوردن قوای بحری  
و بری تا کنون کوتاهی نشده است

( ۲ رمضان - ۱۹ نومبر )

§ امیر البحر (فولکرشام) با جہاز جنگی سوئیولکی -  
ناوران و کشتی گرمه دومیرود - و کشتی های قنار  
و جہاز ایسکه حامل زغال بودند در (سودان)  
رسیده اند

§ لفتنت کرنل ( منجر - و مسیو وادلستام - و  
لفتنت و الکوف ) از جانب روس وکیل حکم حکمیت  
مقرر شده اند

§ دیعب امیر البحر (لکس لند) وارد پرتسبرگ گردید

تصور میشود که فقط شرکت آنان در آن حادثه بوده  
و نیز وعده داده است که اگر غیر از اینها هم  
تصورمند ثابت شوند سزا خواهند یافت

§ هزار سپاه از نواح در ( مسکو ) رسیده و قتیکه  
افسران جنگی مشغول انتظام بودند افراد بر آنها سنگ  
انگنده قشون نظام مجبوراً آغاز بشلیک کرده بک تیرا  
مقتول و شش نفر را مجروح نمودند

( غره رمضان - ۱۰ نومبر )

§ جہاز گرمه (سیوتلانہ) با چهار کشتی موشک در  
(سنداب) آمد و نیز جہاز (ووریند) و سه کشتی گرمه  
موجود است

§ حریق (آشام) که از شلیک ژاپونیان پیش آمده  
حالی پیشقدمی قشون ژاپون در بندر آرتر بر گردیده و  
روسیان حملات قشون ژاپون را بتاریخ ۵ و ۶ جواب  
دادند - و در حمله آخرین یک کلوله ژاپون بمخزن  
سرتنگ روس بتتاً رسیده ۶۰۰ الی ۷۰۰ نفر روسیانشرا  
مقتول و مجروح نموده است

§ مخبر [روتر] از توکیو خبر میدهد که لشکریان ژاپون  
بتاریخ ششم شلیک بسیار شدیدی بر بندر آرتر نموده  
یک کلوله توپ بر ذخیره قورخانه (شانکشوشان) رسیده  
آتش گرفته است

§ در نواح [مکدن] جنگی پیش نیامده - فقط قراولان  
اردوی طرفین با سرتنگ و غیره اندک زد و خوردی  
نموده اند

§ دیعب در [گدهال] لندن وزیر خارجه انگلستان  
[ لرد لندون ] در نطق خود اظهار داشت که عهد  
نامه فرانس و انگلیس اتحاد دولتین مشارالیه را زیاد  
نموده و اثرات صلح و امنیت بجمیع دول نیز می بخشد  
و امید نموده است که فرانسه در رفع مناقشه با روس  
انگلیسرا مدد نماید - در خصوص حمله که در دریای شمالی  
بر ماهی گیران انگلیس شده اظهار داشت که اگر این حمله  
از روی عمد بود چنانچه بدوا تصور می نمود یقیناً بر  
عزت قومی ما صدمه وارد می آورد - ولی اینک ما  
تعمیراتیم خیالات اولیه را بجایم چه پس از تحقیق ظاهر  
گردید که چهارات روس از روی عمد این حرکت را  
نه نموده و آنچه بدوا خیال شده خطا بوده است -  
دولت روس بر عبارات خود اظهار داتنه است

عقاب با بیطرفی تصور میکند و قرآنی منافقین را در  
 § اخیر (روز) از بند سعید مینویسد که جهان  
 انتظام شده است و که بهیچازات روس را با نوازخ ذغال  
 داده شود که بتواند خود را به بندر دیگر برساند و  
 سی شود و که از سکنال سوئز با منتهای سرعت  
 بگذرد

§ بتاريخ هشتم اعلان قرضه ژاپون دوازده ملیون  
 لیرا داده شده مدت ادای آن سال (۱۹۱۱) است  
 محل ادای این قرضه گرك ژاپون مقرر شده این قرضه  
 را ژاپون بمود صد پنج لصف از انگلیس و نصف  
 دیگر را از امریکا نموده است

( ۴ رمضان - ۱۳ نوامبر )

§ چهار فروند کفتی زره پوش و پنج کفتی گزیه  
 و هفت کفتی تقاتل روس وارد (داکار) گردیدند

### اخبارات مشرقه

دو نفر از انگلیسان بدون محافظ در نواح بختیاری  
 در محل خوفناکی مشغول گردش و تفریح بودند چند نفر  
 دزدان ( لر ) آن نواح بر آنان حمله کرده اسبابشان که  
 خیلی مختصر بوده برده یکی از آنان را نیز مجروح  
 نموده اند - پشت قصور بر آنان وارد است و که  
 در مقام خوف ناک از روی ضرور بدون محافظ رفته  
 اند - و حال آنکه واقف بودند که خیلی خوف  
 ناک و دزدگانه میباشد - خوب است دولت علیه قدغن  
 فرماید که رعایای خارجه در مقامات خوفناک دزدگانه نروند  
 تا اسباب سر درد دولت شود ورنه خود زنده دارند

مستوفیشر که یکی از ملازمین امیر افغانستان بود  
 در راه کابل متصل ( دهک ) جسد او را یافته اند -  
 معلوم نیست خود بقتل خویش مبادت نموده و یا  
 دیگری او را بقتل رسانیده است مستوفی از امیر  
 رخصت گرفته که سه ماهه با اروپا رفته باز مبادت نماید  
 امیر برای پذیرائی اعضای کیسیون که بکابل میروند  
 خیلی تدارک و انتظام نموده همراهمان این کیسیون  
 نسبت بکمیسونیکه بریاست (مستوفیروند) بکابل رفته  
 پیش و فوجی مخصوص از سرحد افغانستان برای  
 حفاظت آنان مقرر شده میباشد خلی نیز امیر همین  
 نموده است

§ امیرالبحر در خارج یتر-برگ تشریف برده اند  
 § دولت علیه عثمانیه بدولت انگلیس از حکومت  
 هند شکایت فرموده که بموجب معاهده ( عثمانی و  
 انگلیس ) حکومت هند را حق آن نیست که در (کویت)  
 وکیل سیاسی از جانب خود مقرر دارد و ازین رو  
 فوراً با دولت هند وکیل سیاسی که در کویت مقرر  
 داشته طلب نماید - وزیر خارجه انگلستان لارد لندون  
 وعده نموده است که تدارکات کافیه را بعمل خواهد آورد  
 § دولت عثمانی چهار فوج از اردوی شام بجانب ( نجد )  
 روانه نموده که برخلاف ابوسعید ابوشیدرا تأیید نمایند  
 § خبر ( روز ) از مکن تلگرافاً خبر میدهد که  
 توپخانه دو اردو اندک اندک آغاز بشلیک نهاده شلیک  
 مینماید اردو سخت بود قشون روس تمام روز از مینه  
 شلیک میکردند شب نیز بهمان قسم شلیک می شد  
 ولی هیچ گونه فائده بر آن مقرب نشد

در (روستک) که دولت روس برای گرفتن قشون  
 ردیف از اهالی اقدام میورزید مردم بهیجان آمده  
 از تاریخ ۲۵ الی ۲۸ دکان و بازارها بسته شهر از  
 امنیت خالی مردم همه متوحش بودند يك فوج قشون  
 که برای نگاهداری امنیت فرستاده بسیاریشان مقتول  
 و بجا نماند نیز مجروح شد

§ امیرالبحر دسته جهازات (ولادوبوستک) اسکرید  
 لوف وارد (مکن) و با سپهسالار کل جبرل کرویاتکن  
 ملاقی شده مشوره نموده اند

( ۳ رمضان - ۱۴ نوامبر )

§ روزنامه (طمس) پاریس مینویسد که سفیر ژاپون  
 با (میو دلکاسی) وزیر خارجه فرانس دیروز ملاقی  
 شده درباره قاتون بیطرفی جنگ گفتگو نموده است  
 روزنامه طمس را عقیده این است که در چند شرط از  
 شروط بیطرفی با فرانسه موافقت ندارد و امید است که رفع  
 این اختلاف نیز بزودی بشود - دولت فرانسه تاکنون  
 از دوستی روس منحرف نشده و بتوانین بیطرفی  
 نیز بای هند بوده است - در این باب ژاپون نیز مقرر  
 مکاتبات دوستانه اش با فرانسه جاری است و که چرا  
 در مستعمرات فرانس بدسته جهازات بالتیک ذغال و  
 خوراک و تأییدات دیگر دلدور خیلانوه بلان-مستله را، ژاپون

صفحة اول

روزنامه (۱۳۲۲) شماره ۱۰۰۰

قیمت اشتراك (سالانه — شش ماهه) هند — و برمه

هر کس در هر جا بلا استعفاء اونه اخبار (مقدم گرفت) روزنامه مقدس

مدير كل كتاب اشريت تبره (مدير كل كتاب اشريت تبره) كليه امور اداره با

۱۲) رويه — ۷ رويه (۱۲) رويه — ۷ رويه ايران — افغانستان (۴۰) قران — ۱۵ قران عثمانی — و مصر (۵ مجیدی — ۳ مجیدی) اروپا — و چین (۳۰ فرانك — ۱۷ فرانك) روس — و تركستان (۱۰ منات — ۶ منات)

# روزنامه

سنه ۱۳۱۱

مدیر كل مؤيد الاسلام است (منتظم اداره) آقا محمدجواد شیرازی است (مردوشنه طبع) و سه شنبه توزیع میشود (بتاریخ دوشنبه) ۱۲ و رمضان ۱۳۲۲ هجری (مصادف با) (۲۱ نومبر ۱۹۰۴ میلادی) (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی نسایم نماید) (۱۰ منات — ۶ منات)

در این خبریه از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و مدافع دوائی و فوائد مافی بحث میشود مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

را که سفیر روس (مستروزیویک) رئیس جمهوری دولت آازوی داده دلمی صاحبخواهان اسان دوست را طلبیدن انداخته معلوم می شود که هنوز باید نفوس کثیره انبای بشر در راه حرص سلاطین خود قرانی شوند و حیوان و خواسته در طریق مروری و برتری موهوم دول خویش فدا گردد - این تلکراف خاتمه جنگ را باین زودیسائی باید بلکه میرساند که جنگ تا ساطای دراز ساری و جاری خواهد بود یکی از سیاسیون را عقیده این است تا وقتیکه دولت روس از فتح و نصرت جبهات بالتیک که بجانب شرق رهسپار اند امید و مأیوس نگردد و واپریان (ندر آرتر) و (مکدن) را متصرف نشوند تن صلح در نخواهد داد - و بزرگترین امید فتح و فیزی روس بدست جبهات بالتیک است حای شبه نیست که جبهات بالتیک اسباب نجات و فلاح بندر آرتر و محسورین آن نتواند شد - یعنی واپریان قبل از ورود جبهات مذکوره کار بندد (آرتر) را بکمره خواهد آورد - درین صورت جبهات حضور بندر آرتر بدین

### فهرست مندوجات

- سیاسی • ترجمه از روزنامه طمس لندن
- بوقار دارد ناز • تلکرافات • ملاحظه حال شرق و غرب • مکتوب دزفول • روس و انگلیس
- دموت نامه • جبلالین • جغرافیای ایران • داستان روسیا • تکلفن - شکر نعمت عین کفر است • اصلاحات جدید • قابل توجه رؤسای روحانی و حسانی
- مکتوب اسفهان • بقیة تلکرافات

### سیاسی

سحق و صلابت و استقلال و استقامت روس در معاملات جنگی تحفیه سیاسیون را در نتیجه مناقشات اقصای شرق منززل ساخته - با این همه شخصتهای ین و خسارات مالی و جان که (فوق تصور بود) رویدادیده هنوز هم بر استقلال و تفرق زده رضا نمیشوند که اقدامات سیاسی لفظ طرفه آنها باشد - جری

دست مدد و کمک نتواند رسانید و مرکز بحری روس بندر ولادیوستک خواهد بود و گمان می‌رود تنها دولت روس با این جهازات بتواند در اقصای شرق قوهی حاصل نماید و با قوای بحری ژاپون برابری و همسر نماید مگر اینکه دولت آلمان یا فرانس روس را بقوای بحری تأیید نماید در آن صورت میدان جنگ رنگ دیگر خواهد گرفت آنچه به تصدیق رسیده غالب جهازات بالتیک ناقص و قابل جنگ نیست و روی هم رفته دولت روس با این جهازات نمیتواند در اقصای شرق قوای بحری خود را بیزان اول جنگ آورد.

بالجمله فعلاً جمیع سیاسيون چشم دوخته منتظر ورود جهازات بالتیک در اقصای شرق واقعات آنان در آن میدان هولناک میباشند و همه از نتیجه جنگ و طاقت آن لب فرو بسته اند میگویند دولت روس را از عدم رضایت بصالح دو مقصود است.

اول آنکه تا جایی ممکن است جنگ را عمومی نموده شاید در آن میان گوی مرادی بتواند رבוד - چنانچه اخبارات روسی بالطن و بعضی از جرائد اروپا در پرده ملل و دول مغرب زمین را متنبه می‌سازند حکه حرکات ژاپون آشکارا فریاد میزند که خربیان را با سلطنت شرق چه کار و عااً شرقیان را بانحاد و ترقی و تمدن صلا میدهد و چشم های خفته مشرقیان و قلوب غفات گرفته آنان را باز و هوشیار می‌سازد اگر کار بدین منوال رود دول مغرب یکی بعد دیگری باید چشم از مستعمرات شرقی خود پوشیده رحت ازین مملکت وسیع زرخیز بر بندند - هرگاه ژاپون تا آخر میدان شاهد فتح را در آغوش داشته باشد از روزی که جنگ خانقاه پذیرد خربیان چه در تجارت و چه در مملکت باید از مملکت وسیع چین دست بشویند خساره این جنگ باوربایان مالا از روس کمتر نیست علی الرؤس دول مغرب را بانحاد خواهد که اگر در جنگ بروس همراه می نمایند متحد شده چین را از میدان ترقی باز دارند و نگذارند در اثر ژاپون حرکت نماید چه اگر چین در میدان ترقی به پله ژاپون رسد پس از قلیل زمان بر جمیع آسیا اثرات خود را بنحسبده هم و از خواب غفلت بیدار می‌نماید و کلمه اتحاد در مغرب زمین بالا میگیرد و شرقیان بخود سازی خواهند

برواخت و چون از قوایس خویش آرایش نمودند چنانچه ما قصد آنان کردیم آنها نیز اراده ما خواهند کرد ما بقوت علم بر آنها تاخیم آنان به عقبه عدو بر ما خواهند تاخت - و چه - و چه

دوم آنکه دولت روس ملاحظه مینماید که اگر با این وضع موجوده و فتوحات ین ژاپون صلح کند اعظم خسارتها را برده و آخرین نتیجه جنگ که گذشتن از منفور ریاست نیز اول شرط صلح خواهد بود درین صورت بامید يك فتح نمایان که اندک برده بروی استعداد و قوای او بگذرد متحمل این همه خساره میگردد - مسلم است اگر روس در يك میدان فتح نماید دو قبول صالح عذر نخواهد آورد

یکی از دانایان میگوید که تاکنون وزرای پترسبرگ امپراطور روس را از حقیقت جنگ و کیفیت قوای ژاپون بیخبر گذارده و هر يك از شکستهای خود را حل بیک نقصی کرده چنان و نموده اند که دولت ژاپون ابدأ استعداد مالی ندارد و قشون او نیز منحصر بر آن است که امروزه در میدان جنگ موجود میباشد پس اگر ما جدی جنگ را طول دهیم ژاپون یا مغلوب خواهد شد یا مجبور بصالح - و حال آنکه حقیقت امر غیر ازین است حکه بیان بنمایند این است که اعلیحضرت امپراطور روس از لفظ صلح بزار شده تفر میجویند

مناقشات امیرالبحر الکس اف و جنرل کروپاتکن طاقت منجر بدان شد که امیرالبحر الکس اف را به پترسبرگ طلب نماید اگر چه الکس اف انکار نکند با کروپاتکن را نموده ولی در بیان خود جمیع صورها را در پرده بر جنرل موصوف وارد آورده است - جنرل کروپاتکن جمیع تدابیر و ثابته اقتدار خود را صرف خواهد نمود که درین جنگ موجوده (مکدن) بر خصم غلبه جوید و هرگاه در این میدان نیز شکست یافت چنان شکستی خواهد بود که در هیچ جنگ نظیرش برای هیچ دولتی واقع نشده باشد - چه صورت سرما بدو چه کال است هرگاه لشکریان روس شکست یابند ابواب فرار برویشان بسته است یا باید بجنگ اند تا شکسته شوند یا تسلیم ورنه در فرار راه نجات بر ایشان نیست هرگاه (جنرل کروپاتکن) در این میدان شکست یابد ورنه برکت جنرل موصوفی طلب شده الکس اف باز خواهد

انگلیس مقتدر نیست در مقابله با روس در اقصای شرق و مسلح آماده نباید آلمان را درین مسئله ابداً تعلق نمیشد فراسه از دور تماشای بند دولت اتانونی خوااموشی اختیار کرده است. فرمانفرمایان و رجال دربار را که در این باره اختلاف آراء پیش آمده از معاملات و کار روائیهای سفارت دول ابد آگاهی ندارند از این رو از شما خواهش مینمایم که نگذارید آراء و خیالات این گروه رجال بسمع ابراطریس رسد من تا در زمان زنده نیستم ولی شما راست که در پیروی این حکومت ملی تقاعد نور زید و فیصله معاملات را بوجه احسن به نمانید. درین مسئله تحقیق لازم و تأیید کامل از (بان شکائی) میتوانید حاصل نمود

بوغاز دارد نلز

تنگرانی (روتز) که دولت روس بذریعه سفرای خود دول اروپا را مائل می نماید که عبور و مرور جہازات جنگی که بحسب معاهده از بوغاز دارد نلز ممنوع است علی عیال العموم مشروع - از د. پوشیده بیجان ضربی در سیاسون مغرب پیدا کرده متفق الکامه میگویند هرگاه دولت روس درین موضوع منقضی المرام گردید خلل عظیم در امنیت اروپا خواهد رسید

ظاهراً دولت روس چنین مینماید که غرض وی ازین تحریک استفاده از جہازات جنگی بحیره اسود است در جنگ اقصای شرق ولی طناً میخواند جہازات جنگی دریای سیاه را حکه تا امروز مقید است و همین مقید طاع پیشرفت بسیاری از خیالات او شده آزاد نماید

آنچه از قرائن مستفاد می شود دولت انگلیس که مؤسس این معاهده شناخته شده بدن سهولت تدابیر بخواه ساله خود را نخواهد گذاشت باطل شود

یکی از سیاسیون را عقیده این است که ضرر ابطال این معاهده برای دولت انگلیس از جمیع دول بش است هرگاه ضمانت عبور و مرور جہازات جنگی از (داردنلز) رفع شود اثرات میسومش از دریاچه های (طامور و اوازانی) گذشته بخلیج فارس و بحر هند سرایت خواهد کرد. در آن صورت دولت انگلیس مجبور است که از جزیره (قبرس) گرفته تا برسد به (مالتا) اسکندریه. عدن. خلیج فارس. بچی. - - -

گیتن وطن مغرب هم است که (الکس الف) معاودت باقصای شرق نماید

ترجمه از روزنامه طمس لندن

(در خیالات (لی هنگ جنگ) وزیر اعظم سابق چین) روزنامه طمس بذرایع موثقه خطی که (لی هنگ جنگ) بتاريخ ۳۰ منبر (۱۹۰۱) چند هفته قبل از رحلت خود یکی از مشیران مخصوص ابراطریس نگاشته بدست آورده اشاعه داده است عنوان خط مذکور تا درجه متعلق بواقعات امروزه است و در وقتی نوشته شده که دولت روس به بهانه بلوای (باکسر) در سال (۱۹۰۰) منچوریا را متصرف گردیده با دولت چین برای انتظام آبیة آن در مخبرات بود

(لی هنگ جنگ) می نویسد - غالب رجال و حکام ذی اقتدار چین را عقیده این است که بهترندیر باشد ما را لازم است دست اقتدار روس را از منچوریا کوتاه نمانیم. ولی به عقیده من این خیال ناشی از عدم اطلاع و بینائی بر امور آبی است - هرگاه ما در قبضه روس بر منچوریا ساحتت مایم از خطرات عظیم و مخاطرات بزرگ نجات نوانیم یافت. و مفاید سترک نوانیم حاصل نمود چه قبضه روسیاد در منچوریا مورت مناقشه روس و ژاپون در سرحد (کوریا) خواهد گردید و همین نصیحت مایه جنگ خونخواره عظیمی خواهد شد - دولت چین راست حکه در چنین موقع بی طرفی اختیار نموده هرگاه ژاپون شکست یبند مؤید روس شده ژاپونیان را بطور واقع سرکوبی نماید درین صورت روس کوریا را متصرف و بواسطه احساناتی که نسبت باو شده منچوریا را با باز خواهد داد و هرگاه روس تاب مقاومت ژاپون را نیاورد ما راست که با دولت ژاپون ساخته او را مدد نمانیم. درین صورت باز بدون هیچگونه خطری منچوریا بدولت چین باز داده خواهد شد. از واقعات موجوده ظاهر می شود که اگر ما فعلاً سکوت اختیار نمانیم بدون دفعه خاطر بامناف بسیار منچوریا با بازگشت خواهد نمود. امروزه در مسئله منچوریا توجه انگلیسان از سایر دول پیش است ولی توجه دولت مهابلیها بر اساسی است که آن عظیم آن بویوب نتواند در جرا که بویوب

نموده که مصالحه با روس کرده و در پی آن روس و عثمانی هر دو مجاز شوند که قنوق بصری و جہازات جنگی خود را در دریای اسود بگذارند. پس در وقت روس و عثمانی را در بحیره اسود اختیارات مساوی داده شود چون در آن اوان اقتدار روس از هر جهت زیاد بر عثمانی بود اگر چنین اقتباسی حاصل میکرد در اندک زمان ریثه اقتدار عثمانی را از بحیره اسود میکند. چنانچه در جنگ اخیر دولت روس باندک یرش جہازات جنگی عثمانی را در بحیره مزبوره بر باد داد و قوای بصری دولت مشارالہا را نابود ساخت. با این همه در مجلس صلح بسی و کوشش دولت انگلیس جمیع اختیارات بوغاز (داردنلن) و نگرانی آن مجدد بدولت عثمانی برده آمد. و عبور و مرور جہازات جنگی دول نیز از بوغاز مزبور ممنوع گردید. دولت روس ہماره در این خط کار میکند کہ عبور و مرور جہازات جنگی دول در بحیره اسود ممنوع شود ولی بدون طاع و عایق هر وقت بخواهد جہازات جنگی خود را از دریای اسود بفرجا تواند برد. سالہات دولت روس سی میاید کہ عہدنامہ سنہ (۱۸۵۶) را باطل کند. چندی قبل کہ دو جہازات گزہ خود را از بوغاز (داردنلن) عبور داد و کشتہای تجارتی دول را تدارک و تلاش نمود زیادہ قصدش این بود کہ درین موقع سابر دول بر وی اعتراض کردہ مدعی شدہ شاید بدین بہانہ بتواند خالی در ارکان عہدنامہ مذکورہ اندازد انگلیسہا بدو از همین راہ پیش آمادہ ابراد کردند. ولی چون قصد رقیب را ملتفت شدہ از طریق دیگر بدفع آن غائلہ سی نمودند دولت انگلیس برای استحکام عہدنامہ سنہ (۱۸۵۶) سعی است دولتی را کہ بر آن عہدنامہ دستخط کردہ اند متفق نمودہ برخلاف عہدیکہ روس درگنراند دو جہاز گزہ نمودہ متفقاً ابراد نمایند و دولت عثمانی را در حفظ و نگرانی بوغاز بیش از پیش پارس نمایند. و درہ اقدامات روس امنیت اروپا را بہ مخاطره بخواند انداخت و دولت انگلیس را بیش از ہمہ دول خصمان خواہد رسانید قائمہ دولت انگلیس در آن است سطحہ اقتدار و اختیار دولت عثمانی را نیز برتلا (داردنلن) حفظ نماید و روسی را در موقع اجتماع و تراضی کند.

دکانگ ( قوای دفاعی خود را زیاد و مستحکم نموده ہماره مستعد دفاعہ خصم باشد در حقیقت آب دیگر بجوی و رنگ دیگر بروی کار می آید. در مسلک و روش امر زی جمیع دول انقلاب عظیم پیدا می نماید (داردنلن) از زمامہ دراز در قبضہ و اختیار دولت عثمانی است سابق بر این هیچیک از دول اروپا را اختیار آن نبود کہ جہازات تجارتی خود را ازین بوغاز عبور دهند. چرا کہ سواحل بحر اسود تمام در تصرف و قبضہ عثمانی بود. اول ترمزیکہ بارکان اقتدار عثمانی رسید عہدنامہ بود کہ بی از زود خورد زیاد در ویانہ شد. از روی آن عہدنامہ (سلطان سپان اول) تسلیم نمود کہ جہازات تجارتی دولتین فرانس و اطریس در بحیره (مارمورا) داخل و در شاخ طلا مال تجارت خود را بگذارند. در اواخر قرن شانزدم میلادی جہازات انگلیسی نیز مانند فرانس و اطریس این امتیاز را حاصل نمودند. دولت روس تا زمامہ دراز از منافع تجارتی این طریق محروم بود در قرن ہندم میلادی کہ متخرترین قرون تاریخی روس بشمار است دولت مشارالہا از دولت عثمانی اجازہ یافت کہ جہازات جنگی در بحیره اسود بگذارند و قطعات وسیعہ در ساحل دریای سیاه حاصل نمود در سال (۱۷۷۴) میلادی دولت روس آرادانہ اجازہ حاصل نمود کہ جہازات تجارتی خود را در (یوکنین) وارد نماید. از آن بعد دولت انگلیس و فرانس و ایتالی نیز همان امتیاز تجارتی کہ روس یافتہ بود از دولت عثمانی حاصل نمودند. ولی آن شرط برقرار بود کہ جہاز جنگی هیچ دولت مجاز نیست از راه (ہسپانت) در بحیره (مارمورا) داخل شود. در آغاز جنگ (کریما) عہدنامہ مرقع گردید (کہ در بحیره مارمورا سواہی دولت عثمانی احدی از دول را اختیار نیست جہازات جنگی بگذارند)

در سال (۱۸۵۶) میلادی از وی عہدنامہ پاریس جہازات تجارتی جمیع دول را اجازہ دادہ شد کہ از بوغاز (داردنلن) عبور نمایند و بہ بعضی از جہازات کوچک کرمہ نیز کہ برای تصیل وظائف و اتمال پلیسی باشند در صورتیکہ بوقت عیانہ باند نمایند اجازہ عبور دادند. بہر تقدیر جنگ آلمان و فرانس و دولت روس عہدنامہ پلیسی

### تکرافات

( ۴ رمضان - ۱۲ نومبر )

§ بموجب تلگرافیکه از (مکن) به (پاریس) رسیده  
لشکران را جنگ در این سورت سرما مبهوت ساخته  
در عالم خموشی عمو و مانند - چه درین موسم حل  
سیورسات و فورخانه و سائر لوازم جنگی و ما بختاج  
لشون دشوار است

§ مخبر (روتر) از پترزبرگ خبر میدهد که امپراطور  
روس نقشه که برای دو شاهه نمودن راه آهن دور  
دریاچه بیگال کشیده شده بود منظور فرموده

§ مخبر (روز) از توکیو خبر میدهد که وزیر مالیه  
لاپون اظهار داشته که دولت از شروط قرضه که تازه  
از خارجه گرفته تاواض است - حرکت دسته جهازات  
جنگی بالتیک و طول محاصره بندر آدر مورث پیش  
شدن این شروط شد - شروط این قرض نسبت بقرضه  
اولیه خیلی سخت است

§ روزنامه (ایکودی) می نویسد که دولت روس در  
استقراض بجماعه و سه میلیون لیرا از بنکهای آلمان  
و دنمارک مقضی المرام گردید چهل و پنجمیون بنگهای  
آلمان و هشت میلیون را بنگهای (استردم) که پایتخت  
دنمارک است خواهند پرداخت حصه زیاد ازین وجه  
استقراضی در آلمان بضانت جهازاتیکه روس حکم به  
تعمیر داده جمع خواهد ماند

( ۵ رمضان - ۱۴ نومبر )

§ جهازات جنگی زره پوش روس (نیدسواروف -  
الکندر - بورودینو - اوریل - اوسلیابیه و کشتی های  
گرمه امیرالبحر (ناکیموف - تیریدونسکی - اوروره -  
و جهاز (اوریل) که بیار خانه است و شش کشتی تقاله  
و گرمه در (آگار) وارد شدند

§ روزنامه طمس می نویسد که امیرالبحر نانی (پوهونت)  
در کیسیون نالی وکیل دولت انگلیس مترو گردید  
§ امیرالبحر (الکسیاف) فرما فرمای سوویجات مشرق  
روس در اتصای شرق با مخبر روتر ملایق شده اظهار  
داشت است که در تدارکات جنگی ژاپونیان قابل وسزا  
وار هم گونه تمجید و تعریف اند - عیبی که دو کار  
آنها می باشد این است که باندازه در امور جزئی بجهت

و نازک کاری در انتظامات می نمایند که بسا می شود  
مجبوراً فرصت را از دست میدهند و نقیضات جنگی  
را باندازه با هوشیاری مرتب میکنند و بقدری از روی  
با ظهری پیش می روند که بسا اوقات صید از جنگالشان  
فرار می نماید مثل اینکه (جنرل کروکی) را در (فینکونک  
فیل) موقع بسیار خوبی بدست بود و میتوانست (جنرل  
سالوایج) با جمیع قشون تحت امر او را تا بود و بر باد  
نماید و هرگاه بر جنرل موصوف دست یافته بود جمع  
شدن قشون روس در (لداژبانک) دشوار بود امیرالبحر  
موصوف اظهار داشته که بین او و جنرل (کرویاتکن)  
خلاف رأی هیچگونه نبوده و ابدا در نقیضات جنگی  
جنرل کرویاتکن تصرف نمیکرد بلکه قبل از اینکه  
نقیضات جنگی او اعلان شود از نظر او آن نقشه  
نمی گذشت و اگر هم رای او با جنرل کرویاتکن مخالف  
بود از طرف او ابراز و اظهاری نغده است

§ جهازگرمه روس (کویان) از آبهای (گریت بلت)  
حرکت نموده است

§ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که جهاز گرمه  
(گروموبوی) در (ولادوستک) بعد از مرحت برای  
امتحان حرکت کرده مصادم بکومی شده نقصان زیادی  
دیده در جنبه که نزدیک غرق بود بکنساره اسی  
بروند

§ امیرالبحر نانی (پوهونت) رسماً وکیل دولت انگلیس  
در کیسیون نالی مقرر شده است

### ملاحظه حال شرق و غرب

( از شماره ۶ )

دویمین داه شرق زمین ظلم و استبداد امراء بلاد  
و رؤسا - ممالک و عباد است - ظلم مرضی است جان  
گداز وسیله خانه برانداز - ابری است آتش بار و ناری  
است صاعقه آتار - بیداد برقی است جهنده که در هر  
سر زمین قد اثر عمران و آبادی را از صحنه هستی  
عمو و نابود سازد زهری است کشنده که ذره از آن  
اگر در بحر محیط قد ساکن آنرا دستخوش فنا و  
اعدام گرداند - استبداد بلائی است مهم که در هر مملکت  
قدم نهاد بر صغیر و کبیر رحم نیارد - وضع و شریف  
را باهال سازد - در خطی است طوفانوار که بر تلافی

چه سود که امرای مشرق ندانستند که بقیه هم آبادی را پایه بر عدل و اعتدال است - دست تمدنی از آستین ستم بدر آوردند و بهوای نفس دون بخت را واژگون کردند آتش بیداد افروختند و زیرستان و رطایب بشرایه آن سوختند - این همه معمورها را رکن عدالت متزلزل شده سقف ها سرنگون شدند دیو فساد قدم بیلاذ نهاد غول بیداد از هر طرف آشکار شد - زمام امور و عتاق جمهور بدست ستم کاران فساد بقیه ظلم برگرفتند و بر پای هموطنان خود زدند از هر گوشه نار غرود سر برکشید کلهها پژمرده و دلها انفرده و خاطرها مرده دیده روزگار اشک خونین بارید و چرخ با همه بیدادگری بر حال شرقیان زار زار گریست مسلک انصاف مسدود گشت و راه و رسم انصاف معمول شد این سحاب تاریک طایع خورشید جهان افروز گشت دیو لعین در ضهار و سراز امرای ورؤساء راه یافت و دمی از تلقین شرارت و ایذاء دم فرو بست - تا آنکه این عمل شوم را طاعت آقرم ظلم نمود سیره در مشرق بر آن جاری شد که امرای آفت جان فتراه شوند و رؤساء جانسوز ضعیف این مرص شوم چون باد سموم بر بوستان مشرق و زید و نهال امید را از بیخ و بن برید بوستان وادی غولان و گلستان منزل دوان گشت در جای بلبل بوم متمکن شد (حیف صد حیف که شد منزل امید خراب)

از طرف دیگر عدل چون از این وادی دور گشت از کاند ایام خسته و رنجور و دلشکسته و مهجور لحنی بر فلاکت و بدبختی خود گریست و بر دوری از منزل معهود و وطن مألوف متأسف سگشته با بدن مجروح و قلب مقروح تنگ انگان قدمی برمیداشت و بضجرت و حسرت روز سر میبرد چندی سرگردان و حیران بودی و فزون ظلم آفاق را سراسر احاطه نموده بود تا آنکه بتدریج بطرف دیار مقرب متوجه گشت لشکر بیداد را دور نمود بساط جلالت را در آنجا بگسود و اتباع و انصار خود را از هر سو دعوت کرد مغربیان چون از ورود آن مهان خبر شدند بمحضرتش شتافتند قدرش دانستند و مقدمش را مبارک شمردند دیری نگذشت که آنسر لامین رشک بقیه برین گشت از لحن ویران گلستان شد اشعار اختیار نمودند و همچون

ذکور و نساء و سفک و ماه سخت حریص است - و درنده است زشت دیدار و بدکردار که از خوردن خون آدمی و تمزیب اساس مردمی سیر نمود - همانا ظلم بنسب آتشی سوزان است که بر هر وادی روی نهد و در هر خانمان قد ز و خشک را در مدتی امدک توده خاکستر سازد - ای بسا بلاد که از شامت این عامل فساد صفت قاطعاً منصفاً یافت - شهرهای خرم که طغنه ذات الارم بود چون بیابان بایر و ویران شد - آبادیها خراب و دیاها سراب معموره ها مغموره گشته - و بسا نفوس بشری که از شرارت ظلم و بیداد دست از عالم حیات شستند و رخت بیدار عدم بر بستند -

ظلم است که حیات عیش و نوش و زندگانی فرخ و سرور را حیات شقاوت نموده - آدمی را برخالتیره نشانیده و عالم وسیع المضار را در نظرش تیره و تاریک ساخته خاک ادبار بر روزگار فرزند انسان ریخته و از همه لذات جهان محروم نموده بهر ملک رو نهاد خواب و خور از چشم اهالی دور و همگی را در بیداد حسرت و دلت مهجور ساخت روز روشن در انظار آمان چون شب دیجور نمود سعادت را بشقاوت بدل کرد و عزت را بدلت ثروت را بفلاکت حدیث را بکسالت شجاعت را بخوف و خشیت غیرت را بیطالت و شرف را بلا امت شهامت را بدانات علم را بجهالت ترقی را بتزلزل بسم را بجهیم ملاطفت را بقساوت تربیت را بوحشت ابرو امان را بقتله وطنیان - پس برافروخت آتشیهای نزاع وجدال و برافراشت بیدق فدا و اضمحلال عیش را برجهانیان منقص نمود و ریج و نامبر ر مند اول ساخت دارالسلام را بیت آلام کرد - این بابل و نبواست که چون بچشم یک نفر سیاح تصادف باید گمان کند از بدو عالم خراب بوده و هرگز اثر عمارت در وی پدید نکند و آدمی زاد در وی مسکن نموده با اینکه صدها بل هزار ها سال مقرر سلاطین با عز و تمکین و مرکز صاحبان تاج و تکیه بوده شهر بابل را چنان عظمت بود که تاکنون شهر های بزرگ عالم را چون لندن و پاریس بوی تشبیه کنند رشک باغ جهان و تماشگاه جهانیان بوده دخالتمش بر عدل و داد نباشد و بنیانش بر رنج و انصاف بود - از اکتاف عالم خلاصی در آننگان که نیت لایمان بوده بجمع بود و بجزوئی و با نیت روز همزده ندرت



دشمن دارند و بر جانش نفرین کنند مضموب الهی است و مرود دو جهانی و همواره در حش گویند  
(الا لعنة علی الظالمین)

بالمعکس ظلم و بیداد نتیجه استبداد و اصل هر فساد و مخرب صلاح و سداد و قاتل انسان و ماحی هر بنیان است - فریاد از ظلم و ستم که روزگار مارا سیاه نموده و عیش را بر همی تباہ نظام و قانون طبیعی حاکم است بر آنکه در تمام حیوانات حتی حشرات و هوام در صورت سیری و خصب نعمت بر هم جنسان حله نمایند و از خوردن گوشت نوع خود بکناره گیرند و بالطبیعه و بالقطره از این عمل منزجر و مرتد اند چنانکه سگ که در نزد ما پست ترین حیوانات است چون سیرشود متعرض کشتن و خوردن دیگر حیوانات خصوص جنس خود نشود ولی (قتل الانسان ما اکفره) این اشرف مخلوقات بر خوردن خون و گوشت ابناء نوع خود سخت حریص است اگرچه در کمال آسایش بوده انواع تنمات او را مهیا باشد - بویژه صنو شرقی که شرف و افتخار بزرگی خویشرا در ایذاءناس میدانند چه دواهی نفسانیه و شهوات دنیه آمارا بطرف استقلال کشد و از سوء خط و تیرگی بخت استقلال را در استبداد و استبداد را در ستم و بیداد گمان کنند پس ملت را عیب و اماء یفی غلام و گنیزخود تصور نمایند که بر دیناری قدرت تملک ندارد (عبدا مملوکا لا یقدر علی شیئی) را در حق هموم امت ندارند بلکه چون حیوان بارکشی نمره وجود آنها را راحت نفس خود دانند - در آن هنگام ملت را نه آسایش ماند و نه شرف نه علم و نه عزت و ثروت - در نزد اولیاء امور که وکلاء آنها هستند از سگ و گربه بجناب تر و بستند و چون بهائم تحمل بار گران را در راه آسایش آفتابان فرض شمارند - ولی صاحبان حیوان نظر بمنافع خود حفظ بهائم را واجب دانند در تیار و علوفه و عایق آنها سعی کنند بار گران بر پشت آنها نه نهند بر زخشان مرحم نهند - ولی این امت بچاره شرقی از آنها نیز کم مقدار تر و بی و قرت تر اند بضررب چوب رسوم گیرند و با تیغ تیز خون از حلقومشان بریزند بچارگان نه دست ستیز دارند و نه پای گریز (حق بی حکم تقوی و احکم الحاکمین) (باقی در بعد)

ابرار روح السابیت را لفاظی حاصل گفت منازل دزدان داوالامان دیر رهبان و قیس بران و پاریس شد اکنون خلق با دورین خرد بطرف آنان نظر دقت افکنید و بر ساحت زندگانی آنها ملاحظه همیگشاید نماید چرا بلادشان آباد رطایا خرم و دلشاد صنایع در ترقی علوم در اوج ارتقاء حکومت منظم امورملکی ولی مرتب ادارات بر بهترین نظام راهها ساخته منزلها پرداخته اسباب راحت از هر جهت فراهم کارخانها احداث دارالعلمها افتتاح انجمنها دائر اکادمیا قائم فتنه پای بست و دست شکسته ملت جان نثار دولت دولت سرپرست رعیت محکمه های عدالت برپا محررین آزاد مشغول تحریر مکاتب همومیه و مدارس ابتدائیه و عالییه در ازدیاد اهالی بیک اتفاق صوری و معنوی در ازدیاد آثار تمدن و ترقی جاهد و ساهی - این همه اثر قدوم میمون عدالت و حقانیت است و نتیجه اصاف و صروت جبذا از این عامل بزرگ که گوی هیکل ترقی و ارتقاء و مجسمه شرف و اعتلاء است مایه راحت فرزند انسان و آسایش طامه آدمیان اگر از قایل محترم و خانواده معظمش پرسند و اصل و نسبش را جویا گویند (من خود خیر محض و نیکی مطلقم - پدرم آزادی و حریت - مادرم عفت و رفت - برادرم صداقت و دیانت - خواهرم شرف و اصالت - همویم سود و منفعت - خالویم بزرگی و عزت - پسریم غنا و ثروت - دخترم تمدن و تربیت - نوه ام جلادت و رشادت - همه ام حیت و غیرت - خاله ام ترقی و تربیتات - عمران و آبادی وطن من - علم و معرفت دولت و رفیق شفیق - صنایع و بدایع خادم راحت و آسایش اقوام و عشیرام - فوز و نجاح ملک و مملکت - زمین ثروت و مکنات - آسایم شوکت و عظمت - جسمام حور جان و هیکلم ملک و غلمان - مرکز سعادت و سرچشمه شرافت - آباد کننده جهام و موجب راحت جهانیان - هر آنکه دست توسل بدامن زد و در جهان بگفته ام عمل نمود و رضای مرا طالب شد ابدالهم نام نیکس ورد زبانهاست و خود زنده دوسرا و مدوح دوست و دشمن و محبوب بیگانه و بیگانه و آنکه از من برید اگر همه تن جان بست و فرست جان بیگانه آفتاب در غلام یک و لفظی جهانیان

## مکتوب دزفول

## قابل توجه شاهزاده صدارت عظمی

مسئله اخذ مالیات دیوانی در دزفول در دو محل اسباب گرفتاری رعیت شده البته باید فکری درباره آنها بشود پیش از آنکه از دست بردند

یکی از آن دو محل مالیات دستگاه نیل ساریمت واقعاً حل این مسئله از جهت مسائل مشکله شده بواسطه آنکه در چندین سال پیش از این رسم چنین بود که هرکس دستگاه نیل سازی داشت و نیل بعمل می آورد مالیات خود را بدیوان می پرداخت ولی حالا نوع دیگر و اسباب رحمت شده است

مثلاً کسی یکجا دستگاه نیل سازی چند سال قبل داشت و زمانی برسبیل اتفاق نیل در این دستگاه ساخته فعلاً نازک این عمل و دستگاه نیز خراب و بجای او مسجدی بنا شده است که الحال مردم در او عبادت میکنند با این حال باز اول برج میزان که وقت حواله قسط مالیات است باید صاحب همین دستگاه هرگاه در قید حیات است والا ورثه او اگرچه سفیر و بریشان حال باشند مالیات او را با اضافه خدمتانه به مأمور بدهد و هرگاه فادو نباشد از توبیخی با آن فرع گذانی فرض کند و بدون حرف بدهد والا حکایت چوب و چاق است و نشستن در میان خانه او و گرفتن محارج از نهار و شام و قند و جانی و تریاک و چه وجه هرگاه در خانه صاحب دستگاه بقدر سه چهارم یوم به نشینند محارج آنها اضافه بر مالیات يك دستگاه میشود

مسئله دوم مالیات مراعی گوسفند است که این مسئله نیز از جهت معیبات لاجل شده. شرح آن بنوع اجمال این است که سابق رسم بود مأمور دیوان گوسفند را شماره نموده آنوقت از روی عدد سر شمار گرفته می شد. ولی وضع حالا سواى سابق شده مثلاً کسی در چند سال قبل صاحب چهار صد سر گوسفند بود و فعلاً اکثر آنها یا جمیع آنها تلف شده یا قدری از آنها باقی است وقت حواله مراعی باید این شخص از روی فهرست چند سال پیش که مالک چهار صد گوسفند بوده مالیات بدهد هرچه بچاره بریاد میکند که بشماره نماند هر نوع که گوسفند موجود در آنوم مالیات بیکبند

(آنچه البته بجای نرسد فریاد است) هیچ کس گوش نمیدهد و هرگاه خواست که تسامح و تکامل در ادای وجه کند صحبت چوب و چاق درکار است با محصل کفالت این است که اغلب مالکین دستگاه و صاحبان گوسفند در دزفول محتاج بلکه مستحق ذکوة شده اند

امیدواریم که بمصداق (رعیت چون رعیت دید ملک آباد میگردد) در این عصر فرخنده که طامه اهل ایران از اینگونه تعدیات آسوده هستند اظهار مرحمتی نیز در حق رعایای بیچاره دزفول به فرمائند تا آنکه ایشان نیز مثل باقی اهل ایران آسوده مشغول دعا گوئی شوند هرگاه حکمی از مصدر جلال صدارت عظمی بدین نحو صادر شود که هر دستگاه نیل سازی که فعلاً دائر است و کار میکند مالیات خود را بدهد و کذاک مراعی گوسفند را شماره بکنند - و از روی شماره بگیرند منتهای رعیت نوازی و حکمی عادلانه است و اسباب رفاه و آسودگی عامه - اصلاح این امر چنانچه استقامت شده امری دشوار نیست بلکه در سنوات سابقه نیز حال بدین منوال بود - این بدع را بعضی از حضرات مسترفیان خوش طاقبت دزفول گذاشته و بمکافات اعمال خود رسیده و خواهند رسید

بواسطه این دو مسئله عمل حکومت از بابت مالیات امساله قدری مشکل شده البته تاکنون بسمع اولیای دولت علیه رسیده است که بدین سبب مدتیست که از سال گذشته دیناری نحویل صندوق چنانکه مقرر است نشده حکومت و رعیت کلاً در کش و مکس این دو مسئله هستند و مردم پناه بحضرات عالی اعلام برده و فعلاً قسط مالیات زمین مانده و در مذاکره این دو مطلب اند

از حسن سلوک و رفتار جناب میوزا مسطق خان امیر پنجه مدیر گمرک و رئیس بستخانه مبارکه اهالی خوشنود چه از روزیکه این جوان تربیت شده وارد دزفول شده مثل برادر مهربان باهموم اهالی سلوک و رفتاری می نماید - اداره گمرک و پست در قایت ترقی و انتظام است چون ماه الاپنلای جمیع مردم میباشد ضمن سلوک این جوان غیرت مند تربیت شده اهالی را خوشنود و بطول طریق گریه و این معنی آرد

## روس و انگلیس

از ما نوشتن و از رجال با سیاست ایران

نتیجه حاصل کردن است

( شماره سوم )

در مسئله دوم تنها انگلیس مدعی است و مسلماً در سر هندوستان کسی با انگلیس همراهی و مساعدت نخواهد نمود - از اینرو توجه سیاستمداران این مسئله زیاده میباید - چنانکه نقشه ( کروپاتکن ) خبر میدهد که این حمله بزودی از قوه عمل خواهد آمد و بحقیقت این راهی که ( کروپاتکن ) انتخاب نموده از همه نزدیکتر و بهتر است اگر مای در جوار باشد - چه مخارجش کمتر و در خط مستقیم حرکت میشود و گرنه باید یا مملکت ایران را از شمال بجنوب طی کرده از بلوچستان وارد شود - یا از طرف چین و تبت و این هر دو کمال صعوبت و سختی و مشاق فوق العاده دارد - و تا درجه نقشه مزبوره صحیح است ولی این معنی سخت مرا متعجب دارد که از کجا جنرال موصوف حدس میزند که هندیان طالب روس و از انگلیس متفرند و بجز در افغانستان در هند بلوی و شورش بر ضد انگلیس خواهد شد ؟ جنرال کروپاتکن تنها این عقیده را ندارد هم امرای و وزراء روسیه در این اندیشه متفق اند - چنانکه مرحوم امیر عبدالرحمن خان در آخر کتاب سوانح خود این معنی را منعرض است و میگوید ( در تمام مدت توقفم در خاک روس عقیده آنها را جز این نیافتم که اگر روس بهند نزدیک شود اهالی خصم را بیرون کرده باستقبال خواهند شتافت ) ولی بهیچ عقلی درست نیاید و هیچ دلیلی دلالت نمیکند که هندیان بدین حرکت اقدام کنند وقوع شورش سابق را شخص عاقل هرگز نمیتواند برهان و دلیل قرار بدهد - تنها آنچه را میتوان دلیل قرار داد قلت معاشرت او فقدان مزاجت و کمی خلط و آمیزش اهالی انگلند و هند است - با اینکه این مسئله اهداً و بطی مدعی ندارد مسبب آن دو چیز است - یکی که سبب هندیان در آئین مذهبی که رغبت بمزاجت اجانب و معاشرت ارباب مذاهب دیگر میدهد - دیگر نظافت و نزاکت و لطیف طبی

انگلیسان که با وضع و تربیتی و کثافت کاری هندیان جمع نمیشود و طبعاً المس و الفت نمیگیرند - روسیان چون در آداب و وضع زندگانی نزدیک با اهالی آسیای وسطی و ترکستان اند لذا معاشرت و مواسبت تامه دارند - ولی هرگاه از آنها پرسند که بحکومت روس راضی هستید ؟ نماندیم در جواب لا میگویند یا بلا در دو ماه قبل یکی از جراند آمریک پواتیک و هند را موضوع بحث قرار داده می نویسد - در بادی امر شخص گمان میکند که سکان هند از حکومت انگلیس راضی نیستند زیرا که هر ملت مغلوب قلیا و باطل از ملت غالب ناراض و مکدر است و چنان بنظر میآید که هر وقت این دولت را گرفتاری از جهت پیش آید هندیان وقت را غنیمت شمرده بر ضد آن بلوی خواهند نمود

اما از طرف دیگر ملاحظه میشود که در این شبه جزیره وسیع سیصد میلیون نفوس ساکنند و دولت بریتانی بجهت منظم داشتن این عده زیاد شصت هزار قشون در هند متوقف نموده و مدعی است که این مقدار از لشکر و این عده قلیل تأمین همی و تنایم را در مقابل سیصد میلیون استقامت ندارند مگر آنکه ملت بنفسه هواخواه و طالب او باشند و سبب عمده آنست که انگلیس با آنها سلوک نمیکند نوع ملت غالب بر ملت مغلوب بلکه بنظر شفقت و محبت رفتار میکند چنانچه با سکان جرار بریتانی و اغلب تفاوت نمیکند در عدالت خانه هندی و اروپایی را مساوی می پذیرد اغلب خواستها و تمنیات آنها را برمی آورد و احترام میدارد معابد و مساجد و اماکن مقدسه شان را و سعی میکند در آنکه بر مذاهب و پیشوایان دینی و قواعد مذهبی ایشان توهینی وارد نیاید و منع نمیکند هیچ فرقه را از عمل سکون بشریت و آئین خود و آزاد نموده است آنست که را در بسیاری از آنچه آزادند اهالی اروپا و معاشرت میکند با راجگان بطور شایسته تا آخر کلمات آن . . . . .

از طرف دیگر چنان آنها را از هر جهت بخود محتاج کرده است که جز اطاعت و اقیانند ندارند من جمله در اسکناس و سندات دولتی که اگر انگلیسی

ز هند خارج شود احوالی دارای هیچ گونه ثروت  
موجوده و قدینه نیستند (باقی دارد)

### دعوت نامه

(قابل توجه عموم مسلمانان)

دعوت نامه ذیل را حضرت مشطاب شریعتمدار  
مقتدی الانام مرجع الحاس و العمام کشف الارامل  
والایتام مین الحلال والحرام سیدالمجاهدین حجة الاسلام  
آقای حاج میرزا سید محمد طباطبائی دامت برکاته  
اعلان میفرمایند

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على محمد وآله امناء الله والمنة  
على اعدائهم امراء الله

خیالات همسایگان دوست نما در حق ایران وطن  
هنوز ما و اقدامات بجدانه اهل تثابت درهدم اسلام  
دین مقدس ما در پرده حفا مستور بوده - جراید  
اسلامیه و کتب رؤسای روحان مسیحیین کشف این  
ستار نمرده افسوس بد بخنانه هنوز بر ما مجهول و از  
انظار ما مخفی است - زیرا آن جراید مقدمه و آن  
کتب منحوسه را از خواندن و مطالعه ما بهره نیست -  
غیبت و انحراف در هر قوم و ملت مایه ترقی و خوش  
بختی است باین دو صفت مسلمین در اندک زمان بای  
استعدادی بحملات خارق العاده دول مستعده را مقهور  
و مضمحل نموده نور اسلام بسرعت برق زوایای  
مظلمه بیده حیات اربعه زمین را روشن و ظلمت  
شرك و کفر را برطرف کرده شوکت و قوت اسلام  
روز بروز درازد یاد و مسیحیین را ارینکه بقوه اصلاحه  
بتوانند مقام وشوکت و قوت رفته خود را دارا بشوند  
مأیوس نمود - چون نیک تأمل کرده دیدند آنچه موجب  
خوشبختی مسلمین و بدبختی آنها شده غیبت و انحراف  
است که در مسلمین هست و در آنها نیست در مقام  
تحصیل و تکمیل این دو صفت مقدسه برآمده متدرجا  
این دو صفت در اینها کامل و از مسلمین بدرود کرد  
تشکیل مجالس ملیه و ارسال دعاه و نشر کتب و  
رسائل را بهتر و اقرب وسائل برای نیل مقصود دیده  
باعزم ثابت به این امور اقدام نمودند مسلم است این  
مقدماتی بی پوزن صورت نتواند گرفت و نتیجه بناست

نخواهد آمد اهل کنایس برای تحصیل توجه به بلاد  
و قراء مسیحیین منتشر و پس از رتاء بر اضمحلال  
مات تثابت اظهار داشتند که ماها برای خدمت ملت  
و اعاده مقام اقتدار وشوکت آن از جان گذشته و تحمل  
مشاق را بر خود هموار نموده ایم - ولی بی پول معلوم  
است اقدام بکاری نتوان کرد - شهاها برای انجام این  
مقصود چه قدمی می توانید وجه اعانت بدهید همه باندازه  
که ممکن بود وجهی قبول کرده که همه ساله بدهند حق  
در سالی يك قران که در دفتر ثبت مسکونند همه ساله  
دادند - این وجه میگویند به سالی يك صد و هشتاد  
گروور توان رسیده است پس از تهیه وجه شروع به  
کار کرده در نقاط لازمه مجالس ملیه تأسیس کردند  
تکالیف این مجالس یکی فرستادن دعاه باطراف عالم حق  
اماکن وحشهای آدم خوار افریقا و امریکا شد - با  
عزمی ثابت و تحمل مشاق فوق الطاقه شروع کردند  
اگر جوی را کشتند جوی دیگر بجای آنها رقتند - در  
قراء و بلاد بناوین مختلفه برای سید نفوس دام گسترده  
جناحه می بینیم مرصحاء ساختند و مانند پدر و مادر  
مهربان از مرضی پرستاری کردند - معلم خانه تأسیس نمودند  
با کمال جهد به تعالیم اطفال پرداختند - مجالس وعظ ترتیب  
داده مردم را باخلاق حسنه ترغیب نمودند از اعمالیکه  
محل رغبت عامه است بعنوان خیرات مضایقه نکردند  
اموات را تجهیز کردند بقراء رعایت نمودند دیگران را  
که مورد اینگونه رعایتها نبوده و نیستند بطور های  
دیگر حق جلوه دادن ساء و بذات حسنات الوجوه  
جذب نمودند - از تمام اینها غرض سید نفوس ودعوت  
مردم بدین تثابت بوده و هست - محبت واقعی با کسی  
نداشته و ندارند خلق ساده لوح گمان میکنند اینها را  
دوستی واقعی با مردم است و این سلوک و رفتار از  
راه محبت است اینها يك ثمره مجالس ملیه آنهاست  
دیگر از ثمرات آن مجالس طبع کتب مقدسه باعتقاد  
شان است - مانند توریة و انجیل و زبور و نحوها آن  
کتب محرفه را بالسنه مختلفه ترجمه و کرورها به طبع  
رسانده به تمام بلاد فرستاده وجهی هم ضمیمه آن نموده  
باصرار مردم دادند - و نیز از ثمرات آن مجالس تألیف  
کتب و رسائل است در آیات مذهب تثابت و غنسات  
آن و ابطال اسلام و مقدمات آن به اعتقاد فاسد خود

فلا قریب صد جلد از این کتب موجود است - پیشتر اگر ردی بر اسلام می‌نوشتند از پیغمبر و ائمه و قرآن و علماء با احترام اسم می‌بردند و با ادب چیز می‌نوشتند اکنون جندی است و حیثیانه با کمال بی‌احترامی از پیغمبر و ائمه و قرآن اسم می‌برند - و آنچه لایق و سزاوار خود شان است در حق پیغمبر و ائمه و قرآن نوشته باطراف عالم منتشر می‌کنند از آنجمله کتاب الهدایه است - شامل برشش مجلد و در (حوزه اسلامی) مطرح این کتاب است در این کتاب بت پرستی بی‌رحمی جنون بی‌علی زنا شرب خمر خیانت و امثال اینها را نسبت به پیغمبر داده قرآن را مایه تقییط و تکذیب نموده و برای جمعی خوانده شد - دیگران هر کس بخواند مطلع شود حاضر شود مطالب کتاب بمناضحتک بها التکللی است و برادری ذی‌شموری بطلان آنها معنی نمی‌باشد - تمام دروغ است و جعل و بدعی البدلان - ولی چون مطمئن بودند که از مسلمین کسی در این مقام نیست و رجوع به آن مهملات و رد نمودن آن نخواهد کرد با کمال بی‌شرمی هر چه خواسته نوشته‌اند - مطالب بدیهه باطلان و الکنب را تا این اطمینان نباشد البته کسی نخواهد نوشت و نشر داد - مقابل اقدامات فوق‌العاده اینها در احد وجوه و تأسیس مجالس و فرستادن دعاة و تخریب توحید و انساد عقاید و توسیع دائرة نصرانیت و تسبیق عالم اسلامیت در تمام بلاد اسلام - آیا کسی اقدامی ولو بمرکت مذبح کرده ؟ کلا و حاشا

و جبارتها و تاکنون آنچه در این مجالس گفتگو شده از جواب و رد و کشف اکاذیب و تدلیسات آنها نوشته شده و حاضر است - افزودن با تاکیدات ما در دعوت مسلمانین باین حوزه تاکنون جز محدودی قلیل از طلاب کسی چه از علماء و رؤساء مات و چه از رجال دولت و چه از سایر طبقات حاضر نشده و همراهی نصر کرده‌اند این مقدار از اجتماع کافی بمقصود نیست صرف رد مزخرفات مسیحیین و ابطال کتب مهمه آنها ما را بجزآن نخواهد رساند - این مجالس اعضای زیاد لازم دارد اعضاء این مجالس باید مسلمین با غیرت و دانش باشند از ادیان و مذاهب خاصه مذهب یهود و نصاری خوب مطلع و بر تدلیسات آنها خوب عارف باشند لسان کلدانی و سریانی و عبرانی و عربی را بدانند پس جمعی از فضلا را باید به تعام این لسانها و داشتن و تکفل مخارج آنها شد از این مجالس باید دعاة باطراف خاصه خارجه فرستاده شود - در این مجالس باید کتب مفیده و جراید با تمر تألیف و طبع و نشر نمود - بالجمله باید این مجالس مانند مجالس ائمه نصاری مرتب و منظم و دارای نوایدی باشد که مجالس آنها دارا هستند - مجالس اسلامیة در تمام بلاد اسلام متعدد باید تأسیس شود - پس از مجلس حوزه اسلامیة مجالس صفاخانه در جلفای اصفهان بهمت جناب رکن‌الملک وزیر اصفهان دام اقباله دایر شد - رئیس آن مجلس جناب آقا سید محمد علی داهی الاسلام است و ماهی یک جلد مشتمل بر گفتگوی با دعاة مسیحیه و مطالب مفیده دیگر طبع و نشر میشود ولی ظننه که مقصود از این مجالس است بواسطه بی‌همتی مسلمانین بر آن مجالس نیز مرتب نیست - بر ما لازم بود آنچه لازم است نوشته و نشر بایم باقی بته بهمت و غیرت مسلمانین است اگر چه

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من

آنچه البته بجزآن نرسد فریاد است

محمد ابن صادق الحسینی الطباطبائی

فی ۱۸ شهر ۱۳۲۲

﴿ جبل‌التین ﴾

( هر آنچه بود مرا آرزو بدید آمد )

حضرت حجت‌الاسلام آقا سید محمد طباطبائی

اهم ترین نکات ترقیات مذعیه که مسلمانان عالم و اشد ضرورت است درک و در تکمیل آن سی و اقدام فرموده اند - ولی چنانچه ذکر فرموده اند ( در ره متصود اول منزل است ) چون این اقدامات مقدسه راجع بملت و مذهب میباشد جمیع افراد ملت و دانایان اسلامیه را حق آن است که در این ماده بحث کرده راه مرغوب و طریق وصول به مطلوب را نمایند و چون مؤسس این اساس مقدس حضرت حجة الاسلامند باین است استبداد و خوردیش را در او راهی نیست و آنچه درین موضوع نگاشته آید بدون ملاحظه شؤونات شخص گوینده در او تکریمه هرگاه قابل پیروی یا بند عمل نمایند امید است دانشمندان اسلام در این مقصود مقدس طریق وصول بمطلوب آنچه دانند بذریعه نامه مقدسه اشاعت دهند

### جغرافیای ایران

مشمول بر اوضاع طبیعی و سیاسی

و احوال زراعت ایران

( اثر خاندان جوهر معرفت و دانش حاجی )

( رضاقلی آقا تاجر خراسانی مقیم اسلامبول (۱۳۲۷) )

بنام یزدان باک و بدید آورنده آب و خاک

بر واقفان فن پوشیده و پنهان نیست تا امروز

در ایران هیچیک از برادران وطن بدان خیال نیفتاده

اند که از روی بصیرت و تحقیق جغرافیای وطن عزیز

خودرا بشکارند - و تا حال آنچه نگاشته شده ترجمه سخنان

خام و افکار ناتمام اروپائیانست که با عدم وقوف

از روی سیاحت نامه بعضی سیاحین که بجز جاده را که

تعیین نموده از هیچ جای مملکت بطور حقیقت

خبری نداشته میبایستند - و چون جمیع هموطنان را

آگاهی از مرز و بوم فرض و لازم است و حجه کسب

عمومیت اینک که در سایه هما و یاه اعلیحضرت اقدس

شهربار دل آگاه السلطان ابن السلطان و الحاقان ابن الحاقان

حامی الملت والدين السلطان مظفرالدين شاه قاجار خلد الله

مکه و سلطانه اصول تعلیم و تعلم بطرز جدید ترویج

و دبستانهای گوناگون در پای تخت و سایر شهرها

بقانون تازه افتتاح شده و میشود همان طور که در

تأسیس دبستان بلخ جدید بخدمت جسته و دبستان

ایرانیان را در اسلامبول جهة تحصیل نوابگان ایرانی از بمن همت و همراهی هیئت ملیه در چهاردهم شهر صفر هزار و سیصد و یک هجری تأسیس نمود محض تزیین غیرت جهة ارباب علم و فن با عدم بضاعت علم و آگاهی بر آن سر شدم که از برای دبستانیان دور و مهجور از وطن عزیز بقدر امکان جغرافیائیکه نزدیک بحقیقت باشد آماده و در رفع شبهه ابناى وطن ناچیز خدمتی کرده باشم لذا از ناظر درس و معلم جغرافی دبستان طالبجه

سید محیی الدین الحسینی ( قول آغاسی ) باور نویسنده هاینکه در فن جغرافی دارای معلومات کافی است جهة تألیف باک تصنیف چنین کتابی دعوت و در همراهی قد مردانگی علم و جناب اشرف پرنس ارض الدوله امیر نویان و سفیر کبیر دولت علییه ایران هم فرمودند که سیاحت نامه - فر استرآباد و حدود خراسان را که مفصل بقلم آورده مرحت فرمایند - لذا بتدارک لوازم کار آغاز و هرگونه کتاب که بکار بود از فرنگستان آورده و شروع بشکارش شد و آنچه به تری پرداخته میشود ترجمه بفارسی نموده به اداره مقدسه ملیه ارسال میدارم که بطور تجزیه درج نمایند و توفیق انجامش را از درگاه توانای بی چون درخواست میدیام ( این کتاب در اداره جلی المنین جداگانه باقیه کامل طبع میشود بدون اجازه مؤلف دیگری حق طبع آن را ندارد )

### بهره علم جغرافیا

در پیشگاه اهل ذوق پوشیده نیست در فتنون شیرین تر و با ذوقتر از آگاهی بر احوال و طبایع منقلبه و مختلفه عالم و بهره مندی از گذارش و کیفیات نوع بشر بتصور نمی آید

آیا از برای احدی با عدم وقوف از علم جغرافی احاطه و اطلاع بر وقایع ماضی و روزگار بدویت و عوالم مدنیت ممکن تواند شد ؟

پس باید دانست جغرافیای فی است هر آنکو در او توغل و ورود با آن فن شریف میتواند آگاه گردد و وقوف حاصل نماید بر احوال معلوقه که از بدو خلقت در کرة ارض سکونت داشته اند و اسان را سپر و پناها میدهد بدون زحمت بمنوردی همه خشکی جا و دریاهای اگر ادب جغرافیا علم بود که در هر وقت که در

جغرافی لازم است؟ هرآنکو در تحت نام انسان زندگانی مینماید خواه مرد و خواه زن بلا تفریق و استثناء - زیرا اگر عسکر است از نقطه نظر حراست و حمایت ملك و ملت باید مطلع باشد تا بر احوال حكومتیك هم حدود قلمرو متبوع مفهم اوست آگاه و از طرق و معابر و حدود واقف و هنگام لزوم حرکات حربیه و - مت و امتداد دارالحرب و دارالحركات را دانسته و از طبیعت اقلیم و اراضیك تعاقب خواهد نمود . مطلع و همچنین از اخلاق و طادات اهالیك در آنجاها مسکونند با خبر و پیوسته در انتخاب مواقع عسکریه و ترتیب نقشه حرب و تعیین حدود با دول هم جوار و سوقیات و تقایمات دری و بحری و انشاء طرق و معابر عسکریه و حکشف لوازم با خبر باشد لذا ناچار از مراجعه بعلم جغرافی خواهد بود - پس آنچه راجع به احوالات مذکوره است از سوق الحیش و غیره او را (جغرافیای عسکریه) و یا (جغرافیای - سوق الحیش) نامند و از برای رجال دولت بیش از همه کس لازم و واجب است که وقوف تام از فن جغرافی داشته باشند تا توانند از مسلك خود حكه پوانتك میباشد هنگام تأسیس و یا قطع آهنگ اعتدال مناسبات دولیه به اقتضای نمرات لازم دست رس کردند

از برای تجار و ارباب فن و صنایع نیز مبنی بر مسلکی که دارند دانستن فن جغرافی لازم بلکه الزم است زیرا يك مهندس معدن شناس در سابه علم جغرافیای طبقات الارض میتواند تخری نموده و موقع ثروت مدخر تحت الارض را پیدا و سطح زمین اخراج و به ایادی و استفاده عموم وضع نماید و وسيله تزید سلمان ملك و ملت را فراهم آورد - و همچنین صنعت کاران جبهه تدارك لوازم انشایی معمولات و مصنوعات را بهای ارزان تا بتوانند دستکارهای خود را بقیمت اهون از کار بیرون آورده و بطور مطلوب دست رس بروج مصنوعات خویش شوند از دانستن مدین علم ناچارند تاجر باید از فن جغرافی آگاه باشد زیرا اگر از این فن شرف بی بهره است هر قدر ثروت داشته باشد و در فن تجارت ماهر و زیرك باشد باز كجا هو حقه از تجارت خود مستفید نتواند شد

لاصفاق بی بیان بحر منجمد موجودست مانند آنكه گویا هر يك از آن جاها وطن و مسقط الراس او بوده پس بنابر مثل مشهور كه میگویند ( آیا كسی كه هر زیاد نموده بیشتر آگاهی حاصل نموده و یا آنكه بسیار گردش کرده) در پاسخ گفته شده هرآنكو بسیار گفته است - مدعا در تعریف فن جغرافی ثابت میگردد زیرا هر كس فن جغرافی را كمالیقت تحصیل و تدقیق نمود از هر دو بیشتر میداند بعلت آنكه اگر كسی بمر طیبی كه صدو بیست سال است نائل شود و نود سال او را بسیاحت صرف نماید باز ممكنش نمی شود جمع ربع مسكون را گردش و بطور لایق و تتبعات مفید و كافی از حال اینقدر جاهای مختلف دست رس شود و حال آنكه برخود هموار نمودن مصارف یشار و معاق تحمل سفر و گشت و گذار در طرق و معابر اقلیم متبدله متحوله در مواسم مختلفه دشوار و خارج از دایره تحمل است

و معلوم است انسان همینكه از اقلیمیك مسقط الرأس او میباشد خارج شد نخست مروض میشود تحولات و تبدلات هوائی كه وجودش را بدانها خو نبوده

و در نانی تصادف میباشد به برخی اقوام و حشی كه ابدآ بزبان آنان آشنا نیست تا عادت هوای آن اقلیم نموده و بر لسان اهالی كسب وقوف نماید معلوم است كه باید چه قدر از قدینه عمر گرانهارا هدر نماید پس بدین وتیره كسب معلومات نمودن در نخستین درجه صعب و دشوار بلكه عظیم الامكانست و جبهه آگاهی و تهذیب اخلاق و صفات انسانیت تحصیل علم جغرافیسا در همه حال واجب و از برای صاحب هر مسلك لازم و در كارست

علم جغرافیسا این همه اشكالات را سهل و آسان نموده زیرا ممكن است همی در وطن و مسكن و مأوای خود یا درسخانه از معلم این فن شریف را تحصیل و بعد به تبعات همیشه برداخته و به این آسانی یا مختصر تحصیل بر احوال جهان و جهانیان آگاه و در خیال خانه خاطر وضعیت و كیفیت هر جا را رسم نماید

آیا از برای چه - سنتن الاصلانی تحصیل علم

ممکن است تصور آنکه بتوسیرگ پای تخت دولت روس و شهر بزرگ معمور است ماکینه بیخ ساری به برد و به حبستان پوستین و بخاری جینی ارسال دارد و خود را دچار ضرر و خساره نماید زیرا در ممالک بارده کسی را بیخ و در ممالک حاره به بخاری و پوستین احتیاج نیست

حق اواسط الناس هم تا بکدرجه محتاج بدانستن فن جغرافی میباشد زیرا در جراید تصادف میباشد بنام يك شهر و دیار و حکومتی پس از آنکه نداند در کجا واقع و از قرب و بعد او بیخبر باشد هیچ بهره نمیتواند برد

و خوردن تاریخ بدون اطلاع و آگاهی از فن جغرافی بی حاصل است زیرا محل جریان وقایع در پرتو دانستن جغرافیا میسرست و کسی که از فن شریف جغرافیا با بهره و اطلاع است هنگام خواندن تاریخ مانند کسی است که گویا در آوقه حاضر و ناظر بوده و بر جریان واقعه کایلیق مطلع میگردد و اگر از فن جغرافی بی خبر باشد مانند افسانه ایست که ما جبهه به خواب نمودن طفلان میخوایم در ذکر فوائد عمومی علم جغرافی پیش از این بسط مقال توضیح واضحات است (باقی دارد)

### داستان روسیا

(از شماره ۱۱)

(دوم) انجمن (ویژه - خاصه) انجمنی است صکه هم روزه در سرای امپراتوری و در پیشگاه امپراتور فراهم می آیند که کسان این انجمن از دستوران کشوری و لشکری مانند سپهسالار و سردار که فلذ مارشل آتشف جزالی می نامند و سناتورینان (راز داران - مستشاران) دربار بوده و اینان پانزده کس میباشد که دستور دستوران هم در میان آنانست و پیوسته بکارهای بزرگ روزانه چه کشوری و چه گفتگوی بیگانگان و کارهای بیرون رسیدگی و کنکاش میباشد

(سوم) انجمن پنهانی (کابینه تو) صکه ویژه کارهای امپراتور و (خلوت خانه خاص) نامیده شده آنها در سرای امپراتوری فراهم است و شلوغی در آن میباشد که یکی از آنان سرکار دارسرای و دیگری از

کنکاشیان ویژه امپراتوری و برخی سردار و سرگردان روس برگزیده میشوند که بکارهای خود امپراتور مانند در آمد و رفت میپردازند و از آن گذشته درخواست نامه ها که باید به پیشگاه امپراتوری پیش شود بدان انجمن میرسد و اگر کسی به (دنیای حکم) سناتور گردن نهادن نخواهد دستوری دارد که بدین انجمن درخواست نامه بدهد اما بسیار کم دیده شده که این انجمن (دنیای - حکم) سناتورا و ازده باشد چهارم انجمن (کاربیگانگان خارجی) بزرگ آنان دستور دستوران و سرکاشته پادشاهی است و در زیر فرمانش چند کس از بزرگان دربار و همگی کارهاییکه با بیگانگان و دیگر پادشاهان دارند و نگارش برخی نوشته های سر بسته که واگذار به اندیشه و کوشش و دور اندیشی آنانست و فرستادگان روسیه که در دربار دیگر پادشاهان میباشد و همگی کاربردان در زیر فرمان همین سرکاشته بوده و مامیانه همگی از گنجی که ویژه آنان و در دست این انجمن است پرداخته میشود و انجمن (پذیرایی - تشریفات) بسته بدین انجمن است پنجم (انجمن لشکری) بزرگ این انجمن کسی میباشد صکه پایه (فل مارشالی) را از روی دانش و کوشش بدست آورده باشد بزرگ دوم هم باید دارای پایه (آتشف جزالی) از روی دانش و آگاهی بوده باشد و این انجمن از (جزالان) و بزرگان سپاهی با دانش که ساهای دراز در میان سپاه بوده و براسی و درستی و کوشش دارای آن پایه شده باشند فراهم و کار آنان آماده نمودن دسته های سپاه و (اردوها) و آماده نمودن خوراک و پوشاک و افرار جنگ و آنچه از برای لشکر در بایست است بوده و پایه و نشان هم که بسپاهیان باید داده شود باید آنان روا دانند و سزاواری و شایستگی او را آگاهی دهند و فراهم نمودن آنچه از برای سپاه در کارست از ساز جنگ و اسب و توپ و تفنگ و جبهه خانه همگی با آنانست (اطاره - دفتر) که گذارش همه اینکارها نگارش میباشد همگی را این انجمن نگاه و آماده دارد و هرگونه سپاهی که در کارست همگی را آماده میباشد که هر اردو در جای خود پیوسته آماده است تا فرمان رسید راه می افتد و همچنین کارهای دیگر در آنجا ساز جنگ درست



میخواهند چینی کنند و اینگونه کارهاییکه طایفه انجام نیک و زشت است از برای هر یک انجمنهای جداگانه برپا نموده و مردان درستکار بزرگ گردان بر آنها گزیده اند و هر یک از این انجمنها را در جایگاه خودشان نویسندهگان بسیارست که هر کدام به انجام کار خود میپردازند و انجمنها که بشمار آمد هیچیک در زیر فرمان آدیگری نیست و کارهاییکه به آنان واگذار شده بخودی خود انجام میدهند و پرسش نیک و به انکار از خود آنان میشود و بدستباری بزرگ و سرپرست خودشان بخود ابراتور بازگشت و برداشت کار خود را میبایند و از بزرگ تا کوچک در خور خود طمعیانه دارند که در بیست و سه ماه از سرکار پادشاهی بی کم و بیش داده میشود و از کارهاییکه سپرده آنانست يك پول در آمد کردن نمیتوانند

( باقی دارد )

نکفتن شکر نعمت عین کفرانست

### از شماره ۱۱

میدانید شما از برای يك آدمی مثل من چه قدر این خبر مایه خوشوقتی و امیدواریت ملی کسی که سه سال وزرای کبار گولش زده اند و وعده های دروغ داده اند تلکرافات جعلی کرده اند در مسئله جبلالتین یقین است از وصول چنین نعمتی طبعی مسرور میشود و باید اندازه خودش در قیام شکر نعمت حکوتاهی نکند ولی نظر به بی مقصداری شخصی خودم - در مقام تشکر خصوص بواسطه ضعف و عجز باین شعر صکه از بجهگی در خاطر مایه است اکتفا کردم

من بی مایه که باشم که خریدار تو باشم

حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم

چرا عاشقانه صحبت میکنم رفقا بدانند در محنتیات

عالم وقتی که برده احتیاج بالا رفت هر چه آنطرف

برده است صرف يك صورتی است دوستانه

در راه عشق فرق غنی و فقیر چیست

میخواهم این محاسبه من که ساداست با من است

آدم نمیشود نمی شود بلکه گاه گاهی میگویید که تو چرا

ببخشید نمی شنویید و چیزی در واقع این هم حق دارد

میشود همگی در زیر فرمان آنانست مگر کار جنگ که اندیشه در کار جنگ و سازش با آنان نیست بلکه با ستاوی بزرگ است که در پیش نگاشته آمد ششم (انجمن دریائی است) که بزرگ آن سردار با دانش و آگاه دریائی است که او را فرمانده بزرگ دریائی (امیرالبحر) مینامند و در زبان فرنگیان (امیرال) است که از گروهی از سرداران دریائی و ناخدایان فراهم آمده و بکار کشتیهای جنگی و ترسانهها که در تمام کشور روسیه هست رسیدگی و در بسیار نمودن نیروی دریائی کوشش و همگی جنگلها که در کنار رودها و دریاها هست در زیر فرمان آنانست مگر آنکه از برای نیروی دریائی و ترسانه دریائی سیاه که تازه برپا نموده اند انجمن دیگر هست و این انجمنهای دریائی را دستور نیست که در هنگام جنگ بخودی خود مانند انجمن سیاه خشکی کارروائی کنند

(هفتم) انجمن در آمد و بدر رفت پادشاهی است و این انجمن در زیر فرمان يك دستور کشوری چهار شاخه که در چهار (پرهون دایره) گرد آمده فراهم است گروه نخستین بکار در آمد دوین بکار بدر رفت سیومین بکار (اماره) داد و گرفت و چهارمین بکار بدی بس ماده رسیدگی مینمایند

(هشتم) انجمن کارهای بازرگانی و سوداگری که در زیر فرمان يك دستور میباشد و در پستی و پستی و رونق کارهای بازرگانی کوشش مینمایند

(نهم) انجمن پزشکان در زیر فرمان يك دستور با دانش آگاه و سر پزشک و گروهی از پزشکان در گرد آورده و کار آنان آنکه همه کشور پزشکان در خور مردم آنها را روانه نموده و در نگاهداری تنهستی هم زبردستان اندیشه و کوشش نمایند و از برای آنچه در بایست آن کارست با نامه انجمن را آگاهی دهند و به بیمارخانههایی که در همه کشور هست رسیدگی و دیده بانی نمایند و بیوسته در بازرگانی آنها کوشش نمایند و در روسیه اگر از بیگانگان کسی خواسته باشد بکار پزشکی پردازد تا آنکه از انجمن بتوسبولک دستوری ندانند باشد نگذارند بکار پزشکی پردازد و از اینها گزیده از برای پول صکه نموده و سرپرستی و بدستباری آنهاست که در روسیه و در سیاه طمعیانه تازه

احتیاج بفرنگ و فرنگی نداریم (والتر) هم داریم  
کارهای خوبم میتوانیم بکنیم

وزرای سابق هرکدام که بودند بیادشاه روزنامه  
جات و مکاتب را دشمن نشان میدادند چرا بواسطه  
سوء اعمال و کژی رفتار یقین است دزد از داروغه  
خوشش نمی آید پس وزیر دولت خواه آنکس است  
که بیادشاه بگوید که باید قدر آزادی قلم را شناخت  
و قافیه را در حال تنگی نیاخت اینجور هرکس باشد  
مؤید سعادت دولت و مشید ارکان سلطنت است. و  
درستی و دستکاری و از همین گله معلوم است چرا که  
طلای خالص از محک روی درهم نمیکشد و سیم ناسره  
بگناه سیاه روئی محک را از خود دور میخواند پس  
درین صورت یقین است محکم بر ذمه آنهاست که تفریق  
خوب از بد کرده اند و تیر از رد شکران نعمت و  
تذکره مکارم اخلاق و محاسن اطوار این قسم وزرا  
لازم است (من لم یشکر الناس لم یشکر الله) باید از  
تقدیم شکران کوتاهی نشود که مستلزم بقای عمر است  
اگر حرفی هست درین جاست که این نعمتیکه تا بحال  
اورا دارا نبوده ایم و بیایه قیمت اورا نمی شناسیم چگونه  
شکر اورا بگذاریم یعنی چه کلمه پیدا کنیم که در این موقع  
شایان صرف باشد رفقای من و ادبانی که معنی آزادی قلم  
را میداند بدانند که من هرچه فکر کردم کلمه در مقابل  
این نعمت بنوع عمومیت که بتواند مقابله کند با بزرگی  
این نعمت پیدا نکردم و باوجود حسن ظن دوستان  
در حق من اعتراف بعجز میکنم لذا عین سواد دستخط  
مبارک را درین جا درج کردم تا اینکه هموعه ایرانی  
هرکس باندازه فکر و فهم خود کلمه از برای شکران  
نعمت این قسم منم پیدا کند و درخواست میکنم از  
هموطنان نجیب و عزیز خودم که هرکدام بهریایه و طایفه  
که هستند حق طفل مکاتب به اندازه که فهم بزرگی  
نعمت را میکنند تذکره شکرانی برای من بفرستند تا  
من برای اقباه اخلاف بتدریج این اشکرات را زیب  
صفحات ایام قرار بدم که رفقای دیگر هم بنحیال  
خدمت یفتند نه در سدد حیانت

(سواد دستخط مبارک حضرت والا)

شرحی که در باب روزنامه چهره بنا نوشته بودید  
ملاحظه شد چون جنابالی را پنهان و صحیح القول

ولی يك تفكر عمومی که باز شکل ادای آن بر  
ذمه اهل قلم است و ارباب معارف و حکم در مقابل  
نعمتانی که از برکات وجود این وزیر معالی ضمیرست  
لازم است - و بر اهل اطلاع معلوم که شکر هر  
نعمتی باندازه همان نعمت است و از برای ادای شکران  
هر نعمتی بزرگی بر ذمه اهل قلم است که گمانی پیدا  
کنند که بتواند مقابله با بزرگی آن نعمت کند

امروز هرکس بحال ملت ایران وقوف تامه داشته  
باشد درجه احتیاج این ملت را بعلم و آزادی قلم و  
رواج اوراقی که وسیله پیشرفت و بازشدن دماغ مردم  
باشد میداند تاچه درجه است - من بدون هیچ خوف  
و تردید میگویم و این عرض من راجع بشخص  
سلطنت و هیئت حاکمه حکومت است امروز هر وزیر  
که بر ضد روزنامه جات آزاد و مکاتب جدیده و معارف  
باشد بدون هیچ شبهه دزدست و دشمن دولت و  
ملت ایران چرا که خیلی بد موقفی داریم یا باید مغلوب  
شویم و مغلوب یا باید قالب بشویم و غالب و یا باید  
محصور شویم و محفوظ یقین از اشکال ثلاثه شکل ثانوی  
خیلی شیرین است بدون علم ممکن نیست بدون اطلاع  
صورت نمی بندد بدون شبهه بنفون و قواعد جنگ و  
صلح باید بصرف امروزی آشنا شویم نفوس چه میشود  
مغلوب و مغلوب میشویم بلاشک باید آدم شد خیلی دیر  
شده است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند  
هر که دیر از خواب برخیزد روزی ندارد ما خیلی دیر  
بیدار شدیم آفتاب پهن شده است از اینجا زود بگذریم  
که رفقا دل تنگ میشوند و بنای جنگ میگذارند

حقاً اگر قلم آزاد شد و اوراق روزنامه جات  
در نوشتن حقیقت مؤاخذه نشدند بزودی دوست از  
دشمن پیدا میشود و هوشیار مرد نا هوشمند را بی  
آبرو میکند چون ممکن نیست بگویم خدا ما را بکمره  
خبر خلق کرده است و قوه تمیز که اسباب پیشرفت  
طاست در میان ما نگذاشته است - بلاشبه در میان يك  
هیئت و جمعیت عقلا و حکما و علما هر سه هستند  
ولی طایفه بواسطه خوف در مقابل يك هیکل جهالت  
ساکت هستند و يك فرقه چون قانون صحیحی در میان  
نیست از همه عوام بفظ مقام قناعت دلوند والا  
قدری کارها صاف بشود آنوقت میفهمیم که هیچ

بر خلاف این روند دوستان جبهه بیرون بار و خوردن  
خار باید بخواری روزگار برند - شاهد این معنی حدیث  
معارف پروری شخص اول ایران سبب شده است که  
مثل من بی بضاعتی که گرفتار مشاغل تا هموار تجارت  
هستم و مشهور بدم قریحه و ذکاوت قلم گرفته اظهار  
حیات میکنم - ولی یقین دارم که ارباب خبرت و  
خداوندان بصیرت زلات قلم را عفو خواهند فرمود  
و در مقام تشکر آنچه را که من از ادای آن اظهار  
شکستگی نشان دادم بدرستی از عهده بر خواهند آمد  
(کوی توفیق و سعادت در میان افکنده اند)

چرا اینقدر این آثار حیات از معارف را که با اصول  
دول متمدن فرض يك حکومت است به تکثیر و تعظیم  
میه تائیم و همسرهای خودمان را بزرگ و کوچک  
بهرش تشکر دعوت میکنیم این سؤال را همه کس میتواند  
بکند

جواب این سؤال متدورا باید از زبان شیرین تاریخ  
دنیا شنید که در حکومت هاییکه غیر مشروطه است  
یعنی اختیار همه چیز مردم در پنجه اقتدار دولت است  
همیشه خوش بختی و بد بختی این قسم سلطنت و مردم  
بسته بیای و نادانی و نادانی و وزارت مثلا اوراق  
پریشان حکومت ایران را بعد از خرابکاریهای وزیر  
(مهاکوف) دست همت مرحوم میرزا تقیخان امیرانابک  
نورالله مضجعه در طرف سه سال دفتر و شیرازه بندی  
نمود و جاه طلبی و خود پرستی رفیق مازندران ما تمام  
آن زحمات را بهر داد خیلی دور زویم و از ملک  
شاه سلجوقی و خواجه نظام الملک و یا هلاکوخان و  
محقق طوسی صحبت نمکرده باشیم - شاهد مدعا چرا  
درین هزار و کسری تاریخ ایران پادشاهی بجلالت ملک  
شاه سلجوقی نشان نمیدهد بواسطه آنکه وزیری مثل  
خواجه نظام الملک نشان نداده است

بدون تعارف گرما از این بند جستم و شیشی  
بروی حریف زبردست بستیم و دوباره آب رفته را  
بجوی آوردیم و سر نهفته را از پرده بیرون گذاشتیم  
باید این حیات مجدد و این عمر تازه را حاصل فکر  
خودمان ندانیم - بدی کار دوا عیاست که ما اینقدر مستقیم  
که در دریا افتاده بودیم مشرف به لاسکت بودیم يك  
بچاره آمده است با هزار لطایف - بیل چابا از گرداب

میدانم در اینست که هم تعهد جنابالی را تصدیق میکنم  
حالا که نوشته اید روزنامه مزبور از تکالیف خودش  
خارج نمیشود البته در اینصورت ورودش بجاك ایران  
ضرر ندارد - بدیهی است که هر قدر و سائل دانش و  
معرفت بیشتر شود نمراتش برای دولت و ملت بیشتر  
است بر حسب تعهد شما سفارش لازمه شد که روزنامه  
از توقیف خارج و در ورود بجاك ایران بدون عمانت  
قبول نمایند

خوب حالا قدری خودمان صحبت کرده باشیم شما  
هم از من گله دارید که باید بشا تبریک و تقریر نوشته  
باشم در صورت يك نسبت خاص کوتاهی بلکه ظلم کرده  
ام در حق شما حق دارید در این شکایت ولی نمیدانید  
که از نا همواری راه پای قلم آبله کرده است شما به  
پینید رفتاری کم هوش من گوش مرا آسوده میگذارند  
که دماغ من کار کند با وجود اینها دست از کار نکشیده  
ام ولی گاهی بعضی موانع ظهور میکنند که آب چشم  
قلم خشک میشود - ندیده اید وقتی که در مصیبتی تأثر  
چنینا میرسد اشک چشم تمام زده خشک میشود بعضی  
نادانیهای رفقا خیلی آدم را از کار عقب میگذارند  
ولی چون وجود از برای همین کار آمده یا خلق  
شده است بعضی آنکه از یکطرف فی الجمله روشنتر  
دیده میشود جان رفتن می آید و بابل ناطقه منادی  
شهرستان بدن میشود (قلهاتو برهانکم ان حکمتهم  
صادقین) وقتی که سواد دستخط والای صدرت بنامی  
زیارت شد مرا قوه شوقیه اناره کرد با وجود این  
حربی که بمنزله خورشید ست طالع محلی چرا و اظهار  
تنبلی بجه دایل دیدم بد نمیکوید قلم را برداشتم بشما  
تقریر بنویسم با تیری بکنم محفظه خاطر چون فراغت  
از يك مشغله بزرگ قلمی کرده بود شکستگی نشان میداد  
جنابان نگردم نظماً بشا تبریک نوشتم (به چو دیدم ار  
صاف است و ار درد) بکلام همین جمله مختصر خانم  
دیدم بشهادت تاریخ دنیا هبوط و صعود ملل  
بسته بمراتب دانان و نادانی آنان است اگر وزرائ  
که در رأس اداره هستند بکلمه طینه علم همراهی  
بکنند که اصل ثابت و فرعی ثابت دارد از نمرات  
تجربت و استقامت قوم برخوردار مینموند و اسکر

قا رهائی داده‌اند و ما هنوز بهوش نیامده‌ایم که درجه  
موضع بودیم و بگذا آمدیم بابا نزدیک بود پل را آب  
برد پادشاه دعا کن بخدا شکر که یک مدتی از ملاقات با  
تاکارهای بهره‌ماندم امیدواریم که بکلی تا امید شوم  
( مدعی گر نکند فهم سخن گو سروخت )

تقریب من تا جائیکه شرح حالات پولتبی دول  
همسایه را میکند لامحاله منطبق و سرسته است بعضی  
ملاحظات باز کردن کره اغلاق بمسئله خود شایسته  
میخواهید شرح بدهید صلاح نمیدانید سر بسته بگذارید  
وقت من از برای رعایت قواعد فنی در شرح مساعد  
نیست الفاظ هرچه خوشگل باشد در بدگامی معانی  
فائده ندارد و وقتیکه معنی قشنگ شد صورت که  
هرچه ناتمام و حقنک باشد اسباب دلنگی باید که نشود  
قیاسگر حریرت و گر بریان  
بنساجار حشوش بود در میان  
( باقی دارد )

### اصلاحات جدید یا خیالات

#### حالی شاهزاده صدر اعظم

( از شماره ۱۱ )

دیگر از مضار و مفاسد تیول حدوت اختلال  
و اغتفاس در انتظامات ملکی و تربیات معاشیه ملیه  
بواسطه تعدد رئیس و اختلاف اداره فی ائذل حکومت  
معلیه بر حسب وظیفه حکمرانی حق مداخله در امور  
فلان قریه که تیول بهان الدوله است دارد صاحب تیول  
نیز مالک رقاب و خداوند یک مهت فقرا است این  
برای خود حکم کند و آن باراده سنیة خویش امر  
فرماید رعیت نیز مجبور است هر دو را ببیند اگر قدری  
مسامحه در او امر حکومت کند همان حکایت تاخت  
و تاز مأمورین بی انصاف حکومت و جوب و فاکه و زنجیر  
و خلیلی - اگر فرمان صاحب تیول را اطاعت نکند فوراً  
از صدر جلال حکم صادر شود که رعابای فلان قریه  
بنای شرارت والوای را نهاده از چون وجرا میپرسند  
البته باید تنبیه سخت و مجازات شدید بشوند تا دیگران  
را مایه عبرت و طامه را مورد عبرت شود بیچاره  
آخوند ده بنام محرم باید آواره گردد هرگاه بر حسب  
اتفاق یک نفر صاحب ثروت در قریه باشد که در این  
مواقع اسباب خوبی برای حکومت و صاحب تیول

میگردد زود خودش را حبس و اموالش را ضبط  
میکنند که یاف دولت خده خیال سلطنت دارد فلان  
و فلان هم شاهد است که در خلوت نام شاهی بر خود  
نهاده بود و هم کدخدایا و سایر رؤساء باید مبنی داده  
سرشکن رعایا نمایند و از محایب آنکه تاکنون این نوع  
مصادرات را در کتاب لغت نام مخصوص پیدا نشده  
و هیچ واضی نتوانسته که در ازاء آن وضع کند  
وقتی دیدم یکی از کدخدایان را در مجلس حکومت  
مقید نموده مطالبه هزار و پانصد تومان از وی میکردند  
بیچاره از سوز دلی که داشت بمأمور گفت ( من  
نماید که این چه پول و بیچه عنوان از من گرفته میشود  
اگر جریمه است تقصیر من چیست و مدعی کسکه ؟  
اگر مصادره است من یاف دولت نیوم و نیستم اگر  
قرض است طلبگارم کیست ؟ اگر تقدیمی و پیشکش  
است که اول سال داده ام - اگر مالیات است قبض  
مفاسد دارم اگر ..... مأمور در جواب گفت  
این پول اسم مخصوص ندارد و در تحت یک عنوانی  
داخل نیست ولی ما او را اسمی گذارده‌ایم و بدان  
میخوانیم که ( بده و هیچ مگر ) خلاصه رؤساء ده هم  
باید محض حفظ جان و مال خود دلال منظمه و مروج  
این بازار بشوند مقصود آن است که این معائب از  
تیول نانی میشود چه این خو و طابت قدیم رؤساء  
ممالک خورا است همان تعداد اداره ریاست و حکومت  
که هر کدام بر حسب میل خود رفتار میکنند مورد  
انواع زحمت و اقسام خدمات میگردد ملاک از انتظام  
میفتند و رعیت بستوه میآید چه خوب میفرماید شیخ  
علیه الرحمه ( چند درویش در گلپی بنخسید و دو  
پادشاه در اقلیمی نگنجد

بلی تعدد ادارات در صورت صحیح است که هر  
در تحت حکم دیگری باشد چنانکه عدالت جزه  
داخل در ظل حکومت عدالت العالیه است و  
افسران و صاحب منصبان فوج مطیع سردار و سپه  
سالار - و گره مورد بسی زحمت و اشکال است و  
خداوند تعالی در مقام اثبات توحید میفرماید ( لوکان  
فیها آلهة الا الله لفسدتا ) خصوصاً در ممالک بیقانون که  
صحیح اداره جز بر اواده و میل رئیس منبع و ملاحظه  
نماید - یک جنبه محله که بارها در حدیث بیان شده

از روییندان برتقاء، و برتقاء های داده بلکه از هرگونه  
 قوی و صنعت هر دو، هر دو همان تمدن محکم، و اختلاف  
 کلمه مباشرین آفتاب مهلم نامه و تباین مشرب و مسک  
 رؤساء، روحانی و جسمانی است - از یک طرف علماء  
 با اعلام بدعوی نیابت و حجیت از جانب صاحب شریعت  
 مقدسه و ائمه دین برخاسته زلم مهلم عباد را در  
 عبادات و معاملات و محاکات و عقود و اقساعات و  
 سیاست و قضاوت در دست خویش گرفته بر حسب  
 اجتهاد هر کسی تکالیف شرعیه اشرا بجای آورد و از  
 سمت دیگر هیئت دولت از امراء و وزراء و حکام  
 و غیره بر طبق میل یا دستور حکمرانی و ریاست غوده  
 این دو فرقه بر ضد یکدیگر حکم میکنند بلکه در سدد  
 خرابی کار همدیگر برمی آیند و خلق را در گرداب  
 حیرت گرفتار میسازند و موجب هزاران زحمت و  
 اشکال ملت میشوند و این معنی باندازه رسوخ یافته که  
 مردم گمان دارند يك نفر عالم نباید هرگز قدم بخانه  
 وزیر یا امیری بگذارد و اگر با آنها ملاقات کند از  
 عدالت او کاسته میشود با اینکه در سایر ممالک اسلامی  
 علماء فحول مباشر مهلم دولت میشوند در زمان  
 سلاطین صفویه غالباً علماء و قضاة پیشکار بودند و امروزه  
 در مصر حکم متمدن ترین ممالک اسلامی است شیخ  
 مسجد جامع الازهر و مفتی ديار مصریه و قاضی القضاة  
 از اعضاء ریشه مجلس شورى القواةین (پارلمان) هستند  
 و همچنین در اسلامبول شیخ الاسلام در امور معظمه  
 دواقی صاحب رای پستیده و قول مقبول است  
 کمتر ضرریکه از این اختلاف کلمه ناشی میشود دو  
 امر است ( اول ) آنکه علماء چون در مطالب ملکی  
 مداخله و مشارکت ندارند هم خود را صرف تحصیل  
 فقه و اصول و سایر مسائل معادیه مینمایند و از اوضاع  
 کنونی عالم و انقلابات زمانه و مقتضیات عصر تمدن و  
 تحکات سیاسی بی اطلاع میگردند و این معنی سدیدى  
 از برای ترقیات این ملت شده ( دوم ) آنکه  
 بدخواهان و خائنان بحال یافته هرگونه لطمه و صدمه  
 باستقلال دولت میزنند هر دو ملک را بهیاء نجس  
 یلجانب میسپارند و این یوسف مصری را بدرام  
 محدود بر بیگانگان میفرستند - اگر يك نفر عالم عضو  
 مجلس وزراء باشد چه میشود چه وقتى ریاضی میشود ملک را

در نزد دیگران گرو نهاده این قرض میثوم را بنمایند -  
 و صدگونه امتیاز بخارجیه میسند ؟ خطلوند پشت کند  
 کسانرا که بانواع مگر اختلاف که بین ملت و دولت  
 و رؤساء روحانی و جسمانی انداختند تا مقاصد فاسده  
 خود را در ضمن این اختلاف اجراء نمایند - ولی آنچه  
 خاطر پریشان دلسوخنگان را اندک مطمئن میسازد و  
 مرهم بطلای ویش مینهد هانا اوضاع حالیه است که  
 رؤساء روحانی و جسمانی بطرف اتحاد و اتفاق مایل و  
 از اختلاف و تباین معرض و محتب اند چون بر همه  
 آشکار شد باعث این تضاد که - و عرضش چه بود - و  
 در ظل این اختلاف چه فته ها بر پا سکرد و چه  
 فسادها بر انگیخت و هر دو حزب را قریب بنهائ و  
 اضمحلال رسانید ( باقی دارد )

قابل توجه رؤسای روحانی و جسمانی  
 مکتوب یکی از رجال بزرگ طهران  
 از شماره ۱۱

ولی با این همه که عرض شد خیلی طول دارد  
 بلکه گمان هیچ با هوشی میرود حکه دولت روس را  
 کامیابی در نقشه ( ژنرال کرویاتکن ) حاصل گردد  
 واضح است که اگر دولت روس با یکی از دول  
 معظمه اسلامی جنگ داشته باشد اول برش را که باید  
 مقصد شود شورش مسلمانان تبعه روسیه است و از این  
 انقلاب اسباب اغتشاش عمومی در تمام ممالک روسیه بانواع  
 و اقسام فراهم خواهد شد - و این مملکت وسیع که  
 بنیادش بر غلبه و استبداد است بزودی منقسم باطارات  
 کوچک شود ( قتل مسیور و پناه وزیر داخله - و حکم  
 قتلد و گنجه - و ایراغتشاشات داخلی کوا - حل است )  
 پس دولت روس ابدأ نباید در خنای انجام آن نقشه  
 باشد و گمان نمیکم وزرای با سیاست روس هم در آن  
 نقشه غور کرده و رضا داده باشد - فرضاً بر حسب آن  
 دستور بیکی از حدود این ملک حمله نماید عموم مسلمانان  
 آسیانی از جلیو و عقب بدوات روس حمله خواهند کرد  
 و چون تصرف يك وجب از خاک ایران یا افغانستان قبضه  
 بر حصه از هندوستان است مینا دولت انگلیس که معظم  
 ترین قوای بحری را داراست کشتیهای جنگی زود به پیش خواهد  
 را در راه رسیدن به پیشواورد که در مدیه بخاندر روس شلیک

خواهد کرد و اغلب قاطار اروپائی روس را قبضه خواهد نمود. چه در يك موقع دولت روس مجبور است در چندین نقطه بھری و بری قوای عسکریه حاضر نموده معنول جنگ شود. سیاسيون بطور وضوح فهمیدند که دولت روس را نه آن قوه مایه است که آن مقدار قهون و لوازم جنگی را فراهم کند و نه آن قدر سردار و صاحب منصب که بتوانند این خدمت بزرگ را از عهده برآیند. هرگاه سه میلیون قشون منظم با استعداد فوق العاده برای جنگ خارج روس لازم داشته باشد پنج میلیون برای نظام داخل و ساحلو سایر سرحدات خود باید حاضر کند

بدین است این استعدادیکه عرض شد برای دولت روس از محالات است. با این حال - ضمیمه همانطوریکه در شرق اقصی ماک و دولت ژاپون دست بهم داده غیرتمندانه کوشیدند - ما هم در موقع اجرای آن نقشه پذیرائی کرم و نرمی از سربازان جیون همسایه نموده در حفظ حدود وطن عزیز تا جان داریم بکوشیم

گرچه بابا خوب ورد آورده  
لیک سوراخ دعا کم کرده

عض اطلاع هموطنان عرض میکنم و از روی حقیقت اطمینان میدهم برای دول همسایه من بهدامکان نیست بتوانند يك وجب از اراضی وطن عزیز ما را به بلند (آن سبب بشکست و آن پیمانہ ریخت) زیرا که اهالی تا اندازه قدر وطن عزیز را فهمیده و پی بمقامات عالی آن بردماند کخون درد وطن بطوری اهالی را گرفتار کرده که حد و حصر ندارد و با اقدامات کامله که از طرف رؤسای روحانی و جسمانی ما مملوف ترقی مملکت است تشایح و ثمرات بزرگ در جلو داریم و علای اعلام که پیشوایان شریعت مطهره ما هستند به تدلیس شیخ الاسلام قلبیس که از هوا خواهان دولت خود است از جاده شریعت خارج نمیشوند - خیالات واهی و بی آگاهی (ژنرال کروباکن) را همین نکته کافی است که بفرستن علماء تصرف ارض اقدس و بقعه متدین رضوی را که بقول خودش قبله اسلام است در خیال گذرانده هیبات هیسات از این فکر خام و هوس شامت انجام که در آن موقع هم جهاد برافراشته هم مسلمانان عالم اقدام بچنگ خواهند نمود

بدین است در آن صورت احوالات حالیه شرق اقصی ذره از آن مقدمه بهار نخواهد آمد بلکه هزاران مرتبه بالاتر و بالاتر خواهد شد - بزرگی ذاتی و فضیلت باطنی ما ایرانیان است که با این حال هم دست از چشم پوشی و انخاس برداشته حقوق قرب و جوار و همسایگی را منظور میداریم - و الا نه آن است که این قدر ما بخبر و در پی نفع و ضرر خودمان و انکشاف خیالات دوستانه و مرضات همسایگان نباشیم

ما بجاییم در این بحر تفکر تو کجائی

منتها سد سیدی در جلو بود و طالع از ترقی ملک و مات بحمدالله که فعلاً از شر آن شریک دزد و رفیق قافله فراغتی حاصل شد پس خوب است ما هم که تاکنون مهر خوش بر لب زده بودیم تغییر وضع داده گفتنی های نکتنه چندین ساله را بگوئیم وقت آن است که ببل بسراید با گل چون که دی رفت و بهار آمد و این محفل از اوست

( باقی دارد )

مکتوب اصفهان

( دو اسبعت ارباب حراید )

( از شماره ۱۱ )

ماهی دو بر آن بگذشت که هماره از و رودش تن را جانی و از وجودش بدن را روانی حاصل بود تا آنکه در ذیل بعضی مکاتیب از مشاجره قلبی و مناظره رقی مشاهدت رفت نخست بقضایای اتشاقیه لادائمه محمول داشته خاطر از آن ملول نداشتم تا آنکه تکرار روانم متعوب داشت و مشاهده رد جواب او نیز برعات افزود با خود گفتم - آوخ بر فرض ملالت و کدورت شخصی اظهار و اعلام آن در صفحات جراید از چیست و این گونه دستور از کیست در اقام اروپ که عده روزنامه نگاران را حد و حصر نیست هیچ وقتی بر یکدیگر نگویند و از همدیگر نسائند - روریکه از این جهنم حال آشفته و خاطر آزرده بود بمنزل دوستی که در این گونه حالات نسلی ده بود بشناختم و در ورود مشغول بحریرش یافتیم - گفتم بکه نامه می نگاشتی و عرض حال بکه عرض میداشتی گفت نامه است بر حسب خواهش خود بخوان ادوات اخبار منی نگارم برصیل حواص بدو گفتم تو هم راه وطنی

### چهارم در بیان ادب و مستطاب (۱) و در بیان ادب و مستطاب (۱) و در بیان ادب و مستطاب (۱)

برسی و شکر گفت و بفرموده بودی که در این کتاب  
 بیستاد و نه نوبت از این کتاب که در این کتاب  
 گوی و در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 چندان از این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 عنوان در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 پیش آید که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 آری که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 تربیت از این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 بد مدیگر در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 بدوی الناس و هو جلیل) خوانند - گفت مطاب  
 صحیح و عبارتی صحیح گفتی هر که تربیت دیگران خواهد  
 او راست که خود معمول دارد - زیرا چون قول و  
 فعل اتفاق یافته جهان میتوان گرفت - ولی تفصیل مناقشه  
 چیست و شرح مناظره کدام چنان از سخت بندارم  
 که مابین این نجوم ساطعه از مشرق مدینت را که صورت  
 و غلی حایل و قار و تاملی حاصل - گفتیم حاشا و کلا  
 مابین آنان قار و تکبر و بض و تکدر صرف نتوان  
 داشت زیرا همه بهره ور از بحر درایتند و خوשה  
 چین از خرمن تمدن و تربیت چیزی که علت نافی  
 مناظره و مشاجره تولد دانست همانا مکاتب دوستانی  
 است مختلف الآراء و سکه بادارات فرستند و بدرج  
 آن اصرار و ترغیب نمایند مثلا در فلان نمره روزنامه  
 مکتوبی با استناره و کنایه مندرج یافت در روزنامه  
 دیگر جوابی بر آن نوشته شد و کار تسلسل و هم  
 جراً کشد و چگونگی رسوائی ما بر سر بازار زنند  
 بی همان درج مکاتب مخصوصه شخصیه بهانه نکته گویان  
 است حال قدم در این امر از یکست امری است غنی  
 و طرا با آن کار نیست - چنانچه ما از این امر خاطر معلول  
 است که همواره حطم مجهول می از این خیال بیرون  
 نفوس و جز ذکر این مقال نکویم واقع قار و کدورت  
 مابین کسانی که محبت بر تربیت دیگران کفایت و خیمه  
 تاسیس تمدن الهی است امری است محیب و علت باثر  
 و تخریب - ای کاش اتفاق جای این تعلق نسبی و  
 مستعد صورت بود و بیرون نیکو سخن براندی و  
 سنجیده از این کتاب که در این کتاب که در این کتاب  
 سلامت از این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

الصاف نبلعد صلح منظم با هم است و مقبول ایم ولی  
 (بیت الارش ثم اقرش) در ما بین تالی مشهور نه که  
 صلحت آرزوی منکی و نعیمة اصلاحش بیازو بندی  
 گفتم جانا مرا در طاقت این امر رانی دیگر است  
 که شاید ترا منظور نظر بست توانی که در ذیل نامه  
 خود خواهش رفع این زجریت و وضع صلح و سلامت  
 کنی شاید سعنت آری و کلامت نمری بخشد گفت آن  
 به که سؤال و جواب امروزه خود را عیناً عرضه دارم  
 که تریاق کلامت را خاصیق و گوار زبانت را ملاحظی  
 دیگر است - گفتم نکته پندیده است و گهتاری سنجیده  
 من نیز مذاکرات گذشته را با اداره مقدمه حبل المتین  
 میفرستم و شرح حال عرضه میدارم شاید تیر استدا  
 بآماج اجابت آید و خلعت قبول شایسته قامت امید  
 شود من بعد باب مناظرت بسته شود و بجان مراقبت  
 تیر و قلم مشاحرت شکسته شود و جوب معاشرت نیز  
 و از صاحبان قلم تحریر و دارایان زمان تقریر نیز  
 خواهشمندیم که قلم را از تحریر این مقولات عطف  
 عنان دهند و هر جا رسیده بخود گذارند حیث است  
 صفحات جراید که شایسته درج مطالب سیاسی مفیده  
 همویه است صرف مکاتب مباحثات قلبیه و مناظرات  
 شخصیه شود حیث است اقلام صاحبان تحریر و تقریر  
 که از او شکر نواد ریخت زهر ریزد و ناله و مشک  
 نیز آن که قلم دانه مدان جز در مطالب مفیده  
 صحیحه نگردد و فکر خردمدان جز در وادی سیاست  
 و مدینت سیر نکند صاحبان ایم راست که در منظر  
 علم و معرفت سخن رانند و در موضوع تربیت و مدینت  
 سهند قلم دووانند اگر گویند گانند چه خوش که نیکو  
 گویند و اگر نویسند گانند چه خوش که نیکو نویسند  
 آری الحمد لله

هنوز گویندگان هستند ادر عجم  
 که قوت ناطقه مدد از ایشان برده  
 انشاء الله مقصی المرام کردیم و دیگر عمر این قضیه مخوریم  
 پس دقیقه چند از هر دوی سخن گفتیم و آئینه دل  
 از زنگ درد و غم رهیم (باقی دارد)

بقیه تلکرافات  
 ( رمضان - ۱۴ نومبر )

در از فتوی دولین روس و ژاپون در حاشی این  
 بند بوزنه ایچگونگی سیر و تبیین واقع محله کل

### روزنامه کیهان - ۱۰ شهریور ۱۳۳۱ - شماره ۱۰۰۰

زیادی بارودی جزیره کروی است که در سینه است. تا امروز قهون بطریق کامل غذا داده می شود ولی با سبب اینکه بذریه راه آهن حاصل است و سائیدن سیورسات باینقدر لشکران کار است بسیار صفت و دشوار خصوصاً در ایام سرما که حمل حیرم تو ذغال و علوفه اسبان عزیز بر سائر اشیاء شده است

§ از مکن تا دریاچه بیکال مشتاد و شش هزار هجرو حین روسی در چهار خانه ها زیر علاج اند  
§ جنرال (لایمویچ) سردار اول اردوی منچوریای روس مقرر گردید

( ۱۰ نومبر - ۳ رمضان )

§ خبر ( روتر ) خبر میدهد که بتاريخ ۳۰ اکتوبر ژاپونیان قلاع شرقی بندر آرتر (کیکوان) که خیلی متین و محکم ترین قلاع است متصرف گردیدند و بذریه این قله ژاپونیان بر جمیع قلاع شرقی دست تطاول دراز کرده درین میدان هزار و پانصد نفر ژاپونیان مقتول و مجروح گردیدند

§ لارڈ سلورن در (برستل) ضمن نطق خود اظهار داشته که تکالیف دولت انگلیس را دولت روسی کردن نهاد و کیسیون نائی و مجلس حکمیت فعلاً ذمه دار رسیدگی در امور و تعیین الزام و تصور است اعلیحضرت امپراطور روس وعده سک کرده که بدانچه کیسیون نائی و مجلس حکمیت حکم نمایند عمل خواهد شد - لارڈ موسوف در ماده محافظه هندوستان اظهار داشته سکه پیشقد می روسها بجانب هند امریست طبیعی و این امر از دماغ آنان خارج نخواهد شد اگر چه امید قوی آن است سکه جنگ نشود ولی حکومت هند نیز از تدارکات وقایع قائل نمیتواند نشست

§ شاهزاده ( فوشیم ) برادر اتسای امپراطور میکادو امروز وارد واشنگتن شده رسماً از او استقبال شایان شد امروز با رئیس جمهوری دولت آنازونی ( مستر روزیولت ) ملاقات خواهند نمود

§ بموجب اخبارات تازه سکه از بندر ( آرتر ) رسیده ژاپونیان در جهت که بر قلاع شرقی ( کیکوان ) نموده قنچایب نگردیده ولی باقتضای هزار و پانصد نفر قله کوه و وادی از آن را متصرف خواهند شد

خلیله بر قلاع ایدو و فوشیمینا...  
§ سفیر روس در جواب بمذول آنازونی مدعیان صلح اظهار داشته که دولت متبویه او سگ آخوین نتیجه جنگ ایستاده خواهش اخیری را برای صلح قبول نخواهد نمود  
§ امروز امیرالبحر الگس لک بار حضور امپراطوری روس را یافت

§ دیروز مجلس تجارت ( هل ) آناز به تدارکات لازمه کرد بکنفر از وکلای بزرگ ( برسر ) انگلیسی از جانب دولت روس در محکم حاضر شد - موجودگی ژاپونیان و بودن جہازات ژاپونی در آنجا تکذیب شد  
§ شاهزاده ژاپونی ( پرنس فوشیم ) را در واشنگتن استقبال شایان نموده و با (مستر روزیویلت) ملاقات کرده از جانب امپراطور میکادو عنوان عبت و اتحاد نموده اظهار داشت که اعلیحضرت میکادو و فرد فرد ملت ژاپون ترقیات امریکا را از جان و دل خواهان و اتحاد با این ملت متممن را مایه نقر و شرف میدانند رئیس جمهوری آنازونی اظهار داشته که اهالی امریکا هم درین عقیده با اهالی ژاپون شریک و همراه خیر و صلاح ژاپونیان را خواهند

( ۱۶ نومبر - ۷ رمضان )

§ خبر ( روتر ) بتاريخ یازدهم از ( بندر آرتر ) چنین خبر میدهد که ( جنرال استاسل ) مجروح شده مجبوراً به بیمارخانه اش برده اند با اینحال نیز از سرداری لشکر کناره نجسته قهون خود را حکم داده است که مردن را باید برخود هموار کنند ولی قله را به تصرف خصم ندهند و تسلیم لغوند بواسطه قلت سیورسات و کمی قشون لشکران روس تا اندازه دل سرد و نا امید شده اند  
§ مدنی که برای قرضه ژاپون در لندن معین شده بود ختم گردیده ده برابر وجبی که قرض خواسته شده بود عرضداشت برای ادای آن رسید ببارت دیگر شش میلیون لیرا ژاپون قرض خواسته شصت میلیون فرخواست برای ادای آن رسید - در امریکا نیز دولت ژاپون قرضه که خواسته بود مقضی المرام گردیده ولی مدت آن تا یوم جهه است

§ گفتی موشک شکن روس در سبزوینیا در جاتی که...  
§ در سبزوینیا می جرید بلخه ( بندر آرتر ) نیز از طرف...  
§ در سبزوینیا می جرید بلخه ( بندر آرتر ) نیز از طرف...



بود آنکه جنگ را بدین چگونگی را از آنجا که بود  
 حربان از سلاح جدیدی که در دست آنها است به جهاز عبور  
 از جمله (استرالیا) به برای پتسبرگ اخلال و لازم  
 جنبه دارد ...  
 روزنامه (نوی گرای) مینویسد به تاریخ یازدهم  
 در حالتیک یکی از کشتیهای موشک شکن ژاپون معلول  
 با داخلن سرنگ در دریا بود مصادم با سرنگ شده  
 خرق گردید

از اخباراتیک تازه رسیده معلوم میشود که جهاز  
 (رستوروی) را روسها در (جیفو) خرق نمودند  
 جهاز (رستوروی) نیمه شب در حالیک شدت  
 جرف می بارید از بندر (آرتیر) در اثر جهاز  
 موشک شکن ژاپون حرکت کرده بدین وسیله خود را  
 از محاصره نجات داد عملجات جهاز تندرت و سالم  
 بودند و از چهره شان ظاهر نمی شد سکه گرسنگی  
 خورده یا صدمه دیدماند - افسران جهاز مذکور  
 بیان نمودند که (بندر آرتیر) همان حال را دارد که  
 دو ماه قبل داشت قلاع اصلیه را هنوز ژاپونیسان  
 متصرف نشده و متراند سکه قورخانه (بیان) از  
 شلیک آتش گرفت درباره آذوقه سخنان مبالغه آمیز  
 اشهار داده اند غیر مذکور بر تخت بندی (روستو  
 روی) گوشت گاو زیادی ملاحظه نمود که بسملحات  
 تقسیم میشد

غیر (روتز) از (سویز) خبر میدهد که حکومت  
 حکم نموده وقتی جهازات (بالتیک) از کتال سویز  
 عبور نمایند از جانب شمال عبور و مرور موقوف  
 باشد و حکم شده سکه جهازات تبارق در آن جن  
 ساکت و ساکن باشد

(۸ رمضان - ۱۲ نومبر)

روسها که جهاز (رستوروی) را خرق نمودند  
 از خوف آن بود که مانند جهاز (ریجیتی) ژاپونیان  
 متصرف نشوند

غیر روتز از (جیفو) خبر میدهد سکه چون  
 کتان جهاز (رستوروی) حکومت (جیفو) را آگاهی  
 داد که جهاز را حربان از سلاح میزنند عملجات جهاز  
 را زخمی نموده و سکه جهازات تبارق در آن جن  
 حلیک بگوشی رسیده خبری نگویید - بندر آرتیر

غیر (روتز) از شنکای خبر میدهد جهازیک  
 ختیا از (ولادوستک) رسیده خبر خرق شدن  
 جهاز (کیرووی) را تصدیق می نماید  
 غیر روتز از (پتسبرگ) خبر میدهد که دولت  
 روس از کیسیون نای خواش نموده که بعضی الفاظ  
 توهم آمیز را از مسوده تبدیل دهند مقاوله مذکوره  
 در کال سرعت بدستخط خواهد رسید

تمة جهازات (بالتیک) که عبارت از پنج کشتی  
 کره که من جمله آنها دو جهاز گرمه (پتسبرگ) و  
 اسمولنگ) که تازه به (ریون) و (یلیر) موسوم  
 شده با همت کشتی موشک دیروز از (لیو) حرکت  
 کرده امروز از (مولم) گذشته اند

غیر روتز از مکن تاریخ شانزدهم خبر میدهد که  
 قشون زیادی از اردوی ژاپون از وسط قلعه بندهای  
 خود حرکت و لشکریان روس پیش قدمی کرده جنگ  
 بسیار سختی در همین زودیا خواهد شد

غیر (روتز) از (جیفو) خبر میدهد که سکه کشتی  
 موشک شکن ژاپون در جیفو واود و پس از تحقیق  
 خرق شدن جهاز (رستوروی) معاودت کردند

بنویجه جهاز (رستوروی) واقعات و اخباراتیک  
 به پتسبرگ رسیده اشاعت یافته است و در آن واقعات  
 جنگ و حملاتیک از تاریخ ۲۵ اکتوبر الی ۳ نومبر در  
 (بندر آرتیر) شده بیان میشود از آن رپورت ظاهری  
 می شود که در حله ۲۵ و ۲۶ اکتوبر با صد نفر لشکریان  
 روس تلف شده اند - از آن بعد با الفاظ بسیار بیجا  
 استقلال و تحمل لشکریان روس را تمجید حکرده یا  
 کال مسرت می نویسد حملات نه روزه ژاپون سکه  
 بی در پی و متوالی بود با منهای شجاعت و جفاشانی  
 رد نمودیم و در آن حله ژاپونیان در تسخیر قلعه مرکزی  
 قم یاد نموده مسم پرش گردیده بودند در آن رپورت  
 ابتدا از حالات موحشه آنجا ذکری نیست چون از بعد  
 تاریخ سوم هیچ واقعه را ذکر نکرده تا اندازه اسباب  
 وسعت گردید است

(۹ رمضان - ۱۸ نومبر)

دسته جهازات جنگی بالتیک از (داکار) بجانب  
 آکره) حرکت کردند  
 جهازات دولت تانزونی از (لیبون) رسیده دولت

مقبوضه خود را خبر میدهد که بندر (آرتور) خیلی خطرناک است  
 است جیب قلع بیرون شهر بقعنه ژاپنیان آمدند  
 § وقایع نگار (دیلی تکران) از (بند سبز) خبر میدهد  
 که بقعنه ژاپنیان بعضی قلعی آغاز کرده عملاً حطرب  
 خیامشان دوازده میل مکن است و اهالی را آواز  
 نوبعمای ژاپن بگوش میرسد ازین ظاهر می شود که  
 (جنرل کروکی) بجانب مشرق مکن حله و پیغمبری  
 آغاز کرده است

§ افواه بود که روس بناسبت سختی بعضی الفاظ شرط  
 نامه کیسیون ثالثی را دستخط نموده این خبر اسباب  
 خیال و انقلاب عظیم شده بود - خبر روتر درین باب از  
 پترزبرگ خبر میدهد که این افواه غلط محض است قطع  
 دولت روس درباره سزای سرداران دوستانه خواهش  
 نموده عسکه الفساط توچین آمیز را تبدیل دهند و نیز  
 خواستگار است که کیسیون ثالثی تحقیقات خود را درین  
 مسئله محدود دارد یعنی واقعات و حادثات دیگر را در  
 اثبات این مدعا شامل در این تحقیقات نه باید

§ در (توسکیو) افواه است که از شلیک پیاپی  
 ژاپنیان در بندر (آرتور) باز یک مخزن قور خانه  
 روس را آتش زدند

§ جنرل (سغارف) خبر میدهد که شب گذشت  
 ژاپنیان در (پوتیلوف) بر ساقه اردوی ما حمله نمود  
 آنان را عقب نشاندیم

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که قشون  
 روس بتدارک دفاع مشغول و گاه گاهی بر ژاپنیان  
 شیخون زده نارنجک در آنان می اندازد

§ هلیجات جهاز (رستوروی) که غرق نمودند  
 یکی از جهازات گزیده چین در بنام خود گرفت  
 است

( ۱۰ رمضان ۱۹ نومبر )

§ جنرل (استاسل) اعلیحضرت امپراطور روس  
 را تکراراً خبر داده که زخم خفینی بر سر او وارد  
 آمده با این همه آن قوت و اقتدار و استعداد را  
 دارد عسکه قاطعی چند بندر آرتور را نگاهداری  
 نماید

§ در ماده کیسیون ثالثی بنام روسیه

انگلیسی درین مقرون جنرال است که انگلیس که در  
 توچین دولت روس است تبدیل نماید و ژاپنیان  
 را سوسالانه از دولت انگلیس خواستار می نماید  
 § دولت (ندرلند) دعوت رئیس جمهورین آلمان و  
 مستر روزی ویت را در طامه حرکت در مجلس  
 حکمیت و ثالثی قبول نموده دول اروپا عموماً از  
 قلب شرکت در این مجلس خواهند نمود

§ در خواست برای ادای قرضه که در امریکا ژاپون  
 داده بود باندازه رسیده که پسانش فوق تصور است  
 لذا از اظهار آن امتناع شده است

§ اعلانیه ژاپون در لندن برای شش ملیون لیرا  
 قرضه داده بود هشتاد ملیون سکنری برای ادای  
 آن درخواست رسید

§ خبر (روتر) از مکن خبر میدهد که سواران  
 ژاپون بمحله و شلیک برمیمنه لشکریان روس آغاز نمودند  
 و تمام روز متوالی از طرفین شلیک می شد لشکریان  
 روس منتظراند که ژاپنیان حمله بر آنها نمایند طرفین  
 در مقامات خود استعکافات متینه ملیه دارند هر یک بر  
 دیگری حمله نماید قصان زیاد خواهد دید

§ خبر (روتر) از (موسکدن) خبر میدهد که  
 سیاسیون روس را عقیده این است که دستة جهازات  
 (بالتیک) قبل از آنیکه بندر آرتور از قبضه روسیان خارج  
 شود باقصای شرق نخواهد رسید دو صورتیم که قضا قلمه  
 قبضه روسها باشد یا زهم دستة جهازات بالتیک باید در  
 ولادپوستک بروند و از جهازاتی عسکه در بندر آرتور  
 محصورند امید جلب قائم نمیرود

( ۱۱ رمضان - ۲۰ نومبر )

§ (مارشل لوباما) فرمانده کل قشون ژاپون در  
 منچوریا در اظهارات خود بیان مینماید که جنگهای دست  
 و پنه دور (مکدن) چن لشکریان روس و ژاپون واقع  
 میشود - از وضع شلیکهای بیفائده اردوی روس ظاهر  
 میشود که همأ قریب جنگی بسیار سخت دور (مکدن)  
 خواهد شد ولی تاکنون از جانبین حرکات و آثار برشی  
 و حله ظاهر نشده است

§ چند فرزند سواران جنگی روسیه در بالتیک  
 بوم غنیه وارد بندر سوسیولین شدند

شماره پنجم (۱۳۲۳) - شماره ۱۰۰ - شماره ۱۰۰۰ - شماره ۱۰۰۰۰

جبل‌الین کلکته - از مرکب و مرکب بلا استثناء ابوت اخبار - قیمت اشتراک

مدیرکل کالج استریت نمبر ۱ ( مندم گرفته میشود ) سالانه شش ماهه

کلیه امور اداره با - روزنامه مقدس - هند و برمه

مدیرکل مؤیدالاسلام است - ۱۲ روپه - ۷ روپه

متنظم اداره - ایران و افغانستان

آقا محمد جواد شیرازی است - ۴۰ قران - ۲۵ قران

هر دوشنبه طبع - عثمانی و مصر

پوشه شنبه توزیع میشود - ۵ مجیدی - ۳ مجیدی

روز دوشنبه - اروپا و چین

۲۲ رمضان ۱۳۲۳ هجری - ۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک

مصادف با ( قبض امساله مشترکین با نمره و مهر خاصه سال ) - روس و ترکستان

۲۰ نومبر ۱۹۰۵ میلادی ( سیزدهم استقبوض سابقه بمصرف امسال نباید برسد ) - ۱۰ منات - ۶ منات

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود ( مراسلات عام المنفعه ببول و در انتشارش اداره آزادست )

فهرست مندرجات

- ما را چه باید کرد • مکتوب از تبریز • مکتوب
- از بهرام آباد رفسنجان • اثرخانه یکی از وزرای
- پادشاه ایران • اثرات روزنامه متدسه در دربار
- دولت • مدافعه وطن • در توصیف و توسیع و تاریخ
- تجارت • جغرافیای ایران • مکتوب از اسلامبول
- به بین روز من راستی پیشه کن • مکتوب از اتزلی
- مذہبات تازه برعیتی روس • طبس • بختیاری
- تلکرافات

ما را چه باید کرد

در مقالات گذشته به خطراتیکه از اتحاد دولتن روس و انگلیس برای ما متصور است اشاره نمودیم . هیچ جای شبه نیست که اگر این اتحاد ملاحظه نگردد ، و ما سدی در جلو آن برای خود نه بندیم ، تا قرون عدیده سلطنت قومی و استقلال ملی ایران را وداع خواهد گفت . و مات ایرانیه مانند سائر ملل مغلوبه خوار و ذلیل و محروم از لذت حریت سکه اعظم لذت است خواهند گردید . بنا بظاهر تصرف در مذہب نخواهد شد ، ولی رسوخ و نفوذ و اقتدار کلیه از عالم سلب خواهد گشت . و در انعدام زینتی آناف سی بایع خواهد رفت ، و چون چنین شود ، احمی رغبت به تعلیم علوم دینی نخواهد نمود .

مسلم است دینی که حافظ نداشته باشد ، و از چهار جانب در انهدام و اختلال ارکان و عهد متدینیش می و اقدام شود ، و کشتیانش از هر گروه در دست بدره های زور ، و در جلو دختران شکول پری بیکر را با آزادی تمام تدیم نمایند . و حکومت نیز از یکطرف هم مذہبات خود را تویر و تنزیز نموده و مخالفین را به نظر ذلت و تحقیر بیند ، کیست که بعباده خویش مستقیم ، و بمذہب خود راسخ ماند ؟

برالمیان روشن است تا این درجه که بر عده نفوس مسیحیبه افزوده ، بواسطه غلبه و فتوحات دول نصرانیه و عزت و توقیر و نشوونات کشتیانش بطریقیکه ذکر نمودیم میباشد ( الناس علی دین ملولهم ) تاویل و تفسیر بردار نیست ، هر چه تاریخ هزار سال تبدلات مدعی ایرانیان را بطریق غور بجویم ، خواهیم دانست که خدای نخواسته هر چه سلطنت قومی و مدعی و اروالی رسد مذہب ما نیز بدین صورت موجوده با عالم عالم مخالفین باقی نتواند ماند .

اول اقدامی که در زوال قومیت ما نماید همانا سی در خرابی لغت مان خواهد بود . در مدارس و محاکم و عدالتخانه ها ، زبان خود را لایم خواهند شمرد ، و بطرا از همه چیز قومیت محروم خواهند ساخت -

اگرچه بدبختانه از حالا من غیر شعور رؤسای مدارس  
مابینه مارکن معظم تدریسات فو باوگان مات را زبانه‌ای  
خارجی قرار داده ، و ابداء تصور نمی‌کنند که این  
عمل چه فایده بحال ملت دارد ، آیا هیچ ماتی تنها  
دراستن زبان اجانب ترقی کرده که ما بکنیم ؟

تمام ثروت ملک را بحکومت عدلی و فملکی ما  
خواهند برد ، و جمیع رشته های تجارت را به تدابیر  
فنی منحصر بخود خواهند نمود ، شک نیست که ملک  
آباد و ثروت زیاد خواهد گردید ، ولی نه ملک بدست  
ما خواهد ماند ، نه ثروت درآنها ، فقط اقوام بست تا  
وقتی که معنی حریت و لذت سلطنت قومی را ندانند  
اند باندک ترقی که برای نفع خود بآنها داده می‌شود  
خوشنود می‌مانند .

هماره قوم قانع در احدام اعززه و ازدیاد ادله سی ،  
و هیچ دقیقه را فروگذار نمی‌باید این است عاقبت اقوام  
مفلوکه که صدها موجود و در پیش نظر مان محسوس اند  
حالا ملاحظه باید نمود ، که دفع مضار آن اتحاد برای  
ایران چگونه میسر و نجات طایفه اصول ممکن است ؟

باید داست - لوازم ماییت و قومیت و ترقی سلطنت  
در ایران موجود است ، دانشمندان با اتفاق کله می‌گویند  
که کلیه اسباب ترقی برای ملت و دولت ایران بقسمی  
جمع است که کمتر ملت و دولتی را در سطح صکره  
جمع بوده ، ایرانیان علی العموم یک ملت ، یک مذهب ،  
یک زبان ، و یک خیال اند ، استقلال ملی و سلطنت  
قومی از خود دارند ، مالکشان وسیع و زر خیز ،  
ثروت طبیعی‌شان باندازه است که در کمتر مملکتی نظیرش  
دیده می‌شود ، جمیع مواد ترقی در آنها جمع و آنچه  
اسباب معیشت یک ملت و دولت تواند بود بوضع  
موجوده و بطریق حال الحال تمدن در آن ملک موجود  
است ، اهالی ایران دلیران ، غیور ، شاه پرست ، ذهین ،  
و چکیده عزیت و بزرگی و جلالت و انسانیت اند جمیع  
ترقیاتی که ژاپون در عرصهٔ چهل سال نمود ایران در ده  
سال اگر اقدام کند و بخواند می‌تواند کرد

با اینهمه جمعیت اسباب بس علت عدم ترقی چیست ؟  
بدون تعارف جهت اینست که تا امروز نخواسته ایم ترقی بنایم ،  
این حرف خیلی قلمبه به نظر می‌آید ، ولی بیگانه برحق  
نیگو میداند ، که سخنی صحیح و متین است ، چه ایران  
هنوز جمیع طبقاتش از مباحث الفاظ قدیمی خارج نگذارده ،  
یعنی تمام عیبگی ما در لفظ و نهایش و روپوش ظاهری  
است ، و این مسئله ابتدا اختصاص یک طبقه و بکثر قندکندازد  
قبل از همه ملاحظهٔ دستگاه دولت را بکنیم که

جمیع عهدها و اداراتیک دولت انگلیس داره ، باز کرده  
ما هم دارا هستیم ، وزارت عدلیه ، معارف ، تجارت ،  
خارجی ، داخله ، فلاحه و - و - و همه را داریم روی  
از روی اصناف جزاسم رسمی هیچ موجود نداریم ؟  
از طرف دیگر ملاحظهٔ دستگاه روحانی را بنمایند ،  
فائدام ، جانشین پیغمبر ، مروج شریعت گفته می‌شوند ،  
و باید هم باشند ، ولی سرتیکه از موالیانشان در سیر  
و تواریح دیده می‌شود ، ابداء در آنها نمی‌بینیم ، اسلام  
و عروج اسلامیان را فقط در رونق مسجد و  
حجاب و مجلس درس خود تصور می‌کنند ، با کمال  
اقتضار می‌گویند حکم امیرالمؤمنین علیه السلام چنین  
شجاع بود ، چنین جهاد کرد ، چنین از پیغمبر دفاع  
فرمود ، همچو صف آری لشکر می‌نمود ، ولی بای  
عمل که میان می‌آمد شأن خود را احل بر این میدانند که  
دست بشمشیر و تنگ بزنند ، و حال آنکه از اعلام مؤمن  
یکی را این شمرده اند که شب و قدیکه بخواب رود منتظر  
فرح و ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه باشد ، و باید  
یاری آن بزرگوار از خواب برخیزد ، در صورتیکه حضرت  
حجت خود با شمشیر و قوه بازو دفع دشمنان نماید ،  
چرا نباید توابع عام آن بزرگوار نیز اقل از اصول  
طنین و ضرب واقف باشند ، با کدام نیرو و قوت  
عالمی متاایب خواهند کرد حجت خود عجل الله فرجه را ؟

بالجمله ، چون در جمیع مواد جزئی و کلی ملت و  
دولت بدقت ملاحظه کنیم ، خواهیم دید داراییه ملک  
روپوش و غلاف ظاهری است ، و ابداء حقیقتی در آنها  
موقوف نیست ، جمیع قنایس و خرابی ما از همین  
قطعه است و بس ، ورنه هرگز ، موضوع رقابت  
همسایگان خود با این همه جمعیت اسباب نمی‌شدم ، بلکه  
امروز روز باید مالک بالاستحقاق جمع آسیا باشیم  
از موضوع خود خارج نشویم ، دعای باطل  
السحر این اتحاد من حیث المقدمه اتحاد ملت و دولت  
است ، شاید برخی از دانشمندان روشن دماغ ،  
فرمایند حکم الخدایه این اتحاد موجود است ، چه  
ملت ایران همواره بشاه پرستی ناسزد بوده و هست ،  
ولی این خیال نیز مثل سایر خیالات ما با لفظ و اسم تمام  
شده ، حقیقت اگر درست ملاحظه شود معنی اتحاد  
ملت و دولت را ، نه اعضای دولت دانسته ، و نه ارکان  
ملت فهمیده اند ، هنوز ملت ایران آنچه بدولت میدهد  
خیال میکند حرام شده ، و بهدر رفت ، نه دنیایش را  
مفید است ، نه آخرتسرا نافع ، و دولتسراهم آنچه  
بتواند از مات بگیرند گمان می‌نمایند فحقیق بیخشان آمده ،  
و در نفس الامر خود را مستوجب گرفتن آن نمی‌دانند  
این است که رقابتی ایران در خارج و داخل مانند قیم



لازم به بیان نیست که مهربانی از دو سوست ، این فرقه نیز دولتیار را ظلمه و قاصب شهرت داده اعانت با آنها و همراهی بدیشان ، و اموالیک از برود دولت بدست آنها می آمد حرام قرار دادند و مفتاح حاکمیتش را نیز در قبضه خود گرفتند ، چون آنرا و خود این طبقه طبیعی بوده است حق در بسیاری از رجال دولت نیز همین عقاید سرایت کرده ، تصرف در اموالیک از دولت اندوخته با اجازه عامای می نمایند ، آنها بیچاره در نظر پادشاه علما را بدخواه دولت قرار داده براساس منافع شخصی و آزادی مطلقه خود بود ، چه اگر علما مشاور و مجالس با سلاطین بودند وزرا بدین پایه تسلط می رسیدند ، نه خود سری دولت باین اندازه می شد ، نه این همه خرابیها در ملک و ملت و دولت روی می نمود ، چون درین گونه مقالات مهمه که ضرورتش راجع به امامت است مدافعه و تدارک در شریعت اخبار نگاری حرام است

شاه برستی ایرانیان که جلی است تسلیم نمیکنم ، امروز این سخنان تدارک و نفاق است ، از عدم مداخله و همراهی کامله روحانین در امور دولت ، و بواسطه ظلم و تعدی و زیادتی حکام و اعیان و هرکس که منسوب بدولت است ، فرد فرد نفوس از هر طبقه منتست از دوات متفر است ، نه از شخص پادشاه ، و امروز بنونت کامله در مات و دولت محسوس میشود ، و هرکس بولینصمت کل غیر ازین بجهانند یا از کم و کیف واقف نیست ، و یا عمداً بدولت متبوعه خود خیانت کرده است ، از همه بدر راه ها باز و چشم و گوشها گشوده شده ، مات از یک طرف فلاکت و بدبختی خود را در خارجه و مشاعده میکند ، و از طرف دیگر حریت و عزت و سیادت اجنیدان را در داخله مینگردد ، و تزعزع دولت را در اخبارات اجانب میخواند ، خواه غمخوار سخنان طبنه روحانین که امروزه قانین آنها شناخته شده تصدیق کرده بنونتشان بادوات پیش و رجوعشان بروحانین زیاد میگردد ، خوب باید ، مفید یا مضر کار نداریم ، چه توان کرد که امروزه روز جز علما در مات ایران قانیدی یافت نمی شود و تا وقتی که برای مات قانین دیگر پیدا شود ، و بتدبیر و اسبابی که جداگانه دولت مات را با خود همخیال و متحد سازد ، مدتی مدید می خواهد ، چون شالوده ، مذهب نبیه بر عظمت و بزرگی این طایفه گذارده شده امکان ندارد بدون تغییرات فذعی و تبدیلات عقیدتی این امر صورت بندد ، رسوخ این طایفه در خانه شیعیان کمتر از خود تکی در فرقه روشن گرایان نیست

چون این مسئله مسامحه جمیع سیاستپون است چندان لازم به بحث و بیان دلیل نمیدانم ، در این که امروز مات ایران جاهل محفوق و مضار و منافع خویش اند جای هیچ شبه نیست ، و این مسئله نیز مبرهن است که اگر فرد فرد رجال دولت در عقل و دانش و تدبیر بسیار آسانی شوند تا مات همراهی با آنها نکنند هیچ کار از پیش شان نرود ، و هرکس جز این را عنیده داشته باشد ، البته راه خطا پیوده است ، اما مات ایران تا وقتی طرف غالب طرف بهارف عصر و دانا بمنغذات وقت نگرددند ، دانا یا با بسیارک مانند خود را پیروی نخواهند کرد ، نه تنها آنها را قانند و سائق به ترقی خود نخواهند شمرد ، بلکه همراه چشم مخالفت و به نظر مبارکشان خواهند نگریست قانند ملت عبارت از آست که بدون قواسمی خبریه کلامش در قلوب رسوخ و نفوذ داشته باشد ، و این گونه قانین در ایران امروز منحصر است برؤسای روحانی و علمای ربانی ترقه امثالهم ، و این منال قضیه محکم حجة الاسلام میرزا بی شیرازی تاپ تراه در منع شرب دخانیات کافی تواند بود ، این حکم که از يك قصبه کوچک عراق عرب صادر شد با تا کراف بجمیع بلاد ایران منشر گردید ، فرمان سلطنت و امتیاز دولت را سرنگون و زیر و بالا نمود ، هج ترابیک این حکم محکم در ارکان دولت و حرمسرای سلطنت هم نفوذ خود را بسی بخشید که دولت ناچار قبول خساره عظیم نموده آن امتیاز را باطل ساخت ، معلوم است که هرگاه این گونه قانین مات همراهی و معیت با خیالات دولت نمایند مشکل ترین و صعبترین امور برای آن آسان گردد ، و چهل کروار نفوس در بذل مال و جان در راه دولت حاضر گردید ، و در همراهی این قانین میتوان شالوده جمیع نیک بختی و سعادت و سیادت ملی را گذارد بزرگ ترین خطاهای دولتیان ما درین قرن اخیر این بود که ازین قدرت خدا داد استفاده نموده سهل است ضررهای کلی از اختلاف و تضاد این فرقه را حاصل نموده اند ، و این بنونت را وزرا و رجال خود فرض از زبان مرحوم عباس میرزای و جنبش علما بر شکست معاهده گلستان واقع گردید ، و اندک اندک این فرقه را در نظر پادشاهان مخالف و معاند دولت جلوه داده ، و در عالیدان نیز چنین شهرت دادند که جمیع بدبختیهای مات و دولت ایرانرا علت این فرقه روحانیان است

فرشاً اگر حجة الاسلام آقای آقا میر سید محمد طباطبائی به طمله العالی که امروزه دارای نفوذ کله و واقع بمواقف عدل و عربی معارف اند وزیر علوم شوند ، العیاذ بالله آیا خلاف شرع واقع خواهند شد . یا رشته امور ملک و مات از هم خواهد گسیخت ، شاید برخی چنین تصور کنند که از عهده کار بر نخواهند آمد و سخن مهمل است ، چه بمشاهدات و تجربیات می بینم که این سخن خلاف عمل بین است

اما فایده این عمل آن است که اگر وزارت علوم بیکی ازین گونه علما می معروف بزرگ سپرده شود ، با اقدامات چنین وزارت که بمشوره و همه علما باشد دولت بدون زحمت در سه ماه میتواند تمام مات را اجباری قرار داده و در هر شهر و قریه و قصبه مدارس باندازه نفوس آن شهر دائر نموده و تمام مصارف آن را هم سرشکن بر مالیات کرده بلا کراهت بلکه در کمال رغبت از مات حاصل نماید

همین قسم است سایر ادارات دولتی ، نهایت اینکه چون درین اوان زرم نشده که بمخدمات دولت اسلام علما در آیند امری قابله میباشد ، و همین قابله بودن این امور سب گردیده است این همه خرابیهای ما را ، وقتی ملاحظه سوانح عمری خواجه ابوالدین طوسی و شیخ بهاءالدین آملی و غیره از علما رحمة الله علیهم را بخائیم ، بدون کلام قابله بودن این امر مرفوع خواهند شد . مگر دولت ایران - سلطنت اسلامی نیست؟ آیا کسی میتواند شرطاً یا صرفاً انکار نماید ، که خدمت بدولت اسلام با نیت خالص و قصد نجات و خلاص از جنگ اعدای دین افضل العبادات است ؟

منصود ازین بیان آن نیست که دولت علیه علما را اعلام را بوزارت خود برگردد ، بلکه منظور آنستکه البته باید دولت از مشورت و شرکت علما در امور سلطنت استفاده حاصل نموده ، اتحاد دولت و مات که شالوده ترقی و اساس بیک بحقی و سعادت است حاصل نماید

دولتین اگر حق مطلب و مخاطرات آتیه دولت را بهای اعلام حالی نموده ، آنها را در اقدامات ترقی خواهند ملک با خود شریک نکرده ، نخواهند جاده ترقی را به پیمانده راه یکروزه را کم از یکسال نتوانستند ، و هر دولت تمام خواهد شد در مناقشات ملی و رقابتهای داخلی شرع و عرفی که هیچ وجود خارجی برمی آن تصور نتوان کرد

باجمله در جزو نیکه دولتند . ملک دارا نیکه ملک منعب و یک لذت و اولاد یک وطن و با یکدیگر مقصد و شریک التفع والضرر اند ، چه ضرر دارد که برای های دور و دیراز - ترقی خود و ملت خویش را دجله مهلاک بساخته با سهل ترین طریقه و نیکو ترین وجه اتحاد معنوی حزبی با علما اعلام حاصل ، و در سایه این اتحاد مات و دولت را بقسی یگانه نایم که در راه وطن از هیچ دریغ ندارند

شک نیست که اگر دولتین نخواهند دولت ترقی نماید میتواند ، و هر چه طایل با اصلاحات باشند و بدون غل و غش با درون صاف صورت معاملات و آتیه مخاطرات را بهما حلی نمایند و در امور ملک و مات و دولت آنها را شریک المشوره قرار دهند ، بدون شک و ریب در راه ترقی و حفظ مات و دولت سر از با تناخته و درمتهای سرعت با یک هیئت نوعیه و جنبش غیررأیه وطنیه بدان مقام و مرتبه که باید برسیم توانیم رسید .

اگر علما با دولت همراه شوند و دولت قشون بخواند تربیت کند ، در عرصه سه ماه یک مایون نفوس را میتواند تحت السلاح آورد ، که بدوا میدان مشتقان سخن مساجد باشد ، و هر قسم مالیات و گمرک و عوارض که دولت بخواند بر مات زیاد کند ، با همراهی علما در قلیل زمان بدون آنکه صدا از احدی بلند شود میتواند جاری داشت .

افسوس که یکصد سال است دولتین خود غرض دولت را از استفاده این قدرت نامه خدا داده باز داشته ، ما را از پایه اولین قدرت تنزل داده به پستترین حالت آورده اند!

این مراتب که ذکر شد در صورتی صورت بنده که واقعاً رجال خیر خواه دولت قصد اصلاح و ترقی داشته باشند ، و از روی حقیقت مطالب را زیر بحث آورده حلاجی کرده خواهند استفاده نمایند

شک نیست که امروز روز علما اعلام چنانچه شاید و باید از وضع پلینیک و سیاست دول موجوده واقف نیستند ، ولی واقف نبودنشان را فعلاً نمیتوان سد این راه ترقی قرار داد ، چه لاریب اول این طایفه بواسطه تفکرات ذهنیه سیقل خورده بقینا اگر توجه در این مطالب نمایند - بهتر از دیگران بحل نامضات مسائل سیاسی می خواهند بود .

## مکتوب از تریز

( من چه گویم در همه ده زنده گو )

( سویی آب زندگی بپوشد گو )

باری حرف ما در ارمنه و اعمال فاسده آنها بود. ممود آنکه فرماندهی نمی باید این فرقه را تا این پایه اختیار داد، و بکارهای بزرگ داخل کرد، و لازم است که همواره مراقبت حرکات و اطوار آنها نمود. یاد دارم يك وقت که در تبریز کار خفته نویسی خیلی قوت و انتشار پیدا کرده بود، شخصی چنین گفت: خوب است جوی از این خفته نویسان را با ارمنه بکارند، تا از محاسبات امور آنان آگاه گردند، ورنه در شاه برستی نژاد ایرانی جای شک و شبه نیست، بی دولت راست که احتیاط لازم را از دست ندهد، و بدین مسأله حالیه این طیفه (که از غم بی آلتی مفردهاند) مفتون نگردد، که گفته اند

یا راقد اللیل مسروراً باوله

ان الحرات قد یطرقت اسحاراً

در حالیکه بدفاهات اسلحه و آلات مدافله بسیار در دست این طیفه گرد آورده شده، دیگر چه جای حسن ظن و اطمینان است، حکومت تبریز و سایر بلاد که ارمنه در آن وسوسه دارند، می توانند بقتله مأمورهای چند بتغیض اسلحه بکاشته و از خیالاتشان با خبر گردند. در جاییکه دولت متعهد حفظ و نگاهداری شان شده، دیگر چه حق ادخار اسلحه دارند، و چرا در جمع کردن اسباب مدافله می باشند. بل، اگر حکومت های بلاد عمل تقیض را مجری میدانند هم لازمه احتیاط را سر بی داشته، و هم مسائلی از جمله تغذیه ای بر قیمت و سایر اسلحه که بدست می افتاد و مع دولت می گشت، اجمالاً این مسئله خیلی مهم، و اهمال لرذلی نیست، وقایع بادکوبه و غیره برای ما مایه عبرت تواند، بود اگر دیده عبرت بین داشته باشیم فضایی که در بادکوبه واقع شده دل شک را درد می آورد، خصوصاً در حق ایرانیان بی سامان، که اکثر تلفات واقعه ای بادکوبه و نخب جوان عبارت از این بیچارگان بوده است می گمتم در بادکوبه از خفاة يك ارمنی دوارده نش حال بیرون آورده اند، که صاحب خانه بدوشان باری داده، و همین که بخانه

دوون می آمد از حیات بی بهره شان می نمود، معلومست که نام فله و عمله و حالهای بادکوبه از بد بخت ایرانیان می باشند، وضع رعایای ایران در بلاد روس خصوص بادکوبه نهایت حزن آور و دلخراش است، چنانچه فله و حال ایرانی مانند مور و ملخ در کوزه و بازار منتشر، و با نهایت ذلت و سفلی گذران مینمایند، در این حالت بالطبع اکثر زیر پا رفتگان و مصیبت زدگان رعیت ایرانی بوده است، که بدون گناه در میان تلف میشوند دولت نیز توجهی بحال این رعایای سیه روز خود نمیکند، و ابداً بحسام چاره جوی و علاج بر نمی آید. برادران ما را چون اغنام سر می برند، ما ابداً اعتنا نمی کنیم، و مثل يك کنجشکی نیز بحساب نمی آوریم، آیا این قدر خون رعایای ایرانی که ریخته شده بگردن کیست؟ سایر دول همینکه در يك شهری از خارجه علامت غوغا نمایان شد، همان ساعت رسماً بدولت مقابل اعلام می کنند، که جان و مال رعایای او را با اهتمام تمام حفظ کند و خود -واره و مستحفظ از برای حراست قوسولحانه و خانهای رعایایشان محل شورش گسیل میدارند، آیا مأمورین دولت ما از چه باین امور توجه نمی فرمایند؟

در ارومیه يك نفر انگلیس کشته میشود بعد از هزار ماجری بخواه هزار تومان خونپارا از ما میگیرند، و سوارهای هندی که (تخم جدیدی است) در سوارت و قوسلات انگلیس ندین میگردند (نمیدانم بخونبهای این ایرانیان يك پیازی خواهند داد، یا خبرالمال مال الله خواهند گفت، رعیت ایرانی چرا باید ایندرجه خوار و چیدار باشد؟ آنکه بنظر می آید -بب این همه چیداری مأمورین خودمان است، اگر در این مواقع تکلیف خود را بجا آورند، یعنی مثل سایر دول از دولت روس حراست ایرانیان را جداً بخواهند و پای افشردن چنین می شود، این ذلت و خواری ما از آن است که طرف مقابل می بیند که هرچه توسری می خوریم، باز گردن پائین می افکنیم، و میگویم بزن که (من ملک بدن وقف تو کردم بتمت)

آنوقت کیست که ازین غنیمت دست بردارد، البته چون اینگونه استسلام و سکوت ارما میدهند، نه در خیال قوسولحانه، ما میشوند، و نه بکر هموطن ما میکنند



نوشتن تمام نمیشود، این است وضع مأمورین ایران و شرح بی‌خمانی ما ایرانیان. که دل هر سنگ دل بر آن می‌سوزد، و عوض اشک خون می‌گیرد (ای دل آزر سنگ نشی خون‌گری)

این مطالب آخری اگرچه جمله مترضه است. ولی در اهمیت از مطالب، صود یعنی فتره ارامنه کمتر نیست. باید دولت باین امور توجه کامل فرماید، و علاج واقعه‌ها را پیش از وقوع بنماید. چنانچه امیدواریم پس از ورود اعلیحضرت هاپونی دارالخلافه اکثر امور در هم برهم را صورت صحیح بدهند. خصوصاً مسئله ارامنه را نباید هیچ اهمال نمود. چنانچه گفتیم باین مسأله و رفق حاضر اعتبار نتوان کرد، باید جانب احتیاط را از دست نگذاشت و کار را محکم گرفت. که در آتیه مورت پشیمانی نگردد و چه خوش گشته است نصر بن سبار

(اری بین الرماد میبض نار)

(واضحی ان یكون لها ضرام)

(قال النار بالعودین ترقی)

(و ان الحرب اولها كلام)

(قللت من التعجب لبت شعری)

(الایضا امینه ام ینام)

(ع. . . . .)

### مکتوب از بهرام آباد رفسنجان

عمل مالیات و مداخل حکام در کرمان طوری اتفاق افتاده که از قانون حساب و دفتر مالیاتی بکلی خارج شده. عمال گویا مأمورانند فقط بقدر مقدور رعیت را تا راج نمایند، اگر پیشرفت نمود که مالیات آن محل بدار و وصول و ضابط هم بار خود را بار کرده و اگر نتوانست مبنای باقی دارد و مقروض خواهد شد یکی از حکام ذی احتشام حالیه در ورود با نهایت انصاف چنین نطق فرمود: «حکومت کرمان بسته باقبال و پیشرفت حکومت است. اگر تاراج توانست نمود فها، و الا باقی دار است. بجهت آنکه مالیات منحصر بملکتابچه دولت نیست، چه لامحاله حکومت معظم باوجود مخارج زیاد لا اقل بقدر ثلث مالیات خرج لازم دارد. عمال و ضابط هر کدام هرگاه از طهران آمده باشند، کمتر از پست هزار تومان و ده

و حق دارند، چنانکه با اذیتای خود داد رسی نکنیم، و بهزارها که مظلوم و بیگناه خونشان ریخته شده و حق تمام، از همسایه چه جای توقع بجا است

باری دامنه سخن دراز است، بهتر آنکه این حرفهای سرد و دلریش کوتاه کنیم، اما چگونه کنیم که دل آشفته را تاب تحمل و ضبط ایندردهای ناگوار نیست، باز بگفتن و نوشتن تخفیف پیدا می‌کنند، توصیف و تعریف وزیر خارجه جناب مشیرالدوله و اداره جابله وزارت را می‌شنویم، و چون مسئله بتواتر رسیده بصحت و راستی این گفته اطمینان و تصدیق میکنیم، لکن چون بعضی شبهه‌های این وزارت مثل (کارگذاری) این شهر بنگریم خیلی بر تعجب مان می‌افزاید، که آیا امورات مرکز هم همین جور است؟ یا بطور شده که جناب مشیرالدوله از وضع کارگذاری این شهر با خبر نبوده‌اند، در بیانات وضع این کارگذاری همین یک کلمه

کفایت است که وقتی یکی از روزنامه‌ها بیکه انگلیس نوشته بود: «در تبریز باوجود جناب . . . کارگذار قونسل روس لازم نیست، می‌توان اداره کارگذاری را مثل یک جزو قونسولگری روس دانست، که هرچه از آن مصدر عظمت فرمانی صادر شود، اجرای آن فوراً بشده این اداره است، و مسئله طرف‌گیری اداره کارگذاری از همسایه شاهی مشهور است و منحصراً ندارد، از برای آنکه صدق و کذب این مسئله از برای عموم درست واضح و آشکار شود، بزبان روزنامه مقدس خواهشمندیم که هرکس خلاف این گفته را معتقد است بداره و زناجیات بنویسد، که هم حق واقع آشکار شود و هم بی‌غرض و یا با غرض بودن نگارنده مکتوب معلوم گردد، از بسکه این اداره طرف همسایه را منظور میدارد، از بعض سواره‌های قفقاز که در خدمت مهندسی روس هستند هر روز یک تعدی باصناف بچاره میرسد، کسی هم عریضه شکایت ایشان را نمی‌خواند، بقال و علاف و عطار و . . . و همه از دست این سوارهای وحشی قفقاز در امانند.

یکی از ایشان با یک نفر از کسبه در روی خرید و فروش چیزی بسخن آمده، و عاقبت سواره ققازی برقیش گفت «فلانی مرده که را بزین ببرد خونش را خود میدهم، این قبیل مطالب آن قدر هست که بگفتن و

انقباض بنگران نامه حندن مکرر و با تازنده مبارکه شرح حال بلوچستان و فروختن و اسر و نهب ضابط را خریدارند خوب است امنای دولت اندکی توجه فرموده درین مطالب بزرگ رسیدگی فرمایند. اگر دروغ است باید مدیر محترم را منع و همان اخبار دروختن را تردید فرمایند. و اگر واقعیت دارد رعیت شاهنشاه را (علاوه بر اینکه فروختن اسیر امروز دور از تمدن و تهذیب تمام دول بزرگ و ممنوع شده) با وجودیکه همه مذهب اسلام هم دارند، بجه قانون اسیر کرده در مسقط و غیره میفروشند. مالیات بلوچستان در کتابچه دولت معین است. ضابط بخواه هزار تومان بدهد علاوه از اینکه کمتر از ده هزار و بیست هزار تومان نیز خود تمامی جاب قائمه ندارد. حال اغلب بلوکات همین است در آخر سال ضابط هزار تومان یا کمتر میدهد که برود چهل روز راور - زونف کوهنیا باند. در صورتیکه یکدینار از مالیات در محل باقی نیست و ضابط علاوه از مالیات ده هزار تومان هم رعایا را جریمه و تاراج کرده. عموم رعیت را چار به یزد و اطراف پراکنده میشوند. بسم اینصکه هزار تومان از بابت تدبیم وصول و هزار تومان بجه خود بگیرد. حالت گرمسیرات رودبار و حال بازر و جیرفت را تا حکمی ملاحظه نکنند نخواهد فهمید. چه میباشد. مثلاً یک نفر که استعداد دارد قلمه دارد ناچار محض حفظ خود مالیات خود را داده تا اوقات ضابط را برداخته آنوقت باز میخواهند دست اندازی بکنند و مینویسند فلان شخص باعی دولت شده. نوکری ضابط را زده. آنوقت جماعتی دیگر را که با آنها دشمنی دارند. مأمور بسرکوبی و غارت آنها مینمایند. آنان نیز میروند جماعتی زخمی یا کشته شده بر میگردند. تمام قصور ضابط است مثل حکایت سیرجان و ایلات آنجا که اکنون واقع شده. اول بنای این کار را میرزا رحیم خان بروجردی نهاد. که افشارها را بر بیجاقتی مسلط کرد. تاکنون چه قدر کشته و اموالشان غارت شده. لهذا هر چند مالسه ابتدای سال براسیے عاملی و ضابطی و کلانتری حق وزارت مابین همان تفریق پیدا شده. اهالی دیدند بنای فرض در میان است و برای تاراج رعایا نزاع مینمایند. بهر حال شده آنچه نباید بود

هزار تومان کفایت حال آنها را نمینماید. از این است که بعضی رسیدن در بلوک بنای تاراج کردن. جریمه نمودن. غارت کردن را می گذارند. هرکس قوه فرار دارد به یزد، کرمان، خراسان، فرار میکند هرکس گرفتار شد مبلقی داده باز آسوده نمی شود. دولت، کرک، قبان داری، دلالی، مالیات، خبازی، و قصابی، را معاف فرموده. لکن در سیرجان میگیرند. همین قسم در شهر و بلوکات دیگر هر کجا ممکن شد بسته بجزرت و هور و شجاعت ضابط یا کلانتر است

به نمک شاهنشاه اسلام آنچه در این عریضه عرض می شود تمام حدیث گوئی است که امنای دولت ابد مدت کلیه علاج درد محسوس را بنمایند. که بعضی گنگوها باند شود. زیرا که ماخذ جمیع گفتگوهای مذهبی و اساس کلیه اغتشاشات همین عاملها و ضابطها میباشد که شرح آن در خور درج نیست

مسلم است رعیت که مثل گنجشک همیشه از ترس قرضی بهر جا گریزان است و بهر طرف می رود بنامی می بیند. لامانجا میگردد به یزد می رود تلگراف میکند. عریضه دولت و امنای دولت میدهد. نظم مینماید. عریضه هایشان هم از مصدر عدالت دولت ابد مدت و حضرت صدارت عظمی جواب کافی و حکم بداد خواهی میرسد. باوجود این بکلی اثر نمینماید و فایده جز پول تلگراف دادن ندارد. حتی اگر امینی هم از دولت در کرمان باشد احکام دولت را نمیتواند اجرا دارد. یا عمداً نمیدارد. در اینصورت حالت رعیت معلوم است و الفرقی یتثبت بکل حشیش. گاهی زیر بیدق مخالف، بی نتیجه موافق. گاهی باستان این و آن بدهند می شوند

به حضور امنای دولت ابد مدت پوشیده نباشد صکه به نمک شاهنشاه اسلام قسم که در تمام ایران سالم تر و قوی تر و مطیع تر از رعیت کرمان در اطاعت او اسر دولت رعیتی نیست. اگر یک نفر فرانس از دولت در مرکز نشسته اسر کند تمام مالیات خود را بیاورید. همگی مالیات را روی سر گذارده می رسانند

لاکن رعیت بیچاره چه بکند. بقدری جزرت و جلادت و نللم و بی انصافی و بی آذری ضابط زیاد شده که فروختن رعیت پادشاه اسلام را هم جزو عمل و مداخل ولایتی قرار داده اند. بومی یا غریب فرق نمیکند.

کتابخانه یکی از روزهای با هاشم ایران

(از شماره ۱۲)

کتابخانه غیبی

هرکس که بخواهد بهمد عقل انسانی قابل چه معجزات میباشد ، باید ایندستگاه دیوانرا تحقیق بکند ، نظم ، آسایش ، و آبادی ، و بزرگی ، و جمیع ترقیات اروپ از حسن تربیت ایندستگاهست ، بحدیکه اگر فرضاً ایندستگاه معظم علی الفلّه از دول فرنگ برداشته شود ، همان ساعت تمام ممالک فرنگ بصورت بلوچستان خواهد افتاد وضع و اصول ایندستگاه حیرت انگیز ، که خلاصه نتایج عقول بشری میتوان گفت ، در ایران بکلی مجهول است ، در اختراعات صنایع ، هر قدر که از عمل فرنگ آّب افتاده ایم ، در این فن تربیت دستگاه دیوان صد مرتبه بیشتر آّب و غافل و دور مانده ایم ، زیرا ما در ایندو هزار سال در عوالم صنایع فی الجمله ترقی کرده ایم ، چنانکه عوض تیر و کمان توب و تفنگ داریم ، ولی در علم تربیت دستگاه دیوان اصلاً ترقی نکرده ایم ، چنانکه دو هزار سال قبل ازین هر طور که مالیات میگرفتیم امروز همان طریق میگیریم ، ( در اینقره صاحب کتابچه اغراض فرموده ، زیرا قبل از استیلای عرب و هجوم تاتار دستگاه دیوان ما منظمتر بود ، وضع حالایی یادگار منول و تاتار است )

رسم حکومت و تقسیم ولایت و تربیت استیفا و عموم شقوق احوال دیوان هنوز در حال سه هزار سال قبل ازین باقی هستند ، بنا بر این ملاحظات احیای ایران موقوف بر یک نکته واحدست ، و آن اینست ، که اولیای دولت ، این حقیقت واضح را اعتراف نمایند ، که دستگاه دیوان ایران ، سه هزار سال آّب مانده است ، و بیال یورپ در این سه هزار سال چنان دستگاهی اختراع کرده اند ، که سبت آن با دستگاه دیوان ما ، مثل سبت کشتی صد و پست توبی با زورقهای ترکمن است ، هر وزیر که منکر این حقیقت باشد ، من کدخدای ده خود نخواهم نمود ، پس هرگاه راست است که نظم دولت موقوف بنظم دستگاه دیوانست ، و هرگاه قبول دارید دستگاه دیوان در ایران سه هزار سال آّب مانده ، پس لابد ، یا باید بزم قوی ، کرمهت را در تجدید دستگاه دیوان به جتید ، و یا آنکه منول رئیس

ها این شووا بادتجان صحیح روکیاب جرحه را از دست ندهید ، و لکن دیگر نگویید ایران نظم بر نهدارد ، و نگویید معایب هزارساله را چگونه میتوان رفع کرد؟ ( من بنده میگویم ، چنانکه دولت ژاپون رفع کرد ) بذات ذوالحلال عالم ، و بحق اولیای اسلام ، و نمک بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ، که دولت ایران را در سه ماه مینوان بقدر سه هزار سال ترقی داد ، ولی ، نه بآن رسی که شما پیش گرفته اید ، اگر شما بخواهید راه ترقی را بصل خود پیدا نمایید ، باید تا سه هزار سال دیگر ما منتظر بانیم راه ترقی و اصول نظم را فرنگها درین سه هزارسال بدست داده اند ، مثلاً اصول تلگراف را پیدا کرده و بر روی قوانین معینه تربیت داده اند ، همانطوریکه تلگراف را میتوان از فرنگ آورد ، و بدون زحمت در طهران صکار کرده بهانطور نیز میتوان اصول نظم ایشانرا اخذ کرد ، و بدون معطلی در ایران برقرار ساخت ، و لکن چنانکه مکرر عرض کرده ام ، باز هم تکرار خواهم کرد ، هرگاه بخواهید اصول نظم را شما خود اختراع نمایید ، مثل این خواهد بود ، که بخواهید علم تیاگرافیا را از پیش خود ابتدا نمایید -

آقای فضول بخشید ما هیچ میل نداریم که دین خود را از دست بدهیم ما هر وقت بخواهیم از دین بیرون برویم شارا خبر میکنیم ، و قوانین فرنگ را هم طوریکه دلخواه توست اخذ میکنیم ، اما حالا زحمت بجا میکنی خدا با ما داده است ، و هیچ احتیاج بدرس فرنگی نداریم - گذشته از اینها اینجا ایراست ، فرنگ نیست ، که هرکس هر چه بخواهد بجرا بدارد ، علما و مجتهدین پوست از سر ما میکنند تو بخیالت این نظم حساب میکنی ما نغیدانیم هیات! بخدا! نظماً میدانیم که پدر فرنگی هم آتش نرسیده است ، اما چه فایده ما هزاردود داریم که تو از هیچ يك خبر نداری !!! اینجا ایران است ا رفیق ا

نمی شود امکان نیست نمی شود امکان است سرکار وزیر ، انحرافها مدتی است که ممکنه شده چهار مجتهدین و مفتدیان دین را بجهت منم میکنند و بدانید اینک در ایران هر چه کسی یافت شود که معنی نظم اروپ را بفهمد در میان مجتهدین است و آنکسی از کجا فهمیدید که اصول نظم فرنگ مخالف شریعت اسلام است بمن هر چه قرار بگذارم مسئولان دیوان

یول دولت را که پست للملك مسالین است نغزند و نغزند. مجتهدین عظام چه حرفی خواهند داشت؟ ترتیب مناسب دیوان چه منازعات با شریعت دارد؟ انتظام دولت مذق هیچ مذهب نیست، مگر مذهب اشعاری که نزدی ایشان حاصل و دلیل اغتشاش اوضاع است.

معایب دستگاه دیوان در ایران بر هیچکس مخفی نیست، و مراتب اغتشاش اوضاع ما تا بحال بقدر کفایت نگاشته شده است. اکنون باید دید که رفع معایب ایران و تنظیم دستگاه دیوان چگونه میسر خواهد شد.

بجهت شرح و تفهیم این مطلب عمده، باید اول بعضی اصطلاحات علم تمدن را که در ایران چندان معروف نیست مختصراً بیان بکنم. آن دستگاهی که در میان يك ملت مستقیم منشاء امر و نهی میشود آنرا حکومت میگویند، و در هر قومیکه از حالت وحشیت بیرون آمده است لاعماله يك حکومتی هست، حکومت چند ترکیب مختلف دارد. هرگاه در يك طایفه حکومت کل در دست يك نفر باشد، و اجرای حکومت در خانواده آن یک نفر موروثی باشد، ترکیب آن حکومت را سلطنت میگویند، اگر حکومت یککتابیه موافق يك قرار معین نباشد بنوعت باشعاص مختلف منتقل شود، ترکیب آن حکومت را جمهوری مینامند. هر حکمی که از حکومت صادر شود و مبنی بر صلاح عامه طایفه باشد، و اطاعت آن بالمساوی بر افراد طایفه لازم بیاید. آن حکم را قانون میگویند حکومت مرکب است از دو نوع اختیار، یکی اختیار وضع قانون - و دیگر اختیار اجرای قانون - سلطنت نیز دو ترکیب دارد. در حکومتیکه هم اختیار وضع قانون و هم اختیار اجرای قانون در دست پادشاه است ترکیب آن حکومت را سلطنت مطلقه میگویند، مثل سلطنت روس و عثمانی، و در هر حکومتی که اجرای قانون با پادشاه و وضع قانون با ملت است ترکیب آن حکومت را سلطنت معتدله مینامند، مثل سلطنت انگلیس، که نظم و پیشرفت حکومت موقوف بجدایی این دو اختیار حکومت است وضع سلطنتهای معتدل، بحالت ایران اصلاً مناسبی ندارد، چیزی که بر ما لازم است تمهیداً اوضاع سلطنتهای مطلق است، سلطنت مطلق نیز بر دو قسم است، يك سلطنت مطلق منظم - دیگری سلطنتهای مطلق غیر منظم -

۱. دو سلطنتهای مطلق اینچنین مثل روسیه و عثمانی، اگر چه پادشاه هر دو اختیار حکومت را کاملاً بدست خود دارد، و لکن بجهت نظم دولت، و حفظ قدرت شخص خود، این دو اختیار را هرگز مخلوط هم استعمال نمیکنند، مثلاً هرگز نمی شود که سلاطین روس و نهمه پور برای خود اختیار بدهند، که هم وضع قانون بکنند و هم اجرای قانون، این دو اختیار از هم دیگر فرق کلی دارند، در سلطنتهای مطلق غیر منظم فرق این دو اختیار را قهیمیده اند، و هر دو را مخلوط هم استعمال میکنند، و در هر سلطنتی که این دو اختیار مخلوط بوده و زرا همیشه بساطان مسلط بوده اند.

و در سلطنت مطلق هر قدر این دو اختیار جدا بوده، قدرت پادشاه بیشتر و دستگاه حکومت منظم تر بوده است، دلیل این فقره واضح است، زیرا که در ظهور اراده پادشاهی دو چیز ملاحظه میشود: یکی اجرای اراده، دیگری طریقه اجرای اراده، مثلاً وقتی پادشاه حکم میکند که از فلان ولایت باید سالی يك کروزر گرفته شود، بدیهی است که این مالیات را هر چه قسم میتوان گرفت، ولی اگر بخواهند از روی قاعده بگیرند، لازم می آید اول قاعده را مشخص بکنند، پس این حکم پادشاه که دو عمل علیحده لازم دارد: که یکی گرفتن مالیات، و یکی تعیین قاعده گرفتن مالیات، هرگاه این دو عمل را پادشاه بيك شخص و یا چند شخص واگذار بدیهی است که این اشخاص مالیات را خواهند گرفت، اما بطریقی که مناسب صلاح شخصی خود بدانند، و ممکن نیست بواسطه عدم تعیین قواعد مناسب اختیار عمل خود را محدود بکنند، و لکن هرگاه پادشاه چند نفر را مخصوصاً بگارد که قاعده تحصیل مالیات را معین بکنند و بعد موافق همان قاعده چند نفر دیگر را مأمور تحصیل مالیات بنماید، آنوقت واضحین قاعده بواسطه عدم منافع شخصی خود، تکالیف مأمورین تحصیل مالیات را، بنوعی معین خواهند کرد، که راه تقلب و ظلم مسدود، و عمل دیوان بقدر امکانات منظم باشد، و نیز تصور برمایید که يك سردار را با بخواه هزار نفر آدم مأمور بيك ولایت بکنید، هرگاه این بخواه هزار نفر محکوم هیچ قاعده نباشند، معلوم است، حالت لشکر چه خواهد بود، و اگر وضع قانون بچند سردار باشد، باز مثل اینست

و برای فهم مطالب حاضر گشتند. خاطر خطیر هیون  
اعلی که هماره در بث بساط معدلات و رعیت پروری  
متوجه است، اکیداً باصلاح مهام و ترفیه حال اقام، و  
حفظ حقوق ملت و دولت اشاره فرمود.

حزب اشرار که برخلاف این مذکورات متفق بودند  
سخت در ادبیه اقتصاد، داشتند اگر جندی حال  
برایغیوال برقرار ملد، مکنونات اعمال قیحه شان که در  
زیرسدگونه ابرهای مگر و تمام مستقرات آشکار خواهد  
شد، و آنرا تعدی از حدود و اندازه خویش ممکن  
نخواهد گشت، انواع و اقسام مدخولات نامشروع که در  
پناه خیانت و تقاب آنرا حاصل است، و سب حریت  
و آزادی برده دار و طاع از اشتهاء آم است یکاوه  
بر طرف و معدوم خواهد کردید، و شاید چون راز  
شان از برده بیرون افتد و استار از اعمالشان برچیده  
شود، بقهر و غضب پادشاهی که جزاء کردار و رفتار  
شان است گرفتار گردند.

صلاح حال خود و فساد حوال تا سرا در  
سد ابواب معارف داستند، وجود رونامه مدسه را  
مافی عظیم در مابل افکار و منویات باطله معتقد گشته،  
بیشرف ماسد را در توقیف و منع ورود نامه مدس  
بجناک پاک وطن گمان کردند و شیطان و هم خبیث در  
کوشان تولید این خیال خام نموده بود، که چون این  
جریده ممنوع الورد گردد، آنان را قدرت مطبه و  
ساعه تا مه بر جان و مال رعایا یک برهزار خواهد شد و  
کسی از کارهای ناروایشان مسبوق و مطلع نخواهد گردید  
پس بپرنک و وسوسه که توانستند جل  
مضریات جعل کردند، و در خاکبای هیون اعلی  
مطاب را مشبه نموده رونامه را توقیف کردند - و  
یکدفعه دست تجاوز از آستین بدر آوردند، و آنچه  
از ظلم و تعدی و فروختن حقوق ملت و ملک  
در ازا، نمی توانستند، دریغ و مضایقه نکردند.  
روزنامه چون چنین دید داسته مام نه موقع مدحه  
و سکوت است زیاده از پیش امدادان را باسم و رسم  
و شخص مسطور داشت، سیدآت را من لب دیوالی الحتم  
مرفوم، و فریاد بظک امیر رحانید، و از وراه صدعا  
فرهنگ راه، بانه جن گمانز وطن را ختمه همسامان  
وطن قیام نموده، آژ-بلی ملک و خیال گوشتی نموده.

هیچ قاعده نباشد - و لکن هر سه تکالیف سردار  
مربور، و شرایط ترتیب عساکر را چند نفر از خارج  
معین نمایند، آنوقت لشکر منظم خواهد بود. بنابر این  
قاعده کلیه ممکن نیست که وزرای یک دولت، براساس  
عمل خود قاعده وضع نمایند، مثلاً در هیچ دولت دیده  
نشده است که وزیر دول خارجه بیاید بگوید من بعد  
از این خود را در عمل وزارت محکوم غلات قاعده  
خراهم داسته و بعد از این هرگز دیده نخواهد شد  
که امیر جنگ بمیل خود حقوق سرتیب و سرهنگ را  
معین نماید در ملک آسیا، همیشه عمل اجرای حکم، و  
عمل تعیین قاعده اجراء، هر دو محول پوزرا بوده، و  
باینواسطه در این صفحات هرگز دول منظم دیده  
نشده است، وزرا حکم پادشاهرا اجرا داشته، موافق  
هر قاعده که خود خواسته اند، و بواسطه اجتناع ایندو  
عمل هم. طاع نظم دستگاه حکومت بوده. و هم اغلب  
اوقات سلاطین را مطیع اراده خود ساخته اند، اما در  
فرنگ سلاطین مطابق، مثل امپراطور روس، ونمسه، بواسطه  
تقریق ایندو عمل حکومت، چنان اسبابی فراهم آورده  
اند، که اراده ایشان نقطه به نقطه اجرا میگردد، و وزرای  
ایشان با کمال تسلط نمیتوانند بقدر ذره از تکالیف  
خود تجاوز نمایند (باقی دارد)

### حکایات روزنامه مقدسه در دربار دولت - (از شماره ۱۲)

روزنامه مقدسه، چون این اختلال را مشاهده کرد،  
و علامت نکبت و ذلت بل دلائل قضا و اعدام در ناصیه  
ملك و ملت مطالعه نمود، داسته نه جای سکوت و  
سکون است، با لهجه ملاطفت و ملامت حسابی بر  
نگیرند، و از گوشه و کنایه و استعاره بقبایح اعمال  
برخوردار نشوند، چه در بچار شهوات منفراند، و  
در خیالات شخصی منمک ناچار فریاد برکشید، مطالب  
را که در درون سینه نهفته و آتش در دل میزد از  
برده برون افراخت، ندای و اوطنا بلند کرد، و بر فلاکت  
و بچارگی امت افسوسها خورد، خیانت خائنان را  
ظاهر ساخت مناصد همایگان را بطور واضح معین  
و مبرهن نمود، آثار و جراحی که از ضربت بیرحمه  
معاندین بر بدن این جسم نحیف وارد آمده بود،  
یکایک نشان داد، قوس نامه بسوی این مسائل متوجه شدند،

هر مشکل را در راه خدمت وطن آسان گرفت ، و هر صعبی را سهل شمرد ، هر وسیله که متصور بود خاطر مینت مظاهر خسروانی را از وقایع جاریه آگاه کرد ، رأفت و عدالت و دادگستری و رعیت پروری نهی شد که دست خائشان کوتاه شود ، و هیئت کابینه تغییر یابد ، بعد از وقوع این تغییر که همه قع ملت و دولت را متضمن بود ، بر حسب رأی بیضا مظاهر ملوکانه حکم توقیف مرفوع ، و کافی السابق مورد مراحم پادشاهی واقع گردید .

این هنگام بواسطه آنکه اغراض سابقه بر طرف گردیده و خود پرستی و متابعت باقوال همجواریان ، و گرفتن درهم و دینار و بیع استقلال ایران موقوف و متروک گردیده ، و شخص اول دولت را در سر هوس استرجاع شئون و حقوق موهوبه و استرداد ممالک از دست رفته است ، بهترین وسیله آگاهی و اطلاع از اوضاع صفحات ممالک و ایالات را صفحات روزنامه مقدس میشناسد ، چه مدیر محترمش دانا و بینا ، کثیرالاطلاع ، واقف بمواقف زمان ، عالم بر موز پتیک ، خلی از هر قسم اغراض و امراض فحاشی ، و غاری از طمع و دانست ، شدید الفیرة و الحمیه و در انتشار حقایق بینک و بی ملاحظه ، نخواهد جز آنچه وطن را نافع است ، و نطالبد مگر آنچه بهر مانی وجود عمومی را شامل ، ذخارف دنییه دبدئه حق پیش را آکنده ساخته ، و باطلیل سخنان دشمنان که چون مواجید و روباست ، در مزاجش اثری نچشیده ، پس بطرفش گرایند ، و سخنانشرا آوزة گوش هوش نمودند ، و بی چشم انصاف و حق بینی در کلماتش تأمل و تعمق کرده ، بیاناتشرا مورد توجه و التفات ساختند ، خلاصه پندانه که در دوره سابقه مندرجات آنرا مغل معاصد و ماع از اجراء افکار خود میداستند ، در این دور سعادت و مسرت بهممان درجه مندرجاتشرا مدخیالات و معاصد مناخذ خویش میشمارند ، و در اغلب مسائل غامضه از رأی او پیروی و متابعت مینمایند ، و اگر چندی بر همین سبب بقبری شود و سکنه وارد نیاید ، امید کامل و رجاء واثق است که آب رفته بجوی باز آید ، و رونق و ناه در ملک برخ نیاید .

اینک شمه از اثرات آنرا در دوران دولت عینه و در نظر در پلریان ، خصوصاً بهانه زاده آزاده و الانبار حضرت

اشرف انامک اعظم که بحسن غیرت و حمیت و وطن پرستی و بصیرت و کرامت اند ، بجهت اطلاع خاطر قاطر و وایسته بنیان ، عموم مشترکین ، و خشنودی وطن پرستان ترقی بخواب ، و تشویق و ترغیب سایر اصحاب جریاند و او را قی ، عرصه دارم ، و تشکرات خود را از مقام جنیب صدارت جلاله عظمی شیدالله ارکانه ، که خدایش توفیق خدمت زیاده بر این دهاد از جانب عموم وطن پرستان و مات خواهان معروض داریم - ( باقی دارد )

مدانده وطن

( شماره ۱۲ )

( حق را باید گنت - و حقیقت را نباید نهفت )

باری همین قدر کافی است از بیان عال زوال این دولت ، و قتیکه بخواهیم بنظر دقیق و انصاف نظر کنیم ، می بینیم این دو حکومت متمدن مغلوب که یکی ایران و یکی روم است ، با این دو فرقه و حتی غالب که یکی جرمانیا و یکی عربها باشند ، هیچ کدام در اسباب مغلوبیت و جهة غالبیت با هم فرق ندارند ، یعنی بهمان دلیل که جرمانیا برومیة الکبری غلبه جستند ، بهمان دلیل اعراب حکومت پنج هزار ساله ایران را که مهد تمدن و تربیت دنیا بود یا پمال بیرحمی و قساوت کردند ، با قوت استبداد و شمشیر ، کاش تنها همین بود ، اساس حکومت استبدادی گذاشتند ، که تا هنوز منشاء همه قسم بیرحمی و شرارتهاست

در ایران ظهور مذهب مزدک و اختلال داخلی ممالک ، جنگهای ده ساله اتوشیروان ، بواسطه بسط ممالک ، و گرفتن اقوام مجاوره را در تحت اطاعت ، و داخل شدن اجانب در حوضه حکومت ، و قشون ایران در زمان پرویز ، و گرفتن عساکر موظفة که در روما ( بریتوری ) میگفتند ، و دخول رذائل اخلاق بواسطه قوحت عذیده ، و بی با شدن صف متوسط است ، و ظهور مذهب بتای روح ، و تصرف ارواح ، و متزلزل کردن اساس وطن پرستی را ، و سناهای شخص خسرو حاضر کرده بود بیک قاعده که غیر از قاعده طی الطوار سببه است ، این مملکت را از برای قبا و زوال ،

بدین جورانی اگر عده ای با نیت بر رسیدن شفا پیدا

مثل اینکه یکی از بزرگان مملکت گفت که فلان جمهوری است بعضی حرفها میزند که باید وطن آباد شود، عدالت خانه برپا شود عساکر منظم داشته باشیم، از این کدبانوها به برسیم که این بولهاشیکه بشها میدهند بکجا صرف میکنند گفتم اینکه معنی جمهوریت نشد معنی جمهوری را بگویند، گفت معنی جمهوری معنی لامذهب، این حرف با چه، بتوجه خدا صاحب ولایت را برساند تا دو دفعه از این عادت اعراب که خود سبب زوال آنها شد، دور شویم، و به آباء عظام خودمان اقتفا نکنیم بشوکت و جلالت قدیم نخواهیم رسید.

میدانید آباء عظام ما چه قسم اشخاص بودند و چه گونه در حفظ وطن سعی میکردند؟ (گودرز) اصفهانی سپهسالار اردوی (کیخسرو) بود، در سن هفتاد و پنج سالگی در دانه نامه (کلات) با سپهسالار اردوی (افراسیب) رو بروی شد، درحالیکه هفتاد و چهار نفر از پسرها و پسرزادهایش، در همان جنگ در پیش چشمش جان داده بودند، با کمال جلالت در میدان جنگ رشته حیات پسران (ویسا) را قطع کرد، امروز ما تبریک میکنیم که جنرال (نوزو) قانع پور آرتور در سورنیکه دو پسرش در جنگ کشته شده بودند در بنای همیشگی خالی حادث شده بود، بدی کار این است که معناد بافسانه شده ایم. شاهنامه میخوانیم افسانه میخوانیم، قرآن میخوانیم. افسانه میخوانیم، چرا معنی هیچ کدام را نمیخوانیم بفهمیم، و ضرور نمیگذارند که فکر یاد گرفتن باشیم.

هرچه مکرر کنیم که خرابی قسم تمدن ما از عادات فاسده اعراب است تکرار غلط نیست و اگر بگوئیم که عین عادات در آخر، یعنی بزودی سبب زوال خود اعراب شد، هیچ سهوی نداریم، محض اثبات مدعا، باز یک بند از تاریخ عمومی یکی از مورخین بزرگ اسلام را ترجمه میکنم

درست به کلمات این مورخ معروف قارئین انذات فرمایند، يك قطعه از زمین که در تاریخ دارای اسی نبود و از برای سکونت مردمان تمدن هیچ مساعدت نمیکرده يك دفعه در عصر هفتم میلادی مورد توجه دنیا شد

و این زمین عبارت از جزیره العرب است، که

میکرد و اگر در دهها پیش پدید می آمد، ناچار بدوره زنگینی خانه میداد، بدوای دردهایش درجای طبیعی مسیح دم عزرائیل جاستان آمد، پس اگر این امر را معجز قرار بدیم، که از برکت دین اسلام بود که شمشیر کردن می برید و ضعیفه ایرانی از مرده که صرب حامله می شد، و آن وقت پسری که تولد می نمود خود را اولاد قانع میدانست، و با کمال قدرت آئین و کردار پستیده وطنی خود را ترک بلکه به پدران بزرگوار خود نسبت شرك و کفر، و غلط بودن در آتش میداد خیلی مغایر عقل و حکمت است

من از وقعه هائیکه در خود صرب واقع شد از جل و صنین، و محاصره مکه، و حرکات پسر اوطه و عجاج یوسف و وضع خانقا و واقعه جاسوز کربلا، قطعاً میگویم که اگر بینبر بصورت مادی زنده بود که اینک از آن واقعه ای داخلی متأثر بود یقیناً در این واقعات خارجی هم صورت رضا نشان نمیداده همین قسم که دین مسیح در سیصد سال اولی بدون خونریزی پیش رفت کرد، ممکن بود دین حضرت خاتم پیشرفت کند، باری ازین بحث بگذریم چون قصد صحبت از امورات مافوق الطبیعه نداریم که شنوری در بحری است بی کنار

پس از این مقدمات تاریخی گفتیم، صرف نظر از منویات و نصورات ذهنی صورت امورات روزانه با میگوید که سبب سقوط حکومت ایران اعراب بودند و این مردم صروج مانکان فاضله نبودند بلکه مسدود بودند - مثلاً عمده سببی که يك قومی را باوج معالی و مکارم ارتقا میدهد حجت وطنی است، اعراب این حکمت را با یاد دادند

(وما حب الدیار شخن قلبی)

(ولکن حب من سکن الدیاری)

چون در تقریرات مندم گفتیم، که دین دارای وطن نیست و بنای قومیت و جنسیت را محکم نمیکند بلکه آنچه لوحه خوشبختی را نشاند میدهد غیرت و حجت وطنی است، ما چون از اسم وطن و غیرت وطنی بقدری دور شدیم، که اهالی ما این حرفها را حرفهای تاریخی مآبی و حرف جمهوری طلبان میدانند، و قدرت میکنند عجب دوجار بد بختها شده ایم

ایالات معروفه اش عبارت ازین ، حجاز ، حضر موت ، و عمان و نجد است ، و از این ایالات مذکوره فقط اراضی یمن قابل عمران و اسکان و تمدن است ، و جزء اعظم این اراضی شن زارهای صعب‌المرور است که نه آب دارد نه گیاه - بعضی درمیان این ریک زارها زمین‌های سبز و دارای آب شیرین یافت میشود . لذا قوم عرب علی‌الاسکنز بچوبانی و راهزنی زندگانی میگذازد ، شتر و اسبهای خوب پرورش میدهد ، و اعرابی که در ظهور شمس نیوت در این اراضی ساکن بودند با اخلاف خودشان ، که حالا در همین اراضی ساکنند هیچ فرق ندارند . آن وقت ثروت و - اماشان عبارت از شتر و گوسفند و اسب بود ، امروز هم همین قسم است ، آنوقت بچوبانی میگذرایدند . امروز هم کذاک ، آن وقت یا تمدن و عمران دشمنی داشتند امروز هم نمیشود گفت که تجدید مواخاتی کرده باشند ، و دیگر این مردم بجز شناوری در دریاها و ریک و اسم‌های متعدد از برای اسب و شتر و شیر و سایر حیوانات و ستارها و سایر چیزهای طبیعی بجز دیگر مشغول بوده ، بمثل اینکه از برای اسب تنها چهار هزار اسم گذاشته‌اند ، و جهت عمده جهانگیری این مردم این بود که ممکن نبود که از خانه خود بزم چپاول خارج شوند ، و دست خالی برگردند . شدت عزم و قوت رحم به بی‌نوع بشر اساس عمده فتوحات این مردم را تشکیل میسر کرد . چرا که کشتن اسان ، و اسیر پرده گیان ، و غارت اموال ، در نزد این قوم از بزرگترین مفاخر بود ، و کتر دیده شده است که یکی از این مردم بمقتل کسی متأسف شده باشد ، و جهت آزادی و خرد سری این مردم این بود که اراضی اینها قابل توجه نبود ، و این مردم مدتی بود که حس احتیاجشان بیک آمانی مال بود ، که حافظ حریت و سعادت آنها گردد ، از تضییق مصر و شام دوچار اختلافت عذیده و خونریزی‌هایی کثیره بودند شب و روز ، تا طلوع آفت دولت رحمانی و ریختن شالوده اتحاد ، و محکم کردن عهد اتفاق بین این مردم ، تمام دوچار جنگ‌هایی خانگی بودند که از لوازم تشکیل یک حکومت است ، بعد از فرو شدن آفتاب عدل و مساوات بقدر پست و بی‌جسالت یک حکومتی ساده حاکماتی ثلاث رضایه عنهم کردند .

وبعد ظهور اختلاف و بیعت با علی ابن ابی طالب علیه السلام و سرزدن معاویه پسر ابوسفیان والی شام و وقته جلی و صفین ، و قتل علی ابن ابی طالب علیه السلام ، و واقعات بعدش که ثبت تواریخ است ، باقرارض بنامیه و استقلال عباسی اخیتم شد ، که در واقع این دوره سیم سلطنت عرب بود یک سلطنت ساده عاده سی ساله و یک حکومت ظالمة غیر مشروعة مفتضحه که ننگ دارد قلم از نوشتن فجایع و واقعاتش نزدیک به هشتاد سال ، که اشهد بالله تعالی هیچ مسلمان راضی نمیشود که باین سلطنت نام سلطنت اسلامی بدهد ، بلکه یکی از حسن سیاست رؤسای عرب این بود که سالها در منابر و مساجد بشخصی مثل علی ابن ابی طالب ~~ص~~ شریک آیه مباحه بود با فرزندانش لغت کردند ، و اسم آفت مساجد را هم مبدل‌الاسلام گفتند ، ولی باوجود این رذالت و اغشاشات داخلی باز از فتوحات خارجی که جهتش عمده قتل و غارت بود فراغت نداشتند تا مردم ایران قدری خود را گرفته بحال آمدند با قوت شمشیر ابامسلم خراسانی ، و حسن تدابیر خالد برمکی تشکیل یک سلطنت کردند ، که دوره سیم سلطنت عربی محسوب شد ، ولی در نفس امر انتقال سلطنت بود از اعراب بخود ابرابها اسول این سلطنت مرکب بود از احکام اسلام ، قانون یهود ، و صاری ، و عادات منبوه خود اعراب ، و بعضی از رسوم سلطنت ایرانها ، و شرح این سلطنت با صد ساله را جلدها کفایت ندارد ، چه جای یک مقاله ، تا هلاکو خان خاتمه داد باین سلطنت و حکومت - ( باقی دارد )

در توسیف و توسیع و تاریخ تجارت

( و فوائد و نتائج آن باوضاع حالیه عالم )

( شماره ۲ )

مغز بناماد که عات ترقی و تکاثر بیع و شری مباحه اقوام عالم بسته به چیزست -

(۱) طرق خوب و راحت و سهولت حمل و نقل مال

(۲) آزادی در عمل بیع و شری که هرکس هر گونه بخواهد مالیک خویشرا در معرض بیع و شری جلوه دهد



(۲) اطمینان و خاطر جمعی از تفتی قاعده و خرابی و آذیت و مشاهده میشود که شهرهای سواحل غالب مرکز تجارت بود. و بر کنار رودخانهها و نهرها عمارت میکردند. و بعضی سواحل این رودخانهها را مندرس فرض میکردند ستایش مینموده اند. چنانکه تا امروز رود (گنک) را در هندوستان و رود (اصفر) را در چین مندرس دانند و ستایش کنند. و تمام محض حمل و نقل مال التجاره و طایف حاج مردمست

سبب قطعی های قدیم در مصر و سایر بلاد. همین بود که طرق مسدود و حامل بار کندرو. مثلاً در مصر بحاجه و قطعی وجود داشت و در کنار شط العرب خله از کثرت نایب و ضایع میشد. اغلب طرق و شوارع حالیه براهل دیای عتیق مستور بوده. و علاوه رؤسای هر قوم بهوای نفس خویش هر روز برایی رعایا و زیرستان خویش اسباب زحمت و تعب فراهم می آورده. و دلماً در جنگ و جدال روزگار بسر می برده اند. گاهی مظفر و منصور. و زمانی شکست خورده و مغذول بوده اند. و باین نحو عمل تجارت معوق بوده است. بر حکام و ولات فریضه و واجب است طرق دریا و خشکی را از دزدان بری و بحری حفظ کنند. و مال التجاره تمار را از شر اینگونه مواد مضره صیانت نمایند. و نگذارند به تمار داخله و خارجه مآکت خویش خسارتی رسد. و باید بدانند که فندان این شرائط لئله بزرگی بتوسعه ناطق تجارت و شیرازه نظام مامکت وارد دارد

بعد از فتوحات اسکندر دولت (کارنج) همت در ترقی ثروت مصر و نمود. و با اغلب قطعات اروپا که اهالی آن بحالت نیم وحنی زندگانی میکردند اند ابواب تجارت و مدامات مفتوح داشت. و سفاین متعدد تجارقی از اطراف گرد آورد. ملاحان (کارنج) برای کشف طرق بحری رنجها برده آنها کشیدند. و بنادری چند بر سواحل اقیانوس اطلس برپا داشتند. و بندر (کارنجینا) و (بارسلینا) را بر سواحل دریای ایض ساخته مرکز انخار قوای بحریه و انبار خود قرار دادند. و تجارت خارجه مصر. و یونان. و آسیای وسطی. و جزیره (میسلی) و بعضی بنادر جنوب اروپا رفته رفته منحصراً بآنان شد. در این عهد دولت (روم غرب) مانند دولت

آلمان حالیه در قوای حریه بزی. و قرام گرفت مرهان کاری مسلکشت. و دولت (کارنج) مانند دولت انگلیس حالیه در قوه بحری. و عده جہازات تجارقی. و سفاین جنگی بیوسته بگتاه بود و چون (روم) خاطر از فتح داخله (ایتالیا) برداشت. بدانسرشد که دولت (کارنج) را ضمیمه ملک خویش نماید

در میانه این دو ملت يك قرن زد و خورد و میدانی نبرد. آراسته بود. و درین مدت (روم) نتوانست کاری از پیش برد و بروقیب دریایی خویش ظفر جوید. ولی دشمن صعبتر همواره در عقب (کارنج) بچاره بود. یعنی بر تجارت وی بواسطه طول ایام بحاره خالی وارد آمد. و ثروت برطرف شد. و اهالی بریشالت شدند. و عاقبت الاسرا از (روم) شکست سخت خورده خانهاشان برباد رفت. و پایتختشان از بورش عساکر رومی خراب و ویران و با خاک یکسان گشت. (البوم خرابهای آن در نزدیکی بندر (تونس) بریاست. و مردم از اطراف واکتاف برای دیدن آن مسافرت میکنند. و ازین صحنه موجود تاریخ قدیم که در آن بسی دقائق ملحوظ است نکات عمده و مطلب مهمه می آموزند)

منارن همین بحاره که ۱۴۶ سال قبل از میلاد بوقوع پیوست. عساکر روم شهر (کرنات) را که یکی از شهرهای قدیم یونان بود خراب کرده. تمام اموال مردم و آثار صنایع آن شهر را از قبیل تجسمه و سور و تشهای ممتاز و غیره بنهب و غارت بردند. و در ۸۶ قبل از میلاد شهر (آطنه) که پایتخت یونان و مرکز تجارت وی بود در زیر سم ستوران لشکر (روم) پست شد. و اموال مردم بنسارت رفت. پس از خرابی شهر (صور) بندر مرموره پست المندس بدست اسکندر کبیر اهالی آن شهر (پالیر) را بنا کرده مرکز تجارت قرار داده بودند. و بسوی و کوشش (پالیر) محل معتبر معاملات بازار شامات گردیده بود. و عساکر روم بعد از فتح (آطنه) برین شهر نیز بتاختند. و چیزی از سلب و نهب فروگذار نکرده اهالی را از دم تیغ گذراندند. سردمان (پالیر) بتایب کاسب و بی آزار بودند چنانکه در بحاربات ایران و روم تمار (پالیر) طرفین

قره آردون در دلته سه راه کاتن، و دارا (که پلند  
خته وار و سه هزار نفوس است. از سه تا آنجا نوازده،  
و از گرگون تا آنجا هشت، و از قره بلاغ تا آنجا  
فرسخ میباشد. اینتصبه در قطعه واقع شده که در نخستین  
درجه محل عبور و مرور کاروانست، لذا دستگاه داد  
و ستد تجارتش تا یکدرجه رواج است و در اطرافش  
همه ساله حیوانات زیاد بعمل می آید، و سکنه آنجا  
که صحراد میباشد با زراعت و فلاحه امرار عمر  
مینابند، و این قصبه دارای چهار مسجد و سه حمام  
و پنج کاروانسراست -

( حسن آباد )

عبارت از دو قصبه است در دو موقع، که یکی  
قلمه حسن آباد، و دیگری را قریه حسن آباد مینامند،  
قلمه حسن آباد در چند فرسخی جنوب غربی شهر  
سنه واقع، و قلعه ایستکه در عهد سلطنت خاقان مرحوم  
قاجار شاه ارطغر (خان احمدخان) تأسیس شده، و قری  
معمور، بعدها جهت آنکه اهالیش اطراف رفته اند رو  
بخراب گذارده، و الیوم غیر مسکونت، و در دامن  
کوه شاهو که اینتصبه دو روی آساخته شده بود، در  
قلمه حسن آباد تا سیس شده، که اینک بنایت معمور  
و تقریباً سه هزار نفوس را داراست، و سکنه اش کرد  
میباشد این قلمه دارای دو جامع شریف و دو حمام  
و دو کاروانسرا و یک چار سوی کوچکی است -

( ملوات آباد )

در دو فرسخ و نیمی، و شرق جنوبی سنه و  
درمیان جاده همدان و در دامنه کوه ( بجه علی واقع  
دارای سیصد خانه و پانزده هزار نفوس است، اطراف  
چهارگانه اینتصبه با باغ و باغچه مشجر، محاط و کوههای  
تزدیک او نیز با اشجار مشمره و غیر مشمره مشحون،  
و یک نوع انکور در آنجا بعمل می آید که در موسم  
زمستان در سنه به کمال طراوت انکور تازه بفروش  
میرسد، اهالی آنجا زارع و باغدارند و بعضی هم از آنان  
بشهر سنه جهت تحصیل آمده مشغول کسب علوم  
میشوند، سکن آنجا کرد، و قسم کلی آنان از سلاله  
سادات ( بزرنجیه ) میباشد -

( کرک آباد )

در جبهه شرقی و چهار فرسخی ملوات آباد

را رعایت میگردند و محتاج از برای قشون نجین  
تدارک مینموده اند ( باقی دارد )

جغرافیای ایران

( از شماره ۱۲ )

( گرفتو )

مرکز حکومت بلوک و در قرب حدود غربی  
آذربایجان و در ساحل یسار شهر جاناتو و در روی  
جاده سنه و ساوجبلاغ واقع و دارای یکصد و پنجاه  
خانه و دو هزار نفوس اهالی آنجا اگرچه کرد میباشد  
ولی عموماً بگشت و زرع ورمی مواشی اشتغال  
میورزند و این قصبه دارای دو مسجد شریف و دو  
حمام و چهار کاروانسراست -

( سردشت )

در قرب حدود آذر بایجان در دامنه شمال شرقی  
کوهیکه ( کورطاق ) مینامند در محلیکه نهر ( زاب  
الصنبر ) تشکیل دوره مینماید، در ساحل طرف  
راست نهر مذکور، و درمیان جاده ارومی و سلیمانیه  
واقع، یک قصبه بسیار شیرین خوشگل، و دارای دوهزار  
هوس است، اطراف اربعه اش با باغهای سیب و  
مراوع حیوانات مختلفه محاط است، و اهالی شهر رگرد  
و نخستین صفت آنان آهنگری و سلاح سازی است، و  
این قصبه دارای دو مسجد و دو حمام و سه  
کاروانسراست -

( باه )

در قرب حدود عثمائی در روی اراضی عارضه دار  
بسی بست و بلند واقع، و دارای دویست خانه، و هزار  
و پانصد نفوس، و اطراف اربعه اش با باغ و باغچه  
محاط، و در اراضی اطرافش حیوانات زیاد و بالخاصه  
توتوت بسیار زرع میشود، اهالی آنجا کرد و تماماً  
مشغول زراعت و فلاحه میباشد، درمیان این قصبه  
هشت باب جامع و مسجد شریف و پنج حمام و چهار  
کاروانسرا موجودست -

( دیواندره )

قصبه ایست که در قطعه تلافی دو جاده مختلف  
که از تبریز و رومیه بستندج میروند، در منابع نهر